



چکیده

زندگی امروزه به طرزى در تداوم است که مشارکت در همه قلمروهای آن نقش عمده‌ای دارد. این مشارکت در قلمروهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی هر کدام به طریقی اتفاق می‌افتد که از نزدیک به هم پیوسته‌اند و بدون یکی از آنها، دیگر قلمروها ناکارآمد هستند. به همین لحاظ هر شخص به ضرورت می‌تواند با راههای گوناگون به مشارکت روی آورد و نقشهای متفاوت در هر قلمرو ایفا کند که از آن جمله مشارکت در خانواده، مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی و مشارکت سیاسی قابل ذکرند.

علی‌رغم تعارضهای سخت، مشارکت از همه نوع آن به خصوص در کشورهای سوسیالیستی سابق و کشورهای رو به توسعه در حال بروز است. مشارکت مورد اشاره از حرکت به سوی مردم سالاری، گشودن درهای تازه بر فعالیتهای کارآفرینی، خصوصی سازی، در جریان قرار گرفتن رویدادهای جهانی در لحظه وقوع و افزایش سریع سازمانهای غیر دولتی از مصادیق مشارکتهای اخیر است. ناگفته نباید گذاشت در همین وضعیت شمار عظیمی از مردم از جمله

مشارکت مردم

• دکتر محمد علی طوسی

فقرترین قشر مردم جامعه، روستائینان، بسیاری از اقلیتهای مذهبی و نژادی و زنان جامعه تقریباً در همه کشورها، از گروههای کنار مانده در مشارکت هستند. به نظر می‌رسد کمتر از ۱۰ درصد جمعیت جهان در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت کامل دارند و برای گروه عظیمی، مشارکت واقعی به مبارزه‌ای طولانی و پیوسته نیاز دارد.

مقدمه

مشارکت به معنی درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر بر زندگی آنان است. در برخی از حالتها، مردم ممکن است بر همه این فراگردها نظارت کامل و مستقیم داشته باشند و در برخی دیگر نظارت آنان ممکن است جزئی و غیر مستقیم باشد. موضوع مهم آن است که مردم همواره دسترسی ثابت و پیوسته به

فراگرد تصمیم‌گیری و اقتدار داشته باشند. مشارکت در این معنی عنصری ضروری در بالندگی انسان به شمار می‌رود. مشارکت به یقین اصطلاح تازه‌ای نیست، بلکه از سالهای دهه ۱۹۶۰ و شاید زودتر از آن جزئی از فرهنگ واژه‌های بالندگی به شمار می‌رود. ولی این واژه به طور کلی تنها به درگیر شدن مردم در طرحها یا برنامه‌های ویژه اطلاق می‌شود. در این نوشته، تفاوت حیاتی در آن است که مشارکت راهبرد فراگیر بالندگی است بر نقش کلیدی مردم در همه قلمروهای زندگی بالندگی انسان به معنی گسترده کردن دامنه گزینشهای انسان است و مشارکت گسترده‌تر مردم را دستیابی به دامنه وسیعتر از فرصتهای نیکو توانا می‌سازد.

مردم می‌توانند به صورت فردی یا گروهی به مشارکت بپردازند. در مقام فردی در نظام مردم سالاری، مردم ممکن است در نقش رأی دهنده یا یک فعال سیاسی شرکت جویند - یا در بازار کسب و کار و در مقام کارآفرین یا کارگر قدرت خود را به نمایش بگذارند. گرچه، آنان اغلب به عنوان اعضای سازمانی اجتماعی یا محلی یا اتحادیه صنفی یا حزب سیاسی کارآمدتر می‌توانند به مشارکت بپردازند.

مردم در همه جا به یقین در خواست دسترسی بیشتر به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارند. آنان ممکن است چندان در پی مشارکت کامل نباشند. ولی به طور قطع به دنبال آن هستند که پیشرفتی پایدار به سمت مشارکت کامل داشته باشند. مشارکت، به هر حال، فراگرد است و نه رویداد. مشارکت در معنای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن نفوذ و نظارت بالایی را می‌طلبد، در نتیجه داشتن اختیار بسیار بالایی را ضرور می‌شمارد. این موضوع در قلمرو اقتصادی، بدان معنی است که انسان قادر باشد تا به صورت آزاد در هر فعالیت اقتصادی شرکت جوید. در قلمرو اجتماعی، بدان معنی است که انسان بتواند بدون توجه به دین، رنگ، جنس یا نژاد خود به طور کامل در همه شکل‌های زندگی اجتماعی شرکت جوید و در قلمرو سیاسی، بدان معنی است که برای انتخاب و تغییر حکومت در هر رده، از ریاست جمهوری تا شورای دهکده آزادی دارد.

همه این شکل‌های مشارکت از نزدیک به هم پیوسته‌اند. بدون یکی از آنها، دیگر قلمروها ناقص و کمتر کارآمد هستند.

هر گونه پیشنهاد برای افزایش مشارکت مردم باید بی‌گمان از آزمون سپردن قدرت و اختیار موفق درآید، بدین معنی که مشخص شود این پیشنهاد قدرت مردم را در نظارت بر زندگی خویش کاهش می‌دهد یا افزایش می‌بخشد؟ این آزمون درباره همه نهادهایی که بر زندگی مردم اثر می‌گذارند یا آن را ساماندهی می‌کنند صادق است - چه بازارهای اقتصادی باشند یا

سازمان‌های محلی و اجتماعی. هر یک از آنها باید به پیشرفت آرمان مردم یاری دهد. از دیدگاه بالندگی انسانی، مشارکت هم هدف است و هم وسیله. شکو فایی انسانی بر نیاز به سرمایه گذاری در پرورش قابلیت‌های انسانی تأکید می‌گذارد و سپس موجباتی فراهم می‌آورد تا این قابلیت‌های پرورده را در راه سود و منافع همگان به کار گیرد. مشارکت گسترده در این زمینه نقشی عمده بر عهده دارد: استفاده از قابلیت‌های انسانی را به حد بیشینه می‌رساند و بدین ترتیب وسیله‌ای برای بالا بردن ترازهای بالندگی انسانی به شکوفایی شخصی انسان دلبستگی و توجه دارد. بنابراین، مشارکت فعال و واقعی که اجازه می‌دهد مردم همه استعداد‌های بالقوه خویش را

کند و در قلمرو زندگی سیاسی می‌تواند رأی دهنده، عضوی از حزبی سیاسی باشد. همه این نقش‌ها با یکدیگر همپوشی دارند و در میان آنها تعامل صورت می‌گیرد و شکلهایی از مشارکت را پدید می‌آورند که با یکدیگر اتصال دارند و اغلب یکدیگر را تقویت می‌کنند.

۱- مشارکت در خانواده: به طور معمول بانوان فرزندان را می‌پروراندند، غذا و آب آنها را مهیا می‌کنند و بر امور بهداشتی اعضای خانواده در حد لازم و کافی نظارت دارند. و برای ایفای چنین مسئولیت‌هایی نیز در بیرون از خانه، و به طور کامل در بخش غیر رسمی، به کار می‌پردازند.

این یاری بانوان به جامعه در آمارهای

طبیعت مشارکت اقتصادی می‌تواند بسیار متنوع باشد، از کارهای پر زحمت بدی تا کارهای خلاق و پر سود مستقل را در بر می‌گیرد جامعه‌های بشری در ارزش نهادن به شکلهای گونه‌گون کار متفاوت‌اند. این تفاوت ممکن است از خوار شماری کار بدی تا شریف شمردن آن در جوامع مختلف انسانی دیده شود. در ارتباط نزدیک با چنین دامنه‌ای از نگرش‌های اجتماعی، طبیعت محیط کار نیز عاملی مؤثر است که می‌تواند سرشتی مشارکت جو داشته باشد. ولی مردم تنها در محیطی مردم سالار از کار و نیز از احساس این که در راه شکوفایی سهم ارزشمندی دارند، خشنودی کامل به دست می‌آورند.

اقتصادی ناشناخته می‌ماند، و به بانوان حتی سهمی برابر در تصمیم‌های خانواده نمی‌دهد. در پژوهشی که در «اوغاندا» صورت گرفت چندی آشکار شد که مدیریت درآمد خانواده تنها برای شمار محدودی از مردم مسئولیتی مشترک است. در حالت‌های بی‌شمار، شوهر تنها بخش کوچکی از «پول خانه داری» را به همسرش می‌سپارد.

بانوان، وقتی بر پول‌های خانه داری نظارت دارند، به طور کلی در هزینه کردن مراقبت بهتری اعمال می‌کنند. در مالزی، در یک پژوهش درباره کارگران جمع آوری کننده، کاتوچو چنین آشکار گردید که به تقریب همه درآمد بانوان کارگر صرف

شکوفای سازند و از آن بهترین یاریهای خود را به جامعه ارزانی دارند، به خودی خود هدف به شمار می‌آید.

شکلهای مشارکت

مشارکت ممکن است در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به اجرا در آید. بنابراین هر شخصی به ضرورت می‌تواند به راه‌های گوناگون و در ترازهای متفاوت به مشارکت بپردازد. در زندگی اقتصادی، شخص می‌تواند در نقش تولید کننده یا مصرف کننده، کارآفرین یا کارمند در آید، در زندگی اجتماعی، می‌تواند در مقام عضوی از خانواده یا عضوی از سازمان محلی یا دسته‌های غیر بومی عمل

نیازهای خانواده می‌شد. در حالی که مردان کارگر گرایش داشتند که بخشی از آن در آمد را که حدود ۴۰٪ بود به مصرف نیازهای شخصی، مانند خرید توتون یا سیگار برسانند. بیشتر جامعه‌های انسانی هنوز این شیوه تفکر که کارهای خانه را وظیفه مشترک زن و مرد بدانند فاصله‌ای بسیار دارند.

۲- مشارکت اقتصادی: بیشتر مردم بخش عمده‌ای از عمر خود را در فعالیت اقتصادی می‌گذرانند. در قلمرو اقتصادی، مردم فرصت بی‌مانندی پیدا می‌کنند تا قابلیت‌های خود را به کار اندازند و درآمدی سودمند به دست آورند. این در آمد، به نوبه خود آنان را توانمند می‌سازد تا از راه افزایش قدرت خرید، دامنه انتخاب‌های خود را افزایش دهند. مشارکت در زندگی اقتصادی نیز مبنایی برای مردم فراهم می‌آورد تا به احساس احترام به خویش و منزلت و حرمت اجتماعی دست یابند. این احساس ویژگی مؤثری است که برای مشارکت در همه ابعاد زندگی ضرورت کامل دارد.

طبیعت مشارکت اقتصادی می‌تواند بسیار متنوع باشد، از کارهای پر زحمت یدی تا کارهای خلاق و پر سود مستقل را در بر می‌گیرد جامعه‌های بشری در ارزش نهادن به شکل‌های گونه‌گون کار متفاوت‌اند. این تفاوت ممکن است از خوار شماری کار یدی تا شریف شمردن آن در جوامع مختلف انسانی دیده شود. در ارتباط نزدیک با چنین دامنه‌ای از نگرش‌های اجتماعی، طبیعت محیط کار نیز عاملی مؤثر است که می‌تواند سرشتی مشارکت جو داشته باشد. ولی مردم تنها در محیطی مردم سالار از کار و نیز از احساس این که در راه شکوفایی سهم ارزشمندی دارند، خشنودی کامل به دست می‌آورند.

۳- مشارکت اجتماعی و فرهنگی: همه مردم و همه جامعه‌های انسانی حق دارند که فرهنگ خویش را به هر گونه که آرزو دارند و به هر شکل که مردمان در سراسر

جهان از آن راه‌ها آرزوی خود را بیان می‌دارند پدید آورند چه از راه زبان جاری، چه از راه رسمها و سنتها، هنرها، موسیقی و رقص یا از راه ادبیات و داستان سرایی. ولی در سراسر جهان گرایشی به سوی همگونی در این قلمرو دیده شده است. هم اکنون در سراسر گیتی نزدیک به چهار هزار زبان وجود دارد، ولی در چند سده گذشته هزاران زبان از میان رفته‌اند. در سده نوزدهم، در آمریکای جنوبی هزار زبان بومی سرخپوستان وجود داشت و اکنون کمتر از دویست زبان از آنها باقی مانده است. پوشاک هم بدان سان به سوی یکنواختی سیر کرده است، که در این تحول، شمار اندکی از الگوهای بین‌المللی جانشین بیشتر لباسهای سنتی گردیده‌اند.

حتی شیوه بیان می‌تواند در معرض تهدید قرار گیرد، فرهنگهای شفاهی به ویژه در خطر قرار دارند زیرا گرایش کنونی به تأکید کمتر بر جافظه و توجه بیشتر بر باسوادی و شکل‌های فنی تولید پا می‌فشارد - یعنی کتاب جانشین کلام شفاهی و گفتاری شده است. برای نمونه، این بدان معنی است که بسیاری از تفکرات سنتی نانوشته در قلمرو بهداشت و پزشکی از دست رفته است. بر همین روال، جامعه‌هایی بسیار با مهارت‌های ظریفی چون بافندگی و سنگتراشی فرهنگ خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند - تولید صنعتی انبوه، این مهارت‌ها را از هم پاشیده است.

چنین دگرگونی‌هایی به طور معمول پذیرفته شده و اغلب به عنوان «پیشرفت و ترقی» مورد استقبال قرار گرفته‌اند. به دلیل تهدیدی که در جهت نابودی کامل برخی از زبانها و مهارت‌ها پدید آمده است جهان اکنون توجه بیشتری به خطر از میان رفتن ثروتی از اطلاعات ارزشمند بشری پیدا کرده است.

فرهنگها باید مورد احترام و عزت قرار گیرند و پیوسته خود را نمایان سازند و الا از میان می‌روند و می‌میرند. از این رو اراده

بسیاری از گروهها، به ویژه مردمان بومی، بر مشارکت فعال برای حفظ هویت خویش و تأکید مجدد بر آن استوار گردیده است. این، شکلی از مشارکت فرهنگی و حق گروهها و مردمان بومی است، مشارکتی که جهان از آن بهره خواهد برد.

ولی اگر قرار باشد این عنصرهای با ارزش تجربه بشری بقای پیدا کند، همه بخش‌های جامعه از جمله سازمانهای مردمی، سازمانهای غیر دولتی و دولت باید در این راه یاری رسانند. ثروتها و غنای فرهنگی باید برای همگان با هزینه‌های ارزان در دسترس باشد، و نه آن که استفاده از آنها به ثروتمندان و جهانگردان محدود گردد.

۴- مشارکت سیاسی: در سالهای کنونی مردم به صورت فردی و گروهی مبارزه کرده‌اند تا سهمی بیشتر در تعیین حیات ملی خود به دست آورند. در حالت‌های بسیاری، مخالفت با نظامهای خود کامه دلیری بسیاری را طلب کرده است - همچنان که در آرژانتین، فیلیپین و آفریقای جنوبی و نیز در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی پیشین مشاهده شد. در برخی دیگر از حالات، مانند آنچه در زامبیا دیده شد، فرمانروایان به این نکته پی بردند که سرکوب کردن قدرت و ابتکار مردم می‌تواند در بلند مدت، نتیجه‌ای واژگونه پدید آورد و همچنان که اندیشه‌های مربوط به حقوق بشر و مردم سالاری در سراسر جهان پراکنده شده‌اند فشارهای بین‌المللی نیز نیروهای ملی را برای دگرگونی سیاسی تقویت کرده‌اند.

دست یافتن به مردم سالاری معنی دار و با دوام کار ساده‌ای نیست. مردم سالاری واقعی می‌تواند چندین زمینه را در بر گیرد. تضمین حقوق بشر از جمله آزادی بیان و تشکیل کانون، فرمانروایی قانون، انتخابات آزاد و عادلانه و پر رقابت در فاصله‌های زمانی، نظام چند حزبی، انتقال منظم و مرتب حکومت و نمایندگان منتخب مسئول و پاسخگو در برابر رأی دهندگان.



شکلهایی از حکومت مردم سالاری هستند، یا به پیشبرد آن دست یافته‌اند.

گذر به سوی اقتصادهای بازار:

سراسر جهان، حکومتها در همان حال که به سوی اقتصادهای بازار گام بر می‌دارند، نظارت‌های دولتی را بر می‌چینند و درهای تازه‌ای را برای مشارکت و فعالیت‌های کارآفرینی باز می‌کشایند. بیشتر کشورهای سوسیالیست پیشین جهان تاکنون خود را به راهبردهای بازار - پایه متعهد کرده‌اند. بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت در حال آزاد سازی اقتصاد خویشند - بدین معنی که مقررات محدود کننده را بر می‌دارند، شفافیت بیشتری را در امر کسب و کار فراهم می‌آورند و فرصت‌های نیکویی برای مشارکت در فعالیت اقتصادی در اختیار کارآفرینان می‌گذارند.

خصوصی سازی: خصوصی سازی

راه‌های تازه‌ای را برای مشارکت در اقتصاد بسیاری از کشورها می‌کشاید. از سال ۱۹۸۰ به این سو، نزدیک به هفت هزار شرکت یا سازمان دولتی به جنبش خصوصی سازی پیوسته‌اند که از این شمار هزار و چهار صد شرکت یا سازمان در کشورهای در حال پیشرفت قرار دارند.

انقلاب اطلاعاتی: نظام اطلاعاتی،

گزارش رویدادهای جهانی را به درون خانه همه افراد می‌آورد. هم‌اکنون، مردم از راه رادیو و تلویزیون، در جریان رویدادهای جهانی، در همان هنگام که به وقوع می‌پیوندند قرار می‌گیرند. اکنون مردم در کشور خود راه‌های مختلفی برای برقراری ارتباط در اختیار دارند، دستگاه‌های خیر پراکنی ملی و عمومی و نیز وسیله‌های تازه‌تری چون نمابر و نوارهای ویدئویی در دسترس مردم هستند که بسیار دور از مزاحمت نظارت دیگران هستند. این دستگاهها، انحصاری کردن گردش اطلاعات را برای دولت بسیار دشوار می‌گرداند.

سازمانهای غیر دولتی: این سازمانها در

سالاری واقعی زمانی است که مردم در همه نهادهای جامعه مدنی آگاهانه و با اختیار شرکت جویند.

انتخابات شرط ضروری و به تحقیق نه کافی، برای استقرار مردم سالاری است. مشارکت سیاسی تنها انداختن رأی در صندوق نیست. شیوه‌ای از زندگی است.

کشودن راه‌های تازه

به رغم شماری از تعارضهای سخت و خشن، چنین می‌نماید که جهان در حال گذر از دوره‌ای از دگرگونی مثبت است. مشارکت از همه نوع آن در حال جوشیدن است، به ویژه در کشورهای سوسیالیست سابق و در کشورهای در حال پیشرفت.

مردم سالاری: در دهه گذشته، مردم سالاری در بخشهای زیادی از جهان گسترده شده است. نزدیک به دو سوم از مردم جهان هم‌اکنون در کشورهایی زندگی می‌کنند که در حال حرکت به سوی

مردم سالاری خواستار نظام سیاسی باز و کارآمد، نه تنها در دولت‌ها بلکه در حزب‌های سیاسی است تا مردم به هنگام نامزد شدن داوطلبان نمایندگی، از گزینشی آزاد برخوردار باشند و اگر قرار باشد دولت‌ها از نفوذ بیش از اندازه صاحبان منافع ویژه آزاد باشند، مردم سالاری به نهادهای نیرومندی مانند جامعه مدنی (مانند مطبوعات آزاد) و شکل‌های گوناگونی از سازمانهای غیر دولتی (مانند گروه‌های هوادار حفظ محیط زیست که در سالهای کنونی اثری عمیق در بسیاری کشورها داشته‌اند) نیازمند است.

مردم سالاری یک شبه به دست نمی‌آید. درست به همان وضعی که شکوفایی اقتصادی معنی چندانی ندارد، مگر به بهتر کردن زندگی انسانی بیانجامد، مردم سالاری هم نمی‌تواند تنها تشریفاتی میان تهری از انتخابات دوره‌ای باشد. مردم

مشارکت ممکن است در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به اجرا در آید. بنابراین هر شخصی به ضرورت می‌تواند به راههای گوناگون و در ترازهای متفاوت به مشارکت بپردازد. در زندگی اقتصادی، شخص می‌تواند در نقش تولیدکننده یا مصرف‌کننده، کارآفرین یا کارمند در آید، در زندگی اجتماعی، می‌تواند در مقام عضوی از خانواده یا عضوی از سازمان محلی یا دسته‌های غیر بومی عمل کند و در قلمرو زندگی سیاسی می‌تواند رای دهنده، عضوی از حزبی سیاسی باشد.

سالهای کنونی افزایش نمایانی یافته‌اند. در سال ۱۹۹۰، در حدود پنجاه هزار سازمان غیر دولتی در کشورهای در حال پیشرفت وجود داشت که در قلمروهای مختلف، از مراقبتهای بهداشتی تا آموزش و پرورش غیر رسمی، به کار می‌پرداختند. این سازمانها نقش مهمی در حمایت و پشتیبانی از موضوعهای بحث‌انگیزی چون تبعیض جنسی، حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست بر عهده گرفته‌اند.

این دگرگونیها، که سریع و پیچیده هستند، در کشورهای مختلف جهت‌های متفاوتی در پیش گرفته‌اند. در برخی از کشورها، انگیزه حرکت آنها از سوی دولت حاکم فراهم آمده است. در دیگر کشورها، ایسین جنبشها از درون انقلاب مردم سر برافراشته‌اند. پیامدها به همان تنوع رویدادهای بسیار متنوع بوده است. برخی کشورها در استقرار و تقویت نهادهای مردم سالار و بهره‌گیری از افزایش پایدار کارایی کامیاب شده‌اند. گروهی دیگر به بحران اقتصادی، هرج و مرج اجتماعی، از هم گسیختگی قومی و حتی جنگ داخلی گرفتار گردیدند.

گروه‌های کنار مانده

به رغم نیروهای فزاینده‌ای که خواستار مشارکت بیشتر مردمی هستند، شمار عظیمی از مردم از بهره‌مندی‌های شکوفایی کنار مانده‌اند این مجروران بدین قرارند: فقیرترین بخشهای مردم جامعه، ساکنان روستاها، بسیاری از اقلیتهای مذهبی و نژادی و به تقریب در همه کشورها، زنان جامعه. در میان محرومان، میلیونها زن و مرد، به ویژه کودکانی را می‌توان نام برد که مرگ زود رس و تسایل پیشگیری طول

عمرشان را کوتاه کرده است. بسیاری از این گروهها به ضرورت با یکدیگر همپوشی دارند ولی بررسی هر یک از آنها سوادمند است.

فقیرترین مردم در می‌یابند که فقر و ناداری آنها خود سدی خوفناک در راه ورود به جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. در بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت اختلاف در آمد بسیار گسترده است. برای نمونه، در کشور اندونزی ۲۰ درصد فقیرترین مردم تنها ۸/۸ درصد از درآمد ملی را دارند و این نسبت در کشور سری لانکا برابر ۴/۸ درصد است. در بسیاری از کشورها شکاف میان دارا و نادار در حال افزایش است.

فقر و ناداری بزرگترین تأخیرش را بر کودکان می‌گذارد و عامل محرومیت نسلهای آینده است. میزان مرگ و میر کودکان در کشورهای رشد نیافته هنوز برابر ۱۱۴ نفر به ازای هزار نوزاد است و نزدیک به ۱۲ میلیون کودک هر سال پیش از رسیدن به پنجمین سال تولد می‌میرند. حتی کودکانی که باقی می‌مانند از فرصت مشارکت کامل در شکوفایی کشورشان محروم اند. نزدیک به ۲۰۰ میلیون کودک به دلیل تغذیه نامناسب از رشد واقعی خود باز می‌مانند. بیش از ۲۰۰ میلیون کودک که باید در دبستان یا دبیرستان به تحصیل سرگرم باشند، هر آموزشگاه بیرون هستند که یا به سبب نیاز اقتصادی است که به کار می‌پردازند و یا آموزشگاهی در نزدیک محل زندگی آنان وجود ندارد یا هزینه آموزش چنان سنگین است که آنان را از رفتن به مدرسه باز می‌دارد.

بانوان بزرگترین گروه مردم کنار مانده هستند. بانوان، با آن که نیمی از جمعیت بزرگسالان را پدید می‌آورند و گاهی بیش از سهم خود در داخل و خارج از خانه به جامعه یاری می‌دهند، اغلب از جایگاههای قدرت بر کنار مانده‌اند. آنان تنها ۱۰٪ از نمایندگیهای مجالس قانونگذاری و کمتر از ۴٪ از وزرای هیأت دولت یا دیگر مقامهای مقتدر اجرایی را در اختیار دارند.

بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت بانوان را از مشارکت سیاسی و اشتغالهای مولد بر کنار می‌دارند که این می‌تواند به سبب سنت، قوانین تبعیض آمیز یا محرومیت از آموزش و پرورش باشد. در کشورهایی که داده‌های اطلاعاتی قابل اعتماد دارند، شاخص شکوفایی انسانی برای بانوان تنها ۶۰٪ شاخص شکوفایی مردان است.

در حقیقت دهها سال است که زندگی ۵۰۰ میلیون زن روستایی کشورهای در حال پیشرفت فرق چندانی نکرده است.

اقلیتهای مذهبی و بومی اغلب مشارکت کامل را در جامعه‌هایی که پیوسته به سود گروههای غالب و چیره عمل می‌کنند دشوار می‌یابند. گاهی این تبعیض در چارچوب قانون پدیدار می‌شود و گروههای اقلیت از دسترسی برابر به آموزش و پرورش، فرصتهای استخدامی یا نمایندگی سیاسی محروم می‌گردند. ولی بر کنار ماندن به طور کلی بیشتر از عملکرد و رویه معمول روزانه برخاسته است تا خط مشی‌های سیاسی.

حالت شدید تبعیض و بر کنار ماندن، از راه خشونت صورت می‌گیرد. از جنگ جهانی دوم به بعد چهل گروه قومی در



نگاهی اجمالی به تورم و نظریات تبیین کننده تورم

• سید یعقوب حسینی

• آتوسا اسکندری

معنا و مفهوم تورم:

شاید بتوان ادعا کرد که کمتر کسی وجود دارد که معنا و مفهوم تورم را به عینه لمس نکرده باشد. امروزه تمامی آحاد جامعه مقوله تورم را می‌شناسند و هر یک برای خود تعریفی ارائه می‌کنند اما به راستی معنا و مفهوم تورم کدام است و تعریف آن کدام؟ وجه مشترک تمامی تعاریفی که از تورم می‌شود، ارتباط آن با قیمت‌هاست. عده‌ای هر گونه تغییر در قیمت‌ها را تورم دانسته‌اند و عده‌ای دیگر زیاده‌رشد قیمت‌ها بر رشد تولید را تورم شناخته‌اند.

ولی آن چه در تورم معمولاً بر آن تأکید می‌گردد، افزایش عمومی قیمت‌هاست. سؤال آن است که با چه معیار کمی می‌توان تورم را محاسبه نمود و با چه مکانیزی می‌توان گفت که قیمت کالا و خدمات مثلاً در سال ۷۷، ۲۰ درصد افزایش یافته است.

چگونگی محاسبه نرخ تورم:

نرخ تورم^(۱) چیزی جز محاسبه آهنگ افزایش قیمت‌ها نمی‌باشد، راه محاسبه این نرخ در قدم ابتدایی محاسبه شاخص می‌باشد. در ایران این شاخص‌ها عبارتند از:

۱- شاخص بهای کالاها و خدمات عمده فروشی^(۲)

۲- شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی^(۳)

عمدتاً تورم با استفاده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

توسط بانک مرکزی ماهانه در استان‌های مختلف کشور تهیه می‌گردد. لازم به یادآوری است که محاسبه شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری به عهده بانک مرکزی و در مناطق روستایی به عهده مرکز آمار ایران می‌باشد. بعد از محاسبه شاخص برای هر سال، نرخ تغییرات شاخص نسبت به سال گذشته محاسبه می‌گردد. این نرخ همان نرخ تورم است.

$100 \times \frac{\text{شاخص تفسیر سال قبل} - \text{شاخص قیمت سال جاری سال}}{\text{شاخص قیمت سال قبل}}$

بنابراین تورم چیزی جز نرخ تغییرات میانگین قیمت کالا و خدمات مختلف، طی یک دوره مشخص نیست.

اشکالات وارده بر محاسبه شاخص:

یکی از موانع عمده در کار محاسبه شاخص آن است که در جامعه عموماً کالاها و خدمات متنوع و گوناگونی مصرف می‌شوند، آیا امکان دخیل کردن همه آنها در شاخص کل امکان‌پذیر است. جواب سؤال فوق منفی است ولی با توجه به انتخاب نمونه‌ای آماری از کالاها و خدمات (سبد نمونه کالا و خدمات) میانگین تغییر قیمت آنها (شاخص قیمت) را محاسبه می‌نمایند. ولی باد اذعان داشت که باز با وجود

تورم بر عکس بعضی از پدیده‌ها گرایش به مرکزیت نداشته، و گرایشی بسیار نیرومند و شدید به تشدید و خود افزایشی دارد و این مسئله در واقع ناشی از ذهنیت افراد یک جامعه نسبت به تورم می‌باشد. کمتر کسی در جهان ممکن است این اعتقاد را داشته باشد که فردا جنسی ارزان‌تر از امروز خواهد خرید و همین شیوه بینش، افراد یک جامعه را وادار می‌دارد تا به سلاخی مجهز شوند که در برابر این سیل تدریجی مقاومت نمایند.

متوسل شدن به یک نمونه آماری که بتوان نتایج آن را به کل کالاها و خدمات مصرفی جامعه تعمیم داد، یک مشکل دیگر نیز وجود دارد و آن این که کالاها و خدمات مصرفی در زندگی خانواده‌ها از یک میزان اهمیت برخوردار نیستند. به علاوه وزن هر یک از گروه‌ها و خدمات مصرفی هم در زندگی خانوارها متفاوت است. برای مرتفع نمودن این ایراد سعی می‌شود که با مدد گرفتن از عادات مصرفی خانوارها، ضریب اهمیت کالاها و خدمات مختلف را برآورد کرد. شاخصها عمدتاً به دو روش مرسوم «پاش» و «لاسپیرز» محاسبه می‌گردد. در محاسبه شاخص عمدتاً یک سال به عنوان سال پایه در نظر گرفته می‌شود (مثلاً سال ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۹). فرض نماییم که در یک جامعه فرضی در سال، دو کالا تولید می‌گردد.

شرح		سال ۱۳۶۹	سال ۱۳۷۰
گوشت	مقدار تولید (تن)	۹۰۰	۱۲۰۰
	قیمت	۸۰۰	۱۰۰۰
دوچرخه	تعداد تولید	۲۰۰۰	۲۵۰۰
	قیمت	۷۰۰۰	۱۲۰۰۰

$$\text{شاخص قیمت پاش} = \frac{Q_m \cdot P_m}{Q_m \cdot P_o} \times 100$$

$$\text{شاخص قیمت لاسپیرز} = \frac{Q_o \cdot P_m}{Q_o \cdot P_o} \times 100$$

$$169 = 100 \times \frac{(1200 \times 1000) + (2500 \times 1200)}{(1200 \times 800) + (2500 \times 7000)}$$

$$169 = 100 \times \frac{(900 \times 1000) + (2000 + 1200)}{(900 \times 800) + (2000 \times 7000)}$$

قیمت نیست. این شاخص با توجه به قیمت پایه (سال ۱۳۶۹) به صورت ماهانه مشخص می‌گردد و بعد میانگین ۱۲ ماه به عنوان شاخص قیمت سالانه منظور می‌گردد. مشخص است که این میانگین نمی‌تواند پراکندگی را مشخص نماید. طبیعی است در هر میانگینی اعداد دقیقاً در حول و حوش میانگین قرار ندارند. تعدادی از داده‌ها در حد بالایی و تعدادی از داده‌ها در حدود پایینی قرار می‌گیرند که این مفهوم در میانگین متجلی نمی‌گردد و اصولاً شاخص قیمت این تغییرات عمده را نشان نمی‌دهد. علاوه بر این که این شاخص میانگین، خانوارهای انتخاب شده در نمونه می‌باشد و طبیعی است که خانوارهایی که در نمونه قرار ندارند ممکن است وضعیت دیگری داشته باشند.

اشکال دیگر، امکان تغییر شاخص می‌باشد، از آن جا که نرخ تورم در واقع بیانگر جایگاه طبقات و به نوعی نشانگر میزان عدالت اجتماعی بوده و نحوه توزیع ثروت در جامعه را تغییر می‌دهد طبیعی است که دولتها نسبت به کم و کیف آن حساسیت داشته باشند. بنابراین طبیعی است که انتشار آمارهایی که مبین تشدید تورم اند، از دیدگاه دولتمردان چندان مطلوب نباشد، برخی از دولتمردان هم به این مسئله از این دیدگاه می‌نگرند که اگر بیماری قابل علاج نیست، دست کم با کتمان واقعیت باید روحیه بیمار را حفظ کرد. گذشته از این‌ها از آنجا که تورم معمولاً با انتقال درآمد به اقشار مرفه‌تر و همچنین به دولت همراه است و در تورم شدید این انتقال چنان است که اکثریت جامعه را در گروه بازندگان جای می‌دهد، انتشار آمارهایی که مؤید تداوم و یا تشدید تورم است به اعتبار سیاسی دولتمردان لطمه می‌زند و از محبوبیت آنها نزد توده مردم می‌کاهد، این امر حتی برای دولتهایی که مشروعیت شان را از محبوبیت در میان مردم کسب نکرده‌اند نیز، بی اهمیت نیست. (۲)

این دل نگرانی دولتمردان می‌تواند آنها را به سمت و سویی سوق دهد که برای پایین آوردن شاخص تلاش نمایند، ابزار این مهم را علم آمار در اختیار آنها قرار می‌دهد. به عنوان مثال با قرار دادن کالاهایی در سبد نمونه کالا و خدمات که روند رشد قیمتی کمتری داشته‌اند و یا

این عدد بیانگر آن است که قیمت‌ها در سال ۷۰ نسبت به سال پایه ۶۹، ۶۹ درصد افزایش داشته است.

شاخص قیمت در سال پایه همشبه ۱۰۰ فرض می‌شود (۱۰۰ به دست می‌آید). بنابراین نرخ تورم عبارت است از نرخ تغییرات شاخص قیمت‌ها.

به عنوان مثال طبق آمار بانک مرکزی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۷۶، ۵۳۸/۲ به دست آمده و در سال ۱۷ این شاخص به ۶۲۵/۶ رسیده است، که هر دو این شاخص‌ها با توجه به قیمت پایه سال ۱۳۶۹ محاسبه گردیده‌اند. نرخ تورم در سال ۷۷ عبارت است از نرخ تغییرات شاخص که عبارت است از:

$$\text{نرخ تورم} = \frac{625.6 - 538.2}{538.2} \times 100 = 16.35\%$$

دو اشکال عمده که در محاسبه نرخ تورم وجود دارد عبارتند از:

۱- اشکالات مربوط به مفهوم میانگین از لحاظ آماری.

۲- امکان دست کاری شاخص‌ها بنا به ضرورت.

چنانچه یادآوری گردید شاخص قیمت چیزی جز میانگین تغییر

کم و زیاد کردن ضریب اهمیت^(۵) در گروه‌های مختلف کالاهای سبد نمونه‌ای و یا کنترل قیمت بعضی از کالاهایی که در سبد نمونه وزن بالایی را به خود اختصاص می‌دهند، می‌توان به تعدیل شاخص دست زد. لازم به یادآوری است که مطرح کردن موارد فوق دال بر آن نیست که لزوماً چنین کارهایی در کشورهای مختلف و خصوصاً کشور خودمان صورت می‌پذیرد بلکه تنها به اشکالاتی که در ماهیت محاسبه شاخص وجود دارد اشاره‌ای داشتیم، در کشور ایران نیز در مورد اول که اصلاً صورت نمی‌پذیرد و بحث کنترل قیمت کالاها هم به منظور پایین آوردن نرخ تورم صورت نمی‌گیرد بلکه بنا به اهداف اقتصادی - اجتماعی صورت می‌پذیرد، بهرروی، در اقتصاد امروزی، بحث کنترل قیمت‌ها اگر در کوتاه مدت به نفع مصرف کننده هم باشد در بلند مدت زیان او را در پی خواهد داشت. چرا که بعد از مدتی با افزایش یکباره قیمت، مصرف کننده غافلگیر می‌شود.

علاوه بر موارد فوق، یک اشکال محاسباتی دیگر که وجود دارد مربوط به قیمت هاست. همه می‌دانیم که در جامعه قیمت‌های متفاوتی وجود دارد (قیمت رسمی و کنترل شده، قیمت بازار آزاد و غیره) دست اندرکاران امر همواره قیمت‌های رسمی را در تورم لحاظ می‌نمایند در حالی که در بازار قیمت‌های دیگری در مبادله به کار می‌رود که این امر می‌تواند برنسبت نرخ تورم محاسبه شده بیفزاید (این نقیصه مخصوصاً در دهه اول انقلاب که کالاها جیره بندی شده بودند مشهود بود).

اینک با ارائه ابهامات فوق الذکر راه حل چیست و چگونه می‌توان ابهامات و تردیدها را زدود؟ محاسبه شاخص‌ها توسط دستگاه‌های مختلف و از آن مهم‌تر و اساسی‌تر، حذف موانع از سر راه بررسی‌های مستقل توسط پژوهشگران غیر دولتی می‌تواند در این زمینه مؤثر افتد کاری که کمتر بدان توجه شده است!

انواع تورم:

معمول بر آن است که تورم را از حیث شدت و ضعف آن به انواعی تقسیم بندی می‌نمایند مانند:

- تورم ملایم یا خزنده^(۶)
- تورم شدید یا شتابان^(۷)
- تورم افسار گسیخته یا بسیار شدید^(۸)

در ادبیات اقتصادی تورم، بر یک تقسیم بندی خاص، توافق جمعی وجود ندارد و بسته به فراخور بینش ذهنی هر اقتصاد دانی و بسته به شرایط اقتصادی - اجتماعی هر کشوری این تقسیم بندی تغییر می‌نماید ولی معمول بر آن است که آن را به سه رده و یا پنج رده تقسیم می‌نمایند. گروهی تورم را به پنج رده مختلف تقسیم بندی می‌نمایند مانند، تورم خزنده، تورم ملایم، تورم شدید، تورم بسیار شدید و تورم لجام گسیخته. نرخ تورم بین ۲ - ۳ درصد را تورم خزنده، از ۴ - ۱۰ درصد را تورم ملایم، از ۵۰ - ۲۰ درصد را تورم شدید، از ۵۰ بالاتر را تورم بسیار شدید و تورم شتابناک و مهار نشده‌ای که فروپاشی کامل نظام پولی و شبکه اعتباری کشور را به

همراه داشته باشند و یا تورم لجام گسیخته گفته‌اند.^(۹) گروه دیگری این تقسیم بندی را به سه رده و بعضاً با نامگذاری‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند ولی می‌توان گفت که بسته به شدت و حدت تورم در جامعه و اثرات آن این تقسیم بندی‌ها تغییر می‌نماید.

اکثر اقتصاد دانان نرخ تورم ملایم و خزنده را برای اقتصاد کشور مطلوب می‌خوانند و بر آنند که این نوع تورم باعث تأثیر مثبت بر روی تولید، سرمایه گذاری و رفاه جامعه خواهد گردید ولی تورم بسیار شدید بر مقوله‌های فوق الذکر اثر نامساعد دارد و در تورم بسیار شدید و افسار گسیخته، سرمایه گذاری مولد را کاهش داده و یا یکسره متوقف می‌نماید.

ذکر یک نکته در ارتباط با تقسیم بندی تورم و چگونگی رابطه این تقسیم بندی‌ها با یکدیگر خالی از فایده نمی‌باشد و آن این که تورم در جامعه معمولاً از حالت خزنده و ملایم به شدید و بسیار شدید و اگر مهار نشود به تورم لجام گسیخته کشانیده خواهد شد. تورم بر عکس بعضی از پدیده‌ها گرایش به مرکزیت نداشته، و گرایشی بسیار نیرومند و شدید به تشدید و خود افزایشی دارد و این مسئله در واقع ناشی از ذهنیت افراد یک جامعه نسبت به تورم می‌باشد. کمتر کسی در جهان ممکن است این اعتقاد را داشته باشد که فردا جنسی ارزان‌تر از امروز خواهد خرید و همین شیوه پیشش، افراد یک جامعه را وا می‌دارد تا به سلاحی مجهز شوند که در برابر این سیل تدریجی مقاومت نمایند. اعتبار دهندگان بنا به همین نوع نگاه، نرخ‌های بهره خود را بالاتر می‌برند تا کاهش ارزش پول خود را پوشش دهند و وام گیرندگان و یا سرمایه گذاران بنا به پیش بینی قیمت بالاتر برای محصولات خود، این نرخ بالاتر را می‌پذیرند، حقوق بگیران همواره طلب دستمزد بیشتری می‌نمایند و با افزایش دستمزدها قیمت‌ها دوباره افزایش می‌یابد و مارپیچ دستمزد - قیمت همچنان خود را بر درخت اقتصاد جامعه محکمتر می‌کند.

این چنین وضعیتی خود به خود بر میزان تورم خواهد افزود و باعث گذر از مرحله تورم خزنده و ملایم به شدید و از شدید به بسیار شدید می‌گردد. و این روال گذر از یک مرحله به مرحله بعدی است که اصولاً تمامی افراد (از مصرف کننده جزء تا عمده فروش، از اعتبار دهنده تا اعتبار گیرنده و مقامات سیاسی و حکومتی) همواره از تورم در هراس هستند.

به مطالبی که عنوان گردید یک مطلب دیگر را باید افزود و آن این که تصور اشتباهی است اگر ما تورم را در مفهوم اقتصادی آن خلاصه بدانیم، نرخ تورم ۲۰ درصد با فرض آن که درآمد فرد افزایش نیابد یعنی فرد نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد فقیرتر شده است و یا این که با درآمد جدید تنها می‌تواند ۸۰ درصد از میزان مصرف پارسال را داشته باشد. همه می‌دانیم پدیده فقر عوارض و عواقب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند، این مسئله برای مقامات حکومتی و اجرایی از آن جهت خطرناک‌تر است که افراد همواره دولت را مسئول افزایش تورم و فقر خود می‌دانند، تبدیل شدن

مقابله با تورم شدید از مطالب فوق قابل درک است. اما تورم شدید مجموعاً زاینده تورم خفیفی است که به موقع با آن مبارزه نشده و به حال خود رها گشته است، ظاهراً منطق مبارزه با تورم خزنده نیز، با همه منافی که برای برخی اقشار و گروهها به همراه دارد، از همین واقعیت ناشی می‌شود.^(۱۰)

نظریه‌های تبیین‌کننده عوامل مؤثر بر تورم

به راستی چه عواملی به وجود آورنده تورم اند و تورم از چه عواملی بر جامعه عارض می‌گردد؟

ادبیات اقتصادی تورم مشحون از نقطه نظرات متفاوت و گهگاه مخالفی است که در بیان چرایی این پدیده مخرب اقتصادی ارائه گردیده است. علاوه بر افراد، مکاتب اقتصادی (پولی، کینزگرایان، ...) هر یک نیز عواملی در تبیین این پدیده بر شمرده‌اند در این قسمت از مقاله قصد بر آن داریم که اهم این نظریات را با منظر تاریخی مورد بررسی و مرور قرار دهیم.

به طور کلی نظریات مختلف اقتصاد دانان کشورهای جهان در مورد تورم در چهار گروه قابل دسته بندی است:

- نظریه پولی تورم
- نظریه فزونی تقاضا
- نظریه فشار هزینه
- نظریه ساختاری تورم

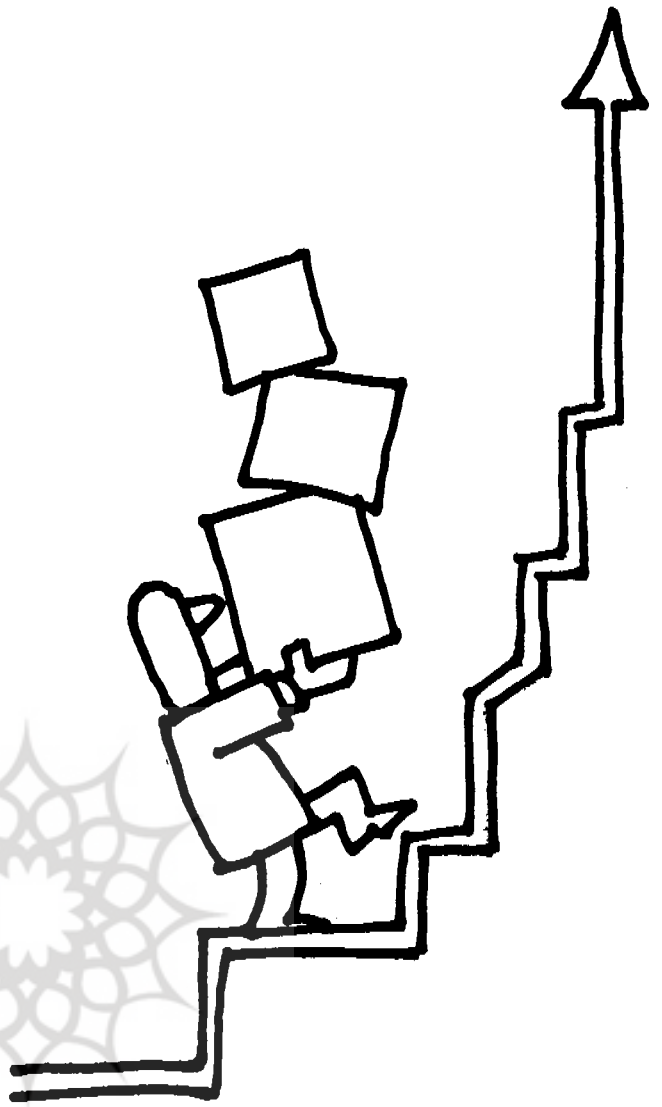
هر یک از چهار دسته فوق، عواملی را در تبیین علل تورم مورد تعمق قرار داده‌اند.

نظریه پولی تورم: این نظریه که توسط مکتب پولیون مورد دفاع قرار می‌گیرد بر آن است که تنها یک عامل باعث ایجاد تورم شدید می‌شود و آن افزایش بی رویه حجم پول است. آنها بر این اعتقادند که هر گاه حجم پول نسبت به واحد تولید، افزایش یابد، لاجرم می‌باید افزایش عمومی قیمت‌ها را انتظار کشید.

از جمله سرشناس‌ترین مدافع این نظریه آقای «فرید من» می‌باشد. ایشان هنگامی که در مواجهه با این سؤال قرار می‌گیرد، که به غیر از افزایش حجم پول، عوامل دیگری همچون فشار هزینه ناشی از دستمزدها، یا فزون خواهی کارفرمایان و یا فزونی تقاضا بر عرضه و ... در تورم اثر گذارند، این چنین بیان می‌دارد که:

«امروز اغلب نویسندگان تورم را به انواع بسیار متفاوتی از علت‌ها منتسب می‌کنند، می‌گویند تورم ناشی از فزونی میزان سرمایه گذاری بر پس انداز مورد نظر مردم است، یا این که ناشی از فشار دستمزدها توسط کارگران است یا فشار سود توسط کارفرمایان و سرمایه داران، یا زاینده ناتوانی ما در افزایش تولید مواد غذایی همگام با افزایش تولید کالاهای دیگر است. البته این توضیحات ممکن است به یک معنا صحیح باشد. هر یک از این عوامل اگر موجب افزایش حجم پول شوند، تورم به بار خواهد آورد، اما اگر به افزایش حجم پول منجر نشوند، تورمی در کار نخواهد بود.»^(۱۱)

در مجموع نظر آنها بر آن است که تورم در یک کشور هنگامی



این رویه به یک نارضایی عمومی می‌تواند برای یک کشور خطرناک تلقی گردد.

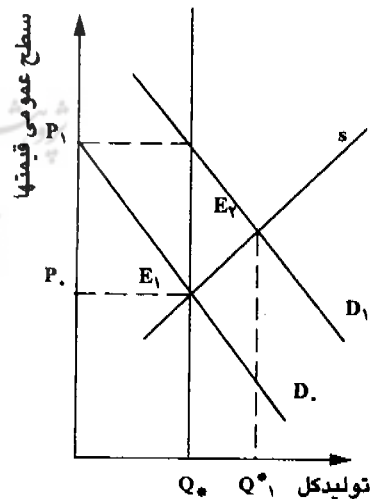
این وظیفه برای مقامات دولتی در کشور با توجه به وسعت داشتن بخش دولتی و ضعف بخش خصوصی در پوشش اشتغال و وظیفه دولت در مهار تورم برای ساماندهی اقتصاد و تحقق آرمان ایجاد عدالت در جامعه، مهم‌تر و حیاتی‌تر می‌باشد.

افزایش پی در پی و بی حساب و کتاب قیمت‌ها و به همراه آن، تغییرات مداوم در توزیع درآمد و ثروت منجر به از میان رفتن امنیت مالی، شیوع اضطراب اجتماعی و مآلاً نارضایی سیاسی می‌شود، در این شرایط حتی کسانی که از تورم بهره‌مند شده‌اند، نیز اغلب لب به شکایت می‌کشایند. آنها معمولاً منافی را که به برکت تورم نصیبشان شده، پاداش آینده نگری، شم اقتصادی و یا نکات شخصی خود می‌پندارند اما افزایش قیمت کالاهای مورد نیازشان را ناموجه، ناشی از نوعی توطئه (مثلاً از جانب احتکارگران، دلان سودجو، و یا گرداندگان حکومت) و در هر حال ظالمانه تلقی می‌کنند، این که این گروه در نارضایی خود محق نیستند چندان اهمیتی ندارد. ضرورت

افزایش می‌یابد که حجم پول به نسبت تولید افزایش یابد و علت‌های دیگر تورم اگر به افزایش حجم پول منجر نشوند تورمی بر جامعه عارض نخواهد کرد.

اما یک سؤال دیگر هنوز بی پاسخ مانده است. با فرض اعمال سیاست مکتب پولی (کاهش حجم پول برای مهار تورم) در ارتباط با تورم آیا جهت‌گیری کلی اقتصاد کشور رو به بهبود خواهد رفت یا خیر؟ به عبارت دیگر تاوانی که جامعه برای این شیوه مبارزه با تورم خواهد پرداخت کدام است؟ عموم اقتصاددانان بر آنند که تورم برای جامعه پدیده مطلوبی نیست، اما عوارض نامطلوب رکود و بیکاری برای جامعه، دهشتناک تراز تورم است. مبارزه با تورم به سیاق پول گرایان، جامعه را به حالت رکود و بیکاری خواهد کشانید که عوارض آن بدتر از تورم است، در شرایطی که تورم ناشی از فزونی تقاضا نباشد، این شیوه مبارزه رکود را در پی خواهد داشت چرا که کاهش حجم پول در واقع سطح تقاضا را کاهش خواهد و روی دیگر سکه کاهش تقاضا، شیوع بیماری بیکاری و رکود در جامعه است.

نظریه فزونی تقاضا: (۱۲) این نظریه که عمدتاً کینزگرایان از آن دفاع می‌کنند، علت تورم را در فزونی تقاضا نسبت به عرضه کل می‌دانند و بر آنند که تقاضا در جامعه تشکیل شده از اجزایی است شامل مصرف، سرمایه گذاری، هزینه‌های دولتی، خالص صادرات و واردات. افزایش در هر یک از این اجزاء بنا به هر دلیلی باعث افزایش تقاضا و پس از آن تورم می‌گردد به این شرط که جامعه در شرایط اشتغال کامل باشد. توجه به نمودار زیر مطلب را روشن‌تر خواهد نمود.



فرض نمایید که حداکثر میزان تولید با به کارگیری تمامی عوامل تولید و امکانات نقطه Q_0 باشد، حال در نظر آورید که تقاضا به هر دلیلی به D افزایش یابد (مثلاً به دلیل افزایش زیاده از حد سرمایه گذاری، ازبیدار هزینه‌های دولتی به علت مخارج نظامی و...) ولی جامعه به دلیل قرار گرفتن در شرایط اشتغال کامل، نمی‌تواند تولید خود را به سطح Q_0 افزایش دهد و اصولاً نقطه E_2 برای اقتصاد کشور دست نیافتنی است. و چون افزایش تولید امکان‌پذیر نمی‌باشد، افزایش تقاضا

پدیده فقر عوارض و عواقب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند، این مسئله برای مقامات حکومتی و اجرایی از آن جهت خطرناک‌تر است که افراد همواره دولت را مسئول افزایش تورم و فقر خود می‌دانند، تبدیل شدن این رویه به یک نارضایی عمومی می‌تواند برای یک کشور خطرناک تلقی گردد. این وظیفه برای مقامات دولتی در کشور با توجه به وسعت داشتن بخش دولتی و ضعف بخش خصوصی در پوشش اشتغال و وظیفه دولت در مهار تورم برای ساماندهی اقتصاد و تحقق آرمان ایجاد عدالت در جامعه، مهم‌تر و حیاتی‌تر می‌باشد.

باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات در جامعه می‌گردد. و قیمت کالاها و خدمات را به P_1 افزایش خواهد داد.

اگر بخواهیم نظریات کینزگرایان و مکتب پولی را در تحلیل تورم مقایسه نماییم مشخص می‌گردد که اصولاً از دو منظر تقریباً مشابه به تورم می‌نگرند. پول گرایان عقیده دارند که به علت ثابت بودن سرعت گردش پول در جامعه، افزایش حجم پول باعث افزایش تقاضا و نهایتاً افزایش قیمت می‌گردد و کینزگرایان بر آنند که به علت ثابت نبودن سرعت گردش پول، افزایش تقاضا تنها از افزایش حجم پول ناشی نمی‌شود و می‌تواند علت دیگری داشته باشد.

برخی از صاحب‌نظران نظریه پولی تورم را یکی از شقوق نظریه کشایی (فزونی) تقاضا دانسته‌اند، به هر حال در طبقه بندی نظریه‌های تورم این دو در کنار هم و گاه به همراه هم طرح می‌شوند. تفاوت عمده آنها در این است که کینزگرایان از افزایش تقاضای کل سخن می‌گویند و پول گرایان از افزایش حجم پول. از دیدگاه پول گرایان چنانچه می‌دانیم افزایش حجم پول، به لحاظ مثبت نسبی سرعت در گردش پول، به افزایش کم و بیش مشابه تقاضای کل می‌انجامد و بنابراین تأکید آنها بر حجم پول مغایر تأکید کینزگرایان بر تقاضای مؤثر نیست. کینز و پیروان او از آنجا که سرعت پول را متغیر و بی ثبات می‌دانند، مستقیماً از افزایش تقاضای کل سخن می‌گویند که ممکن است حتی بدون افزایش حجم پول نیز تحقق یابد، هر چند که در شرایط عادی با تغییرات حجم پول همراه خواهد بود. اما صرف نظر از این که تأکید متفاوت، تا آنجا که به رشد فشارهای تورمی، که همانا فزونی تقاضای پولی نسبت به عرضه کالاها و خدمات گوناگون در قیمت جاری و در اشتغال کامل است مربوط می‌شود، میان این دو نظریه تفاوت بارزی نیست. (۱۲)

حال پس از این مقایسه، به این سؤال نیز توجه کنیم که کینزگرایان چه راه حلی را برای مبارزه با تورم پیشنهاد می‌کنند. آنها وقتی تورم را

افزایش پی در پی و بی حساب و کتاب قیمت‌ها و به همراه آن، تغییرات مداوم در توزیع درآمدها و ثروت منجر به از میان رفتن امنیت مالی، شیوع اضطراب اجتماعی و مآلاً نارضایتی سیاسی می‌شود، در این شرایط حتی کسانی که از تورم بهره‌مند شده‌اند، نیز اغلب لب به شکایت می‌کشیند. آنها معمولاً منافعی را که به برکت تورم نصیبشان شده، پاداش آینده‌نگری، شمع اقتصادی و یا ذکاوت شخصی خود می‌پندارند اما افزایش قیمت کالاهای مورد نیازشان را ناموجه، ناشی از نوعی توطئه (مثلاً از جانب احتکارگران، دلان سودجو، و یا گردانندگان حکومت) و در هر حال ظالمانه تلقی می‌کنند، این‌که این گروه در نارضایتی خود مسخ نیستند چندان اهمیتی ندارد. ضرورت مقابله با تورم شدید از مطالب فوق قابل درک است.

کننده هم نمی‌باشد بنا به دو دلیل بالا در ارتباط با کشورهای در حال توسعه، تورم وارداتی آن چنان نمود و جلوه نخواهد داشت. جدول زیر نرخ توزیع را در کشورهای مختلف نشان می‌دهد:

جدول ۱-۲- تورم جهانی

کشورهای سال	کشورهای پیشرفته صنعتی	کشورهای در حال توسعه	آفریقا	آسیا	خاورمیانه	کشورهای در حال انتقال
۱۹۸۰-۸۹	۶/۳	۳۶	۱۶	۸/۸	۱۹/۵	۸/۶
۱۹۹۰-۹۹	۳	۲۸/۸	۲۱/۹	۸/۲	۲۶/۷	۱۲۰/۳
۱۹۹۰	۵/۲	۶۸/۱	۱۲/۵	۶/۵	۲۲/۴	۳۸/۶
۱۹۹۱	۴/۶	۳۶/۲	۲۴/۳	۷/۸	۲۷/۵	۹۵/۸
۱۹۹۲	۳/۵	۳۸/۳	۳۲/۱	۶/۸	۲۵/۶	۶۵۶/۶
۱۹۹۳	۳	۴۶/۸	۳۱/۲	۱۰/۳	۲۴/۶	۶۰۹/۳
۱۹۹۴	۲/۶	۵۰/۷	۳۴/۶	۱۴/۷	۳۱/۹	۲۶۸/۴
۱۹۹۵	۲/۴	۲۱/۷	۳۳/۹	۱۱/۹	۳۵/۹	۱۲۴/۱
۱۹۹۶	۲/۱	۱۳/۷	۲۶/۲	۶/۷	۲۴/۵	۴۱/۴
۱۹۹۷	۲/۱	۸/۵	۱۰/۵	۳/۹	۲۲/۶	۲۷/۸
۱۹۹۸	۲/۱	۱۰/۲	۷/۵	۸	۲۶/۶	۱۳/۸
۱۹۹۹	۲	۸/۵	۶	۶/۲	۲۶/۳	۸/۸

* متوسط ده سال IMF: World Economic Outlook May

1998

در مجموع می‌توان گفت که در کشورهای در حال توسعه، این عامل تورم (فشار هزینه) نمی‌تواند جدی قلمداد گردد چرا که اولاً نرخ تورم وارداتی بسیار کمتر از نرخ تورم خود این کشورها است ثانیاً، مکانیزم افزایش دستمزد توسط کارگران به دلیل قوی نبودن اتحادیه‌های کارگری و وفور نیروی کار ارزان، اثر تعیین‌کننده‌ای ندارد و ثالثاً به دلیل غالب بودن بخش دولتی در اقتصاد این کشورها افزون‌خواهی کارفرمایان عامل افزایش قیمت نمی‌باشد. ولی ذکر این

به افزایش تقاضا متناسب می‌دانند راه حل‌هایشان نیز قطعاً شامل مواردی می‌گردد که تقاضا را کاهش دهد.

از اهم این مکانیزم سیاست‌های پولی و مالی است که کینز و کینزگرایان به وفور از آن یاد کرده‌اند. کاهش هزینه‌های دولتی، افزایش مالیات‌ها، مهار حجم پول، جیره بندی‌های کالاها، استفاده از اوراق قرضه در پرداخت دستمزدها، همه از مواردی هستند که کینزگرایان برای مبارزه با تورم پیشنهاد کرده‌اند.

نظریه فشار هزینه: (۱۳) گروهی از صاحب‌نظران بر آنند که تورم را به فشار هزینه نهاده‌های تولید متناسب بدانند و بر آنند که به علت این که صاحبان نهاده‌های تولید خواهان قیمت افزونتری هستند، قیمت کالا و خدمات در جامعه روند صعودی طی می‌نماید. این فشار هزینه عمدتاً در چند محور مورد بحث قرار می‌گیرد:

- ۱- فشار هزینه ناشی از افزایش سود خواهی کارفرمایان.
- ۲- فشار هزینه ناشی از افزون خواهی کارکنان (دستمزدها).
- ۳- فشار هزینه به دلیل تورم وارداتی.

به بیان دیگر عده‌ای بر آنند که قیمت‌ها افزایش می‌یابد چون کارفرمایان سود بالاتری را خواستارند و عده‌ای می‌گویند قیمت‌ها افزایش می‌یابد چون کارکنان و کارگران، دستمزدهای بالاتری را در مقایسه با رشد بهره‌وری شان طلب می‌نمایند. از مقایسه این دو نظر، طرفداران گروه دوم اذعان می‌دارند که چون سود درصد کمی از قیمت یک کالا می‌باشد بنابراین، افزایش سود نمی‌تواند تأثیر تعیین‌کننده بر قیمت کالاها داشته باشد و بر میزان دستمزدها تکیه می‌نمایند و در این ارتباط مارپیچ دستمزد - قیمت (۱۴) را مطرح می‌سازند که چون دستمزدها افزایش یابد، قیمت کالا بعد از آن افزایش می‌یابد، با افزایش قیمت دوباره کارگران خواستار دستمزد بالاتری هستند و ... این روند نامطلوب همین طور ادامه می‌یابد.

عده دیگری بر افزایش قیمت کالاها به دلیل افزایش قیمت کالاهای واسطه و مواد اولیه وارداتی تأکید می‌کنند و علت افزایش تورم را در آن می‌دانند، به نظر می‌آید که اصولاً تورم در کشورهای توسعه یافته به شدت کشورهای در حال توسعه نمی‌باشد و معمولاً تورم‌های آنها یک رقمی است (به یک مفهوم تغییر قیمت در کشورهای پیشرفته محسوس نمی‌باشد) و ثانیاً در کالاهای تولیدی داخلی، سهم کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه در تولید اگر چه اندک نمی‌باشد ولی تعیین

وضعیت نقدینگی و نرخ تورم در ایران طی سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۷

سال	نقدینگی به میلیارد ریال	نرخ رشد نقدینگی	نرخ تورم
۵۱	۳۹۹/۴	-	۶/۴
۵۲	۵۱۷/۵	۲۹/۵۶	۱۱/۲
۵۳	۸۱۳/۷	۵۷/۲۴	۱۵/۷
۵۴	۱۱۴۹/۵	۴۱/۲۷	۱۰
۵۵	۱۶۲۵/۷	۴۱/۴۳	۱۶/۴
۵۶	۲۱۳۹/۴	۳۱/۶	۲۴/۵
۵۷	۲۶۱۳	۲۲/۱۴	۱۰
۵۸	۳۵۵۰	۳۵/۸۶	۱۱/۳
۵۹	۴۳۳۷/۸	۲۲/۱۹	۲۳/۶
۶۰	۵۱۱۱/۷	۱۷/۸۴	۲۳
۶۱	۶۴۳۰/۷	۲۵/۸	۱۹/۱
۶۲	۷۵۱۴/۴	۱۶/۸۵	۱۴/۸
۶۳	۷۹۶۷	۶/۰۲	۱۰/۴
۶۴	۹۰۰۲	۱۳	۶/۸
۶۵	۱۰۷۲۲/۷	۱۹/۱	۲۳/۸
۶۶	۱۲۶۶۸/۲	۱۸/۱۴	۲۷/۷
۶۷	۱۵۶۸۷/۶	۲۳/۸۳	۲۸/۹
۶۸	۱۸۷۵۳/۳	۱۹/۵۴	۱۷/۴
۶۹	۲۲۹۶۹/۵	۲۲/۴۸	۹
۷۰	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶۴	۲۰/۷
۷۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۲۸	۲۴/۴
۷۲	۴۸۱۳۵	۳۴/۲۱	۲۲/۷
۷۳	۶۱۸۴۳/۹	۲۸/۴۸	۳۵/۲
۷۴	۸۵۰۷۲/۲	۳۷/۵۶	۴۹/۴
۷۵	۱۱۶۵۵۲/۵	۳۷	۲۳/۲
۷۶	۱۳۴۳۱۲/۵	۱۵/۲۴	۱۷/۳
۷۷	* ۱۷۰۷۳۹/۶	۲۷/۱۲	۲۰

* برآورد مقدماتی

نظریه ساختار گرایان: سه نظریه پیش گفته هر کدام از منظری به تماشای چهره تورم پرداخته‌اند ولی در کشورهای کم توسعه و یا در حال توسعه، هیچکدام از این‌ها نمی‌تواند، چهره واقعی تورم را تصویر نماید و به گونه‌ای ملموس‌تر، هیچکدام از این نظریات نتوانسته‌اند با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این کشورها هماهنگ گردند. به دلیل همین مسائل در سی ساله اخیر، نظریاتی بیان گردید که به «تورم ساختاری» مشهورند.

این گروه بر آنند که کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه با مشکلاتی ساختاری دست به گریبان‌اند که این مشکلات ساختاری وضعیت خاصی را بر اقتصاد این کشورها حکمفرما نموده و اقتصاد این کشورها هنگامی که در مواجهه با اقتصاد جهانی قرار گرفته و در تلاش برای پیشرفت و توسعه می‌باشد، نرخ تورم بالایی را برای اقتصاد کشور به ارمغان خواهد آورد. اهم این مشکلات ساختاری عبارتند از:

- ساخت نامتناسب جمعیت.
- گسترش مهاجرت و شهرنشینی.
- رشد سرطانی بخش خدمات (بخشی که شاغلین آن کالا تولید نمی‌کنند اما تقاضا دارند).
- ساخت ناسالم سیاسی و ارتباط نامعقول آن با ساخت اقتصادی.
- ساخت پوسیده و پر هزینه دیوان سالاری- مالکیت‌های فئودالی و کشاورزی غیر مدرن و کوچک دهقانی.
- کشش ناپذیری عرضه فرآورده‌های کشاورزی.
- ساخت وابسته صنعت
- ساخت عقب مانده شبکه توزیع، شبکه‌های حمل و نقل، ارتباطات، نیروی برق و ...
- رشد آهسته و کند درآمدهای صادراتی.

به بیان دیگر این گروه بر آنند که به دلیل مشکلات ساختاری، عرضه (تولید) در این کشورها نمی‌تواند همپای تقاضا(که به دلیل ازدیاد جمعیت رو به افزایش است) حرکت نماید و در نتیجه چنین تعاملی، تورم خواهد بود. راه حل آنها برای نجات کشور از تورم تلاش در جهت اصلاحات ساختاری در کشور است و داشتن تورم به نظر آنان، تاوانی است که جامعه تا زمان زوده شدن مشکلات ساختاری از دامن جامعه، خواهد پرداخت.

علیرغم ارائه چهره جدیدی از تورم، توسط ساخت گرایان در نقد این نظریه عده‌ای بر آنند که این دیدگاه، بر خلاف دیدگاه‌های قبلی که نظارت یک سوبه‌ای بدون توجه به ویژگی‌های کشورهای مختلف داشته و اصولاً برای هر بیماری تنها یک نسخه را تجویز می‌کردند، نظریه ساختار گرایان با دیدی چند بعدی مسئله تورم را مورد شناسایی قرار داده است، ولی در مقابل این دفاع عده‌ای بر آنند که به تعبیر «پوپر» که حرف‌های کلی کلیدی را می‌ماند که به هر دری می‌خورد و هیچ دری را باز نمی‌کند این نظریه نیز در تار و پود کلی

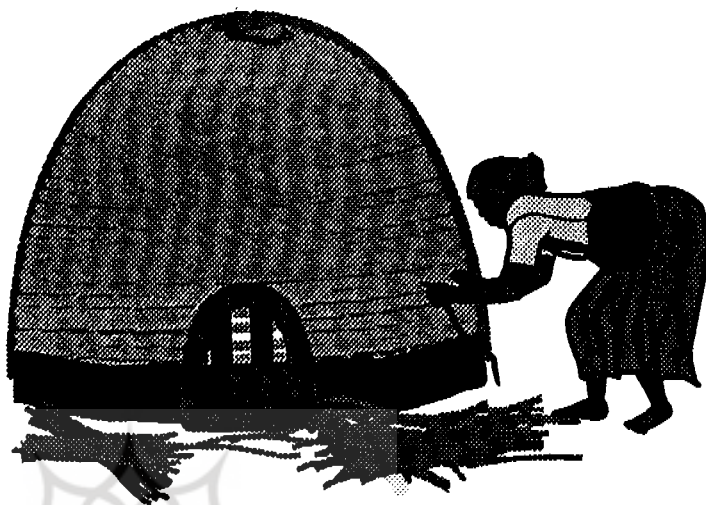
نکته نیز لازم است که نکات بالا دال بر این مطلب است که این عوامل موجد تورم در کشور نیستند ولی در تشدید تورم در این کشورها نقش مهمی را می‌توانند ایفا نمایند.

اما راه حل طرفداران نظریه فشار هزینه، برای جلوگیری از تورم کدام است، آیا کاهش تقاضا (سیاست دو نظریه قبلی برای مقابله با تورم) در این جا می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. واضح است که سیاست کاهش تقاضا در چنین وضعیتی می‌تواند رکودی را در جامعه حکمفرما سازد که تا مدت‌ها همراه با تورم، اقتصاد کشور را به بن بست بکشاند (تورم توأم با رکود) راه حل رایج طرفداران این نظریه سیاست درآمدها است.

از منطقه خاور میانه نفت دریافت نکنند و مصنوعات خود را به این کشورها صادر نکند اقتصادی رو به رونق نخواهد داشت. کشورهایمانند آمریکا، ژاپن، آلمان و بسیاری از ممالک دیگر از طریق تخصیص منابع ممتاز خود و بهره مندی از برتری‌های نسبی در تجارت خود، فرآورده‌های صنعتی و دیگر تولیدات خود را با دیگر کشورهای جهان معاوضه و معامله می‌کنند و از این داد و ستد با در نظر داشتن مزیت‌های نسبی در تجارتشان سود سرشاری کسب می‌نمایند.

بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه در سالهای پایان قرن حاضر، روابط اقتصادی کشورهای مختلف در سطح منطقه‌ای و بین المللی، به طور گسترده و روز افزونی توسعه یافته است، به گونه‌ای که انواع کالاها و خدمات مصرفی، کالاهای سرمایه‌ای و سرمایه‌های پولی در حجم و رقم به خوبی مورد معامله و داد و ستد قرار می‌گیرند و برای تسهیل در این امر، انواع سازمانها و پیمانهای اقتصادی منطقه‌ای و بین المللی که از تبعات چنین روابط عظیم بازرگانی و اقتصادی است، انعقاد و ایجاد گردیده است. بدیهی است همان گونه که افراد تلاش می‌نمایند تا به جای تهیه و توزیع همه نیازمندیهای خود به تولید کالای ویژه‌ای که در تولید و تهیه آن توانایی بیشتری دارند اقدام نمایند و مازاد نیاز خود را از کالاهای یاد شده در مقابل دیگر کالاها و خدمات مورد احتیاج معامله نمایند، چنین رویه‌ای در سطح کلان به نفع فرد و هر کشوری می‌باشد، زیرا اگر کوشش شود تا مقدار بیشتری از کالاها و خدمات را تولید کنند که در فراهم کردن آن تخصص و استعداد بیشتری دارند، سود و رضایت مندی بیشتری کسب خواهند کرد.

این امر در مورد سازمانها و مؤسسات تولیدی تجاری هر کشور نیز صادق است. مثلاً کشوری مانند ایران که می‌تواند با هزینه کمتری بسیاری از کالاها و خدمات مانند: فرش، گلیم، محصولات کشاورزی و برخی از کالاهای صنعتی را تولید کند،



ملاحظات پیرامون ایجاد اتحادیه‌ها و بازار مشترک المنافع تعاونی

در شرایط اقتصادی جدید، همکاری صمیمانه‌تر تعاونی‌ها بسیار مهم است و این واقعیتی است برای تمام تعاونی‌ها، ره یافت اصلی اتحادیه بین المللی تعاون ندارک شبکه‌ای می‌باشد که از طریق آن اعضاء و شرکاستوانند برای رسیدن به اهداف مشترک خود با هم کار کنند.

بسیاری عوامل دیگر، در شرایط مختلف تجاری و مبادلاتی در سطح بین الملل قرار می‌گیرند.

کشور ما ایران و کشورهای نفت خیز خاورمیانه اگر متکی به درآمدهای نفتی نباشند، درآمد ملی بسیار نازلی خواهند داشت.

به همین ترتیب کشوری مانند ژاپن اگر

● محدودی کیانمهر
عضو هیات علمی دانشگاه
علامه طباطبائی

مقدمه

کشورهای جهان از نظر منابع اقتصادی، وسعت سرزمین، قدرت تولید، امکانات فنی و علمی و استعدادهای طبیعی و خدادادی و

مقرون به صرفه است تا آنها را با بعضی از کالاها و خدماتی که تولیدشان برای ایران گرانتر تمام می‌شود با دیگر کشورها معامله و معاوضه نماید. بر اساس تقسیم کار منطقه‌ای و بین‌المللی هر کشوری در تولید گروهی از کالاها و خدمات تخصص و برتری دارد و این عمل در مقایسه با تولیدات مشابه سایر کشورها متضمن هزینه کمتری در تولید است. مزیت این امر در مبادله آن است که از همه منابع و امکانات اقتصادی منطقه و کشورهای آن حداکثر استفاده به عمل می‌آید و حجم تولیدات و منافع کشورها و مؤسسات مربوط به آنها افزایش پیدا می‌کند و انواع هزینه‌های تولیدی نیز تقلیل می‌یابد.

در برنامه ریزی‌های توسعه اقتصادی هر کشوری، کوشش به عمل می‌آید تا از ظرفیتهای اقتصادی همه بخش‌ها حداکثر استفاده صورت پذیرد به عبارت بهتر هر یک از بخش‌ها و مؤسسات اقتصادی سهم خود را در تأمین و تسهیل منابع توسعه اقتصادی انجام دهند، این امر شامل بخش تعاونی و واحدهای تولیدی، توزیعی و خدماتی هر کشوری نیز می‌باشد. بنابراین سازمانهایی که از طریق تشریک مساعی و همکاریهای متقابل افراد به وجود آمده‌اند، با توجه به نتایجی که میزان همکاری افراد در رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی آنان داشته است و نیز به تبع آن موجب به وجود آمدن واحدهای بزرگتری با دامنه فعالیت و عملیات اقتصادی وسیع‌تر در قلمرو اقتصاد داخلی و خارجی گردیده می‌تواند نهایتاً باعث مشارکت در مبادلات منطقه‌ای و جهانی شده و سبب آغاز یک اقدام اساسی تجاری، اقتصادی و فرامرزی چشم گیرتر شود. به طور خلاصه باید اشاره نمود که پس از پیدایش نهضت تعاونی و گسترش آن در جوامع گوناگون این نهضت به اشکال متفاوتی موجب تشکیل اتحادیه‌های ملی و بین‌المللی شده و برای تجمع و تمرکز و استفاده هر چه بیشتر از کارایی و فعالیتهای گوناگون نهادهای را بنیان کرده که در سرلوحه اهداف آن توسعه تجاری،

اتحادیه بین‌المللی تعاون، خط مشی‌های جهانی مرتبط با جنسیت و توسعه نیروی انسانی را گسترش و نسبت به توسعه طرح‌های منطقه‌ای در تمام دفاتر منطقه‌ای اولویت قائل شده است.

تبادل اطلاعات، دانش فنی و ... در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است.

اصول تعاونی که فی‌النفسه جنبه پیوند دهنده و متحد کننده دارد، در کلیه مناطق جهان و در تمام شعب اقتصادی و تجاری چه در سطح ملی و فراملی می‌تواند راه گشا بوده و با اقبال مواجه گردد. سهم اقتصاد تعاونی امروزه با اهمیت بیشتری می‌تواند در فعالیتهای اقتصادی منطقه‌ای مورد ملاحظه قرار گیرد، به ویژه این که تجربه فراوان و ارزنده‌ای از اقدامات و عمل متشابه اتحادیه‌های اقتصادی، بازرگانی جهانی وابسته به اتحادیه بین‌المللی تعاونی از قبیل انواع شعب تولیدی و تهیه انواع کالاها و وسایل مورد احتیاج عمومی را دارا است. همچنانکه در مناطق مختلف جهان تولیدات گوناگون کارخانه‌ها و مؤسسات متعلق به اتحادیه‌ها، سیستم انبار داری و مدیریت مربوط به آنها، فن آوری مربوط به خدمات و محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی، سیستم و تشکیلات حمل و نقل و ... پشتوانه گرانقدری از چنین اقداماتی است.

هدف این همکاری‌هایی اقتصادی در بخش‌های تعاونی کشورهای گوناگون، دستیابی هر چه بیشتر کشورها و مؤسسات یاد شده به امکانات بیشتر و ایجاد یک رقابت سالم متکی به برتری‌های اقتصادی مورد اشاره است تا برای ارائه فعالیت و ماندگاری واحدهای تعاونی در صحنه اقتصادی با توجه به شرایط کنونی که اقتصاد جهانی شده است و در بخش آزاد اقتصادی نیز انواع پیمانها و گروه بندیها به

وجود آمده، تعاونی‌ها از مزیت‌های فنی، روابط سازمانی و ... در سطح ملی و منطقه‌ای از چنین شیوه اقتصادی بهره‌مند شوند. به علاوه همه کشورها به خصوص کشورهای منطقه از امکانات فراوانی در بخش تعاونی برخوردارند که انعقاد چنین پیمانهایی را در بخش یاد شده ممکن و بیشتر می‌سازد.

تاریخچه و سابقه امر

پایان جنگ دوم جهانی نقطه عطفی در تاریخ بود که جاذبه‌های اقتصادی قاره‌ای را به طور چشم‌گیری نزد جهانیان آشکار ساخت و باید گفت باعث تفوق اقتصادهای قاره‌ای، عامل‌های اقتصادی و در عین حال عوامل سیاسی بوده است. به همین سبب کنفرانس‌های بین‌المللی تا پیش از این تاریخ همواره در شهرهای اروپای غربی تشکیل می‌شد و به تدریج به آمریکا و شوروی سابق نیز کشانیده شد تا آن جا که برای تأسیس سازمان مسلط متحد در سانفرانسیسکو آمریکا به دور هم جمع شدند و مقر دائمی این سازمان جهانی را که جانشین جامعه ملل سابق در ژنو می‌شد، در نیویورک تعیین نمودند. حال اگر قدری هم به کشورهای جهان سوم نگاه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که در کشورهایی که موفق شده‌اند در راه توسعه گامهای مؤثری بردارند با عنایت به اقتصادهای قاره‌ای و منطقه‌ای دست به این کار زده‌اند. در آسیا بسیاری از کشورهای آن با وجود افزایش جمعیت موفق گردیده‌اند تا راه پیشرفت و توسعه اقتصادی را به نحو مؤثری پیمایند به طوری که این امر نوید دهنده آینده روشنی برای آنها است.

پس جای شگفتی نیست که در چنین شرایطی دولتمردان کشورهای جهان سوم برای نیل به هدفهای توسعه اقتصادی خود به فکر گروه بندی‌های مختلف اقتصادی افتند تا شاید بتوانند با سرعت بیشتر و زمان کمتری بهزیستی مردم کشورهايشان را جامه عمل بپوشانند. از این نظر در حال حاضر شاهد روز افزون اتحادیه‌های مختلف و پیمانهای اقتصادی ناحیه‌ای و

منطقه‌ای به ویژه در آسیا هستیم.^(۱)

یکی از مهم‌ترین پیمانهای توسعه اقتصادی نیز می‌تواند از طریق روابط تعاونی شکل بگیرد. تشکیل شبکه کامل اتحادیه‌های تعاونی معمولاً به این صورت است که ابتدا از طریق تجمع و متحد شدن شرکتهای تعاونی مشترک المنافع واقع در یک منطقه که دارای فعالیت‌های مشابه هستند اتحادیه‌های تعاونی منطقه‌ای و سپس از متشکل شدن اتحادیه‌های منطقه‌ای اتحادیه‌های تعاونی ناحیه‌ای و استانی از اجتماع اتحادیه‌های تعاونی استانی، اتحادیه‌های ملی یا مرکزی به وجود می‌آید. توضیح این که در داخل هر کشور وقتی سازمانهای اتحادیه‌های تعاونی به صورت کامل در می‌آیند که صرف نظر از واحدهای اولیه یا شرکت‌های تعاونی، اتحادیه‌های تعاونی در سه سطح منطقه‌ای، ناحیه‌ای یا استان و بالاخره در مرکز کشور تشکیل گردند به منظور ایجاد پیوستگی و همکاری بین بخش‌های تعاونی کشورهای مختلف و اتحادیه‌های کشورهای گوناگون دنیا از سال ۱۸۹۵ میلادی اتحادیه بین‌المللی شرکتهای تعاونی به وجود آمده که در حال حاضر اتحادیه‌های انواع تعاونی‌ها در اتحادیه مزبور عضویت دارند.^(۲)

اتحادیه بین‌المللی تعاون سابقه‌ای دیرین دارد. این نهضت پیش از آن که تحقق یابد سالها به صورت ایده آلی وجود داشته است و همین سابقه فکری و تاریخی بوده که نقش و کیفیت رشد آن را شکل و قوام بخشیده است. از نظر فکری اتحادیه بین‌المللی تعاونی قبل از آن که فعالیت اقتصادی به گونه تعاونی عملاً تحقق یابد یا به وجود آید. متفکر اجتماعی، رابرت اون، آرزوی یک مجمع بین‌المللی تعاونی را در سر می‌پرورانده و برای عملی ساختن آرزویش قدمهایی نیز بر می‌دارد. بدین معنی که سازمانی به وجود می‌آورد و آن را (جامعه کلیه طبقات و کلیه ملل) می‌نامد. هدف از تشکیل چنین جامعه‌ای اشاعه افکار تعاونی، یا به قول خودش «دانش تعاونی» و

شروع کار تعاونی و ایجاد اجتماعات مشترک المنافع تعاونی در سراسر دنیا و تنظیم مبادلات متقابل فرآورده‌های تعاونی به گونه عادلانه بوده است.

پس از گذشت سالها از ارائه چنین فکری هنوز این افکار تازگی دارند و بر روی انواع فعالیتها به ویژه فعالیت‌های اقتصاد تعاونی و اتحادیه‌های آنها اثرگذارده و آنها را راهنماست. این اندیشه و تفکر در سال ۱۸۹۵ ثمر داده و در اولیه کنگره بین‌المللی تعاون که در لندن تشکیل می‌گردد تشکیل و اساسنامه آن در کنگره بعدی و در سال ۱۸۹۶ در پاریس به تصویب می‌رسد. به موجب مفاد اولین اساسنامه هدفهای اتحادیه بین‌المللی عبارت است از:

- ۱- انجام وظیفه به عنوان رابط بین سازمانهای تعاونی کشورهای مختلف.
- ۲- به عهده گرفتن مطالعه و تحقیق پیرامون اصول و روشهای تعاونی و مشارکت و تبلیغ جهت به کار بستن آنها در داخل اقسام تعاونی‌ها و جلب افکار عمومی در سراسر جهان برای قبول آنها.
- ۳- یقین حاصل کردن از این که کارکنان تعاونی در مازاد تعاونی‌های تولیدی، صنعتی و کشاورزی و همچنین تعاونی‌های مصرف و اعتبار در مسکن سهمی داشته باشد.
- ۴- توسعه و تحکیم روابط تجاری بین سازمانهای تعاونی کشورهای مختلف. همچنین در مقرراتی که در بیست و یکمین کنگره بین‌المللی تعاون سال ۱۹۶۰ در لوزان مورد اصلاح قرار گرفت گفته شده است: به پیروی از اقدامات پیش‌قدمان راچدیل و بر طبق اصولی که بنیان نهادند اتحادیه بین‌المللی تعاون با استقلال کامل به روشهای فوق‌اهتمام می‌ورزد تا نظام تعاونی را که به اتکای منافع تمامی جامعه و بر اساس خودیاری متقابل تشکیل یافته است، جانشین رژیم سودجویی سازد. در مورد مسئولیتهای شخصی و قطعی و فعالیت‌های عملی اتحادیه، مقررات مزبور اشعار می‌دارد که اتحادیه بین‌المللی تعاون هدفهای ذیل را دنبال خواهد کرد:

(الف) نمایندگی جهانی انواع سازمان‌های تعاونی که در عمل از اصول اتحادیه تبعیت نمایند.

(ب) تبلیغ اصول و روشهای تعاونی در سر تا سر جهان.

(ج) اشاعه تعاون در کلیه کشورها.

(د) حفظ و حراست منافع تعاون به هر شکل که باشد.

(و) ترویج روابط دوستانه و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی بین انواع سازمانهای بین‌المللی.

(ز) اهتمام برای برقراری صلح و امنیت پایدار.^(۳)

ضرورت و اهمیت موضوع

اختلاف شرایط در مناطق و کشورهای گوناگون به ویژه در منابع اقتصاد، کالاهای سرمایه‌ای، انواع کار و معلومات فنی و غیره سبب می‌شود تا در سلسله استدلالات برتری‌های نسبی به اختلاف در شرایط تولیدی بین کشورهای مختلف پی ببریم و امکانات تولیدی را در تمام مناطق با هزینه‌های یکسان و برابر محاسبه نماییم. در نتیجه فراهم کردن برخی از کالاها و خدمات هزینه‌های هنگفتی در بر دارند. حتی اگر دو یا چند کشور نیز بتوانند انواع کالاها را تهیه کنند معمولاً به صرفه است تا هر یک قوای خود را متمرکز به تولید یک یا چند کالای خاص معطوف سازند و آنها را با سایر کالاهای کشورهای دیگر مبادله نمایند.^(۴)

اصل مزیت نسبی بر اساس فواید حاصل از تقسیم کار و تخصص منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل گردیده است. به عبارت دیگر پیروان این نظریه معتقدند که چون کشورهای مختلف به علل و جهات گوناگون مانند: شرایط اقلیمی و جغرافیایی، نوع خاک و اوضاع و احوال جوی، مقادیر سرمایه، وفور و تنوع منابع زیر زمینی و شرایط سیاسی و اجتماعی، در وضع متفاوتی قرار دارند، بدین جهت هر کشور بایستی از منابع اجتماعی خود در تولید کالا و یا کالاهایی استفاده کند که به علل و جهات مذکور هزینه تولید آنها نسبت به هزینه

مناطق، و به منظور تشکیل مجامعی جدید جهت توانا ساختن اعضا در نفوذ بیشتر روی سیاست گذاری مربوط به آنها، طراحی شده است. بدون از دست دادن نقش یک سازمان جهانی و منطقه‌ای این ساختار باید منجر به تولید کالاهایی جدید بر حسب منابع و فعالیتها گردد. از نظر بخش تعاونی، اتحادیه بین المللی تعاون امور ۱۴ واحد تخصصی مصرف، کشاورزی، بانکداری، آموزش و تربیت، تحقیق، ارتباطات، زنان و غیره - تحت پوشش خود را تشویق و حمایت می‌نماید.

این سازمانهای تخصصی مانند سیستم سازمان ملل فعالیت می‌نماید. یعنی ضرورتاً مستقل و با توجه به بودجه خود بر پایه کمک‌های مالی اعضا بوده و الزاماً جزء واحد مرکزی نمی‌باشند، اگر چه این ۱۴ واحد ضرورتاً مستقل از اتحادیه بین المللی تعاون هستند اما اکثر آنها متوجه شده‌اند که به نفع آنها است تا به طور نزدیک همکاری نمایند.

اتحادیه بین المللی تعاون در برقراری روابط خیلی مطلوب با منطقه آسیا - اقیانوسیه و در حقیقت با به کارگیری ساختارهایشان با شناخت اولویتهای طرح‌ها و اجرای پروژه‌ها موفق بوده است. هر سازمانی ویژگیهای خاص خود را دارد. اما به طور کلی می‌توانیم بگوییم که تقویت این ارتباط روش مهمی است که از آن طریق تعاونی‌ها می‌توانند در سراسر مرزهای ملی خود با هم کار کنند. اتحادیه بین المللی تعاون، خط مشی‌های جهانی مرتبط با جنسیت و توسعه نیروی انسانی را گسترش و نسبت به توسعه طرحهای منطقه‌ای در تمام دفاتر منطقه‌ای اولویت قائل شده است.^(۶)

لزوم سازش و همکاری بین اتحادیه‌های تعاونی در شرایط اقتصادی حاضر

چنانچه مطالعه و بررسی همه جانبه‌ای صورت پذیرد، ایجاد پیمان برای اتحادیه‌های چند جانبه ملی و منطقه‌ای، روابط و ساختار مبادلاتی جدیدی را نوید



منابع مالی قابل اعتماد و آنهایی که متکی به حمایت مالی دولتها بوده‌اند با کاهش منابع مالی مواجه شده‌اند، به همین دلیل با توجه به شرایط جدید اتحادیه بین المللی تعاون از سال ۱۹۹۰ اجلاس وزرا را در مسیر همکاری مناسب بین دولتها و تعاونی‌ها قرار داده است. در شرایط اقتصادی جدید، همکاری صمیمانه‌تر تعاونی‌ها بسیار مهم است و این واقعه‌ای است برای تمام تعاونی‌ها، ره یافت اصلی اتحادیه بین المللی تعاون تدارک شبکه‌ای می‌باشد که از طریق آن اعضا و شرکا بتوانند برای رسیدن به اهداف مشترک خود با هم کار کنند. ساختار جدید منطقه‌ای و بخشی، بر پایه معاضدت در میان واحدهای هم فکر بسیار مؤثر می‌باشد، ره یافت منطقه‌ای جدید برای تقویت دفاتر منطقه‌ای اتحادیه بین المللی تعاون به عنوان بازوان کاری اتحادیه در

تولید کالاهای مشابه در کشورهای دیگر کمتر باشد. بر این اساس چنانچه به علل گفته شده تولید پنبه در ایران ارزان‌تر از پاکستان و تولید برنج در پاکستان ارزانتر از ایران حاصل شود بهتر است ایران به تولید پنبه و پاکستان به تولید برنج اقدام نماید و دو کشور در مبادله این دو محصول از مزیت نسبی کاهش هزینه‌های تولید خود سود ببرند. اصل مزیت نسبی در بازرگانی داخلی و خارجی یک کشور نیز صادق است. همین امر زمینه ساز تفکر عملی تجاری در انعقاد پیمانها و اتحادیه‌های تعاونی منطقه‌ای و بین المللی بزرگ‌تر است.^(۵) در سالهای اخیر در تعاونی‌ها تغییرات اساسی در شرف تکوین است. تعاونی‌هایی که وضع انحصاری داشته‌اند مواجه با وضع رقابتی، تعاونی‌هایی که اعضا را فراموش کرده‌اند روبرو با مشکل تهیه

کشورهای مختلف به علل و جهات گوناگون مانند: شرایط اقلیمی و جغرافیایی، نوع خاک و اوضاع و احوال جوی، مقادیر سرمایه، وفور و تنوع منابع زیر زمینی و شرایط سیاسی و اجتماعی، در وضع متفاوتی قرار دارند، بدین جهت هر کشور بایستی از منابع اجتماعی خود در تولید کالا و باکالاهایی استفاده کند که به علل و جهات مذکور هزینه تولید آنها نسبت به هزینه تولید کالاهای مشابه در کشورهای دیگر کمتر باشد. بر این اساس چنانچه به علل گفته شده تولید پنبه در ایران ارزان تر از پاکستان و تولید برنج در پاکستان ارزانتر از ایران حاصل شود بهتر است ایران به تولید پنبه و پاکستان به تولید برنج اقدام نماید و دو کشور در مبادله این دو محصول از مزیت نسبی گاهشی هزینه‌های تولید خود سود ببرند.

می‌دهد که نه تنها با مدل کلی و قدیمی تخصص ملل مابینتی ندارد، بلکه سرانجام آن گامی سودمند به سوی صرفه جویی در تولید و در نتیجه تأثیر گذاری بر فضای اقتصادی و شرایط نامساعد، سرمایه گذاری و تعارضات بین مراکز تصمیم‌گیری و برنامه‌های نامناسب اقتصادی خارجی و غیر تعاونی خواهد بود و چنین امری را قطعاً تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دهد و دگرگون می‌سازد.

علاوه بر کلیه مزایایی که اساساً در اثر ایجاد اتحادیه‌های ملی و منطقه‌ای تعاونی نصیب اقتصادهای مشترک المنافع می‌گردد، بین مجموعه‌های جهانی مراکز تصمیم‌گیری نیز موقعیت و تسلطی ممتاز کسب می‌گردد که در غیر این صورت هرگز چنین امکانی میسر نمی‌گردد. بهر روی، در این صورت امکان دارد، به لحاظ سهم و نقشی که در اقتصاد تعاونی منطقه‌ای و جهانی حاصل می‌گردد شرایط رقابتی در سطح مطلوب‌تری فراهم شود و تخصص منطقه‌ای به نحو بهتری صورت گیرد که این امر به نفع همه است.

تعاونی‌ها و اتحادیه‌های محلی برای تحقق چنین هدفی در همه کشورها علی‌الخصوص کشورهای توسعه نیافته به ویژه منطقه آسیا باید تلاش نمایند تا با توسل به توافقات لازم و تأسیس اتحادیه‌های منطقه‌ای آسیا بکوشند که امکانات زیادتری در تخصص مبادلاتی کسب نمایند و از این راه بر صادرات خود بیفزایند و قدرت تولیدی منطقه را در مجموع افزایش دهند. دشواریهایی که

فراروی اتحادیه‌های منطقه‌ای ممکن است قرار داشته باشد، به ویژه برای کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه کم تجربگی در این امر است که لازم است ابتدا یک دوره آموزشی و کارآموزی جهت مشارکت در همکاری‌های پیش گفته را بگذرانند. جهانی شدن اقتصاد منتظر نمی‌ماند، تغییر در ساختار تجاری اقتصادی کشورهای مذکور می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، تعاونی‌ها می‌بایست توسعه و سهم خود را در آن به عنوان یک هدف در نظر آورند و به جای پرداختن به قانون در کتاب، قانون در عمل را مورد توجه قرار دهند.^(۷)

سخن آخر

پیش گامان نهضت تعاونی به زودی در یافتند که یک شرکت تعاونی برای تأمین همه نیازمندیهای آنان همان قدر ناتوان است که یک فرد در پاسخ گویی به همه احتیاجات خویش و بدون استفاده از کمک دیگران. همین امر موجب گردید که مقدمات تشکیل تعاونی‌های بزرگتر و قدرتمندتر را از طریق به هم پیوستن نیرو و امکانات شرکت‌های تعاونی پراکنده و کوچک فراهم آورند.

همان گونه که مؤسسات سرمایه داری با یکدیگر مجتمع و گاه در هم ادغام می‌شوند و از مجموعه آنها تراست‌ها و کارتل‌های بزرگ به وجود می‌آیند که منابع و مزایای اقتصادی و فنی فراوانی برای آنها تأمین می‌کنند، شرکت‌های تعاونی نیز پس از تجربیات بیشمار بر آن شدند که با یکدیگر

متحد شوند و اتحادیه‌های عظیمی را بنیان گذاری نمایند.^(۸)

در این صورت سهم تعاونی‌ها در داد و ستد داخلی و خارجی بیش از آن چه که در حال حاضر است پیش بینی خواهد شد. از این نظر باید به ویژگیهای تعاونی در عدم سوچویی و به لحاظ این که تعداد زیادی از جمعیت کشور را زیر پوشش فعالیت خود قرار می‌دهد توجه نمود و از طریق اتحادیه‌های مذکور سهم قابل ملاحظه‌ای از تجارت خارجی را به آنها تخصیص داد. این امر حتی برای تعاونی‌های کوچک که در اتحادیه خود عضویت یافته‌اند مفید است و به همین ترتیب اتحادیه‌های مختلف به طور زنجیره‌ای به هم پیوند می‌یابند تا از امکانات تجاری منطقه‌ای و جهانی بهتر سود ببرند و به تبع آن تعاونی‌ها و اعضا آنها از این اقدام منتفع گردند. در حال حاضر اتحادیه‌های تعاونی به شکل‌های مختلف تشکیل می‌شود. برای نمونه بانکهای مرکزی، اتحادیه‌های تعاونی بازاریابی و عمل آوردن فرآورده‌های کشاورزی، عمده فروشیهایی تعاونی‌های مصرف، اتحادیه‌های تعاونی ممیزی و حسابرسی و غیره.

اتحادیه‌های تعاونی معمولاً برای به انجام رساندن هدفهای مشخص و معینی یا به عرصه وجود می‌گذارند و در یک ناحیه یا نواحی محدود به فعالیت می‌پردازند و یا حدود این فعالیت را در دایره وسیع ملی و مرتبط با مبادلات فرا ملی توسعه می‌دهند. وظایف و مزایای یک اتحادیه تعاونی عیناً شبیه یک شرکت تعاونی است، یعنی حقوق



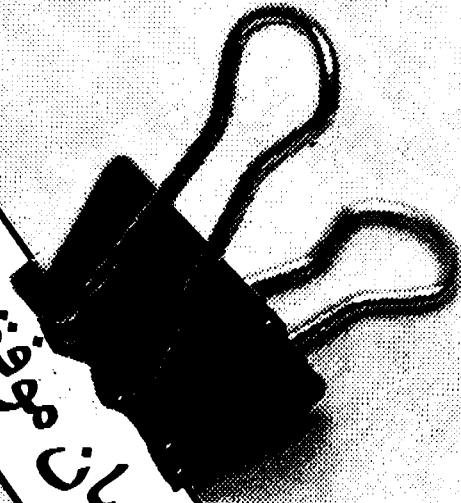
و مسئولیت‌های آن نیز به همان ترتیب محدود به حدودی است که در یک تعاونی است. در واقع یک اتحادیه تعاونی به منزله شرکت تعاونی تعدادی از شرکت‌های تعاونی است که عضویت آن را پذیرفته‌اند. همان طور که تشکیل یک شرکت تعاونی باید با زمینه مساعد قبلی و آمادگی کامل مؤسسين آن همراه باشد، موضوع تأسیس اتحادیه نیز باید به همان ترتیب با بصیرت و تجربه بیشتری توأم باشد و قبل از اقدام به تشکیل آن کلیه عوامل و امکانات لازم مطالعه و بررسی گردد. آن دسته از شرکت‌های تعاونی می‌توانند به تشکیل اتحادیه تعاونی مبادرت ورزند یا عضویت آن را بپذیرند که هر یک از آنها در درجه اول قادر به اداره صحیح امور خود بوده و میدان فعالیتشان روشن و موفقیت آمیز باشد. چنانچه وجود یک شرکت تعاونی اعم از مصرف، اعتبار یا تولیدات کشاورزی به تأمین معیشت و تقویت وضع اقتصادی اعضا خود کمک می‌کنند و از راه به انجام رساندن بسیاری از خدمات فرهنگی، بهداشتی، فنی، علمی، تهیه مسکن و فراهم آوردن تسهیلات متعدد دیگر جامعه کوچک و در عین حال پیشرفته‌ای را پدید می‌آورند یک اتحادیه تعاونی نیز قادر است همان خدمات را در دایره وسیع‌تری و جبهه همت خود قرار داده و نه تنها سکنه ناحیه و یا نواحی وسیع‌تری را از پرتو وجود خود بهره‌مند گرداند بلکه در مجموع به استحکام مبانی اقتصادی ملی و تأمین دمکراسی کمک مؤثر و شایان توجهی خواهد کرد. اتحادیه‌های تعاونی و بانک‌های مرکزی تعاون در سیستم اعتباری عصر حاضر نوع جدیدی از روش‌های اعتباری را گشوده‌اند و تسهیلاتی که توسط این گونه مؤسسات مالی فراهم می‌گردد فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی را نیز بیش از پیش رونق می‌بخشند و کارهای تولیدی را به ویژه برای افراد کم سرمایه ممکن و میسر می‌سازند. هر چه قدر قلمرو فعالیت‌های اتحادیه‌های تعاونی اعتباری گسترش یابد

بر اثر تثبیت نرخ بهره و تنزل آن بساط نزول خواری و صرافیه بیش از پیش از رونق خواهد افتاد. در بخش کشاورزی نیز نقش اتحادیه‌های تعاونی بیش از آن چه تصور می‌رود سازنده و ایجاد کننده است، زیرا شرکت‌های تعاونی کشاورزی بدون عضویت در اتحادیه‌های تعاونی هرگز از این همه تسهیلاتی که امروزه در اختیار دارند برخوردار نمی‌شوند. برای مثال در پرتو وجود اتحادیه‌های تعاونی کشاورزی و دامدارک، کشاورزان و دامداران دامدارکی توانسته‌اند فرآورده‌های دامی خود را به دورترین بازارهای دنیا عرضه نمایند. بدون اتحادیه‌های تعاونی کشاورزی، کشاورزان و شرکت‌های تعاونی آنها از آن همه وسایل مدرن و پیشرفته کشاورزی از قبیل، بذر مرغوب، وسایل آبیاری، تسهیلات لازم جهت اصلاح و بهبود سیستم زراعت، ایجاد تحول در کیفیت فرآورده‌های تولیدی و حداکثر بهره برداری از عوامل تولید که همه و همه در خدمت کشاورزان برای بهزیستی آنان گمارده شده‌اند، برخوردار نمی‌شدند. (۹)

■ پی نوشت‌ها:

- ۱- دکتر سید محمد شکاة - نظریه جدید بازرگان بین الملل - مدرسه عالی بازرگانی - چاپ دوم - فروردین ۱۳۵۲، صفحه ۳۳۱.
- ۲- تعلیمات تعاونی - نشریه شماره ۳ - سازمان تعاون کشور، ۱۳۴۹، صفحه ۱۴۹.
- ۳- ج - داویدویچ - به سوی دنیای تعاونی - نشریه شماره ۱۳ - سازمان مرکزی تعاون کشور ۱۳۴۷ - صفحه ۲۶.
- ۴- پل ساموئل سن - ترجمه دکتر حسین پیرنیا - اقتصاد جلد دوم - نشر کتاب ۱۳۴۸ - صفحه ۴۱۸.
- ۵- علی محمد اقتداری - اقتصادی عمومی جلد دوم - چاپ هشتم - دانشکده امور اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران - صفحه ۱۴۱.
- ۶- بروس، نودارسون - استراتژی توسعه جهانی اتحادیه بین المللی تعاون - ترجمه محمد رضا توسلی، تعاون شماره ۴۱ - صفحه ۶.
- ۷- کنفرانس وزرای تعاون کشورهای آسیایی - تعاون شماره ۹۶ - صفحه ۴۰.
- ۸- گفتارهای تعاونی - کتاب چهارم - وزارت تعاون و امور روستاها - نشریه شماره ۱۰۴ - صفحه ۵۸.
- ۹- تعلیمات تعاونی - نشریه شماره ۳ - سازمان مرکزی تعاون کشور - صفحه ۱۴۶.

بازرسان موفق چه صفاتی دارند؟



● مهندس محمد رضا عباسی

بازرسان شرکتهای تعاونی از جمله افرادی هستند که به دلیل مقبولیت از سوی اعضاء برای این سمت انتخاب می شوند. بنابراین به منظور برخورداری از اعتماد به نفس و برداشتن گامهای استوار در اجرای وظایف خود نیاز به پشتیبانی و حمایت دارند و بازرسان برای برخورد قانونی با هرگونه، اشتباه کاری، تخلف و قصوری که مشاهده خواهند کرد، چنانچه احساس کنند نقطه اتکای مطمئنی ندارند و احتمالاً از سوی اعضاء پشتیبانی و حمایت نمی شوند، یقیناً چشمهای خود را خواهند بست و این قصور و تخلفها را نادیده خواهند انگاشت. این وضعیت بدترین حالتی است که ممکن است در یک شرکت تعاونی اتفاق بیفتد.

□ مقدمه:

شرکتهای تعاونی نمادی ارزشمند از وجوه مشارکت مردم در مدیریت و اداره امور اقتصادی - اجتماعی خویش می باشند. به بیان دیگر، هر شرکت تعاونی جلوه گاه «هنر» مدیریت گروهی امور و حل مشکلات جمعی است. از همین رو می توان راز ماندگاری و موفقیت چنین سازمانهای مستقل و مردمی را در این نکته دانست.

مسئولیت هر تعاونی به عهده تمامی اعضاء آن است. هر یک از این اعضاء در حد بضاعت خویش وظیفه دارند برای اداره امور از هیچ کوششی دریغ نوزند. بنابراین در نظام مدیریت شرکتهای تعاونی، نوع مدیریت و برنامه ریزی «گروهی»

است. برای تسهیل این امر نیز تعدادی از اعضاء تحت عنوان «هیأت مدیره» از سوی اعضاء هر شرکت تعاونی انتخاب می شوند. هیأت مدیره در واقع افرادی هستند که سایر اعضاء تعاونی، وظیفه خود را در زمینه مدیریت امور به آنان تفویض کرده اند.

به منظور تأمین و تقویت عملکرد صحیح هیأت مدیره، اعضاء تعاونی بر پایه اساسنامه و قوانین ذیربط، کنترل و نظارت بر فعالیتهای هیأت مدیره را به عهده افراد دیگری تحت عنوان «بازرسان» قرار داده اند. یعنی بازرسان اعضاء منتخبی هستند که از سوی سایر اعضاء انتخاب می شوند تا در فرآیند مدیریت شرکت تعاونی به وکالت از سوی آنان

نظارت و بازرسی امور را بر عهده داشته باشند. به این ترتیب مشخص می گردد که نقش بازرسان بسیار مهم و تعیین کننده است. زیرا در فرآیند مدیریت هر سازمان، نظارت و بازرسی به منزله «خط نگر» دار» روند امور در جهت نیل به سوی اهداف پیش بینی شده محسوب می شود. به این معنا که مسیر فعالیتها را در جهت آرمانی، عدالت، منطق و نظام مدار هموار می سازند و از کج رویها و بی راه رفتن آن ممانعت به عمل می آورند. حال چنان چه، بازرسان به عنوان افراد ناظر بر امور، وظایف خویش را به درستی و قانون مدارانه انجام دهند، امور تعاونی در بستری مطمئن، هدفمند و منظم به سوی تحقق اهداف مورد نظر اعضاء پیش

خواهد رفت و چنانچه از وظایف و مسئولیت‌های خویش غافل بماند و دچار محافظه کاری و یا بی تفاوتی شوند، هیچ گونه تضمینی برای برآورده ساختن نیازهای واقعی اعضاء و هدایت امور در جهت تحقق خواسته‌های آنان وجود نخواهد داشت. با توجه به مطالب یاد شده، مسئولیت سنگین بازرسان در جهت حفظ منافع اعضاء و نیز بازویی توانا برای توسعه هر شرکت تعاونی خواهد بود. اگر بازرسان مسئولیت خود را به خوبی اجرا کنند، یقیناً می‌توانند نیروی محرکه‌ای برای توسعه تعاونی ذریبند باشند.

اما به راستی یک بازرس مؤثر و مطلوب (جدای از رعایت قوانین و مقررات مربوطه) باید دارای چه شایستگیها، صفات و خصوصیات باشد؟ و از چه دانش و آگاهی‌هایی می‌بایست برخوردار باشد؟ روابط خود را با هیأت مدیره و اعضاء با چه کیفیتی برقرار کند؟...

ویژگیهای یک بازرس موفق

نکته با اهمیت این است که هر فردی که خود را آماده قبول مسئولیت بازرسی یک شرکت تعاونی می‌کند باید قبل از هر چیز بر اساس خصوصیات و تواناییهای خود تصمیم جدی بگیرد. وی باید آگاه باشد که مسئولیت نظارت و بازرسی، نیاز به صفات و شایستگی‌هایی دارد تا او را در انجام موفقیت آمیز آن آماده سازد. این گروه از افراد باید ابتدا با یک بررسی عمیق و منطقی مشخص سازند که آیا واجد این صفات هستند یا خیر؟ اگر در برخی موارد کمبودهایی دارند، آیا قادر به تقویت آن می‌باشند؟ بدیهی است اگر توانایی این کار را در خود نمی‌بینند، برای حفظ شخصیت خود، بقای تعاونی و حفظ منافع اعضاء صادقانه از قبول این مسئولیت حذر کنند.

برخی از مهم‌ترین صفات و ویژگیهای یک بازرس موفق شرکت تعاونی به شرح زیر است:

۱- تعهد

بازرسان شرکتهای تعاونی خود را متعهد به اصول و آرمانهای نهضت تعاونی، بقاء و توسعه شرکت تعاونی ذریبند و نیز متعهد به حفظ منافع اعضاء می‌دانند. به بیان دیگر، یک بازرس موفق و

مؤثر در سه جنبه ذیل خود را متعهد می‌داند:

الف- تعهد به نهضت تعاونی: یک بازرس

به اصول و فلسفه نهضت تعاونی متعهد و وفادار است. او تلاش می‌کند تمامی امور تعاونی ذریبند را بر این اصول و آرمانها سازگار و منطبق سازد. وی با این کار موجب می‌شود شرکت تعاونی مطبوع خود را به یک تعاونی اصیل و با وجوه بارز تعاونگرایی تبدیل سازد.

ب- تعهد به شرکت تعاونی: یک بازرس

شرکت تعاونی خود را به منافع و صحت امور و گسترش و توسعه تعاونی متبوع خویش متعهد می‌داند. وی رفتار مسئولانه خویش را در جهت هدایت و هماهنگ می‌سازد که فعالیت‌های شرکت تعاونی را به مثابه خانه خود رشد و توسعه بخشد.

ج- تعهد به اعضاء: یک بازرس شرکت

تعاونی، خود را وکیل اعضاء و حافظ منافع آنان می‌پندارد. از این رو، خود را متعهد می‌داند از کلیه حقوق مادی و معنوی اعضاء دفاع کند و در این راه از زیر بار مسئولیت، شانه خالی نکند.

تعهد به نهضت تعاونی



تعهد به اعضاء
تعهد به شرکت
تعهد به نهضت تعاونی

شکل شماره ۱: تعهدات یک بازرس شرکت تعاونی

۲- تیز بینی

از آنجا که بازرسان شرکتهای تعاونی خود را مسئول و ناظر بر فعالیت‌های تعاونی و حافظ منافع اعضاء می‌دانند، همه عناصر، اجزاء و روند امور و فعالیتها را با نگاهی تیزبین، جستجوگرانه و عمیق می‌نگرند. آنان با روحیه کنجکاوانه، هر کجا مشکل، کاستی، اشتباه، تخلف و نیز رویدادی را که

خارج از مصوبات، قوانین و مقررات است به دقت مشاهده و تحلیل می‌کنند و در نخستین فرصت مناسب واکنش نشان می‌دهند. گاه از هیأت مدیره دلیل منطقی و توضیح لازم را می‌خواهند و گاهی به اعضاء گزارش ضرور را ارائه می‌کنند.

از سوی دیگر، بازرسان بر پایه اصول، قوانین و قواعد موجود تلاش می‌کنند نکات مثبت، ارزنده، مطلوب و امیدوار کننده را شناسایی نمایند و برای عوامل مؤثر و دخیل، پیشنهاد تشویق و قدردانی خواهند کرد.

۳- صداقت

وجود عنصر صداقت در فرآیند مسئولیت یکی از نکات و شایستگیهای مهم است که مورد توجه و رعایت بازرسان موفق قرار می‌گیرد. بازرسان موفق معتقدند که باید بدون هر گونه کج اندیشی و غرض ورزی نظارت بر امور تعاونی را مستمر آ پیگیری کنند. هیچ یک از مسائل و ناهنجاریها را که بر خلاف منافع اعضاء تعاونی است، ندیده بگیرند و نظارت مثبت و مفید را از نظر دور نسازند و بالاخره به نحوی صادقانه عملکردهای مثبت و یا منفی هیأت مدیره، کارکنان و حتی اعضاء را به آنان یادآور شوند.

بازرسان موفق همیشه همکار و همیار صادق و صمیمی اعضاء و مدیران هستند. هیچ گاه خود را برای نظارت خشک آماده نکرده‌اند و در هر صورت هیچ مسأله و تصمیم‌گیری را خارج از جاده صداقت مورد توجه قرار نمی‌دهند و نیز به هر دلیل از اعضاء و مدیران و کارکنان مسئول تعاونی پنهان نمی‌سازند.

۴- علاقمندی

بدون شک هیچ فردی در هر شغل و منصبی که قرار گیرد، بدون وجود علاقه و رغبت کافی برای انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله، به موفقیت دست نخواهد یافت. به دیگر سخن شرط موفقیت در اجرای هر مسئولیت و غلبه بر مشکلات، داشتن علاقه و میل و رغبت است.

بازرسان موفق شرکتهای تعاونی قبل از آن که خود را نامزد تصدی مسئولیت بازرسی کنند، وظایف بازرسی را برای خود ترسیم و روشن می‌سازند. اگر تصور می‌کنند در صورت آوردن رأی لازم و انتخاب به عنوان بازرسی، علاقه کافی به این کار خواهند داشت، قبول مسئولیت خواهند کرد. بازرسان واقف هستند که در صورت انتخاب، اعضای تعاونی، سرنوشت سازمان خود و نیز خواسته‌هایشان را در واقع به آنها واگذار خواهند کرد، پس برای انجام این مهم می‌بایست به اندازه کافی علاقمندی داشته باشند.

شهریز از گروه‌گرایی

هر بازرس مؤثر و موفق کلیه اعضای شرکت تعاونی را یک «واحد اجتماعی» می‌پندارد و وظایف محول شده را در جهت پایداری و توسعه آن واحد تلقی می‌کند. از این رو، بازرسان آگاه می‌دانند که منتخب یکایک افراد این واحد اجتماعی هستند نه بخش یا گروهی از آن. بنابراین به دور از هر گونه جنجال و اجتناب از هر گونه دسته بندی و گروه‌گرایی با دلسوزی، صداقت و تعهد کافی وظایف خویش را انجام می‌دهند. بازرسان موفق شرکتهای تعاونی از گروه‌گرایی پرهیز می‌کنند. با نظم و تعهد در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌نمایند و نظرات هیأت مدیره را درباره برنامه‌ها و جریان فعالیتها اعم از موافق و مخالف به خاطر می‌سپارند تا درباره آنها به خوبی فکر کنند و پس از تحلیل و بررسی جامع، در جهت حفظ وحدت و یکپارچگی تعاونی مزبور اظهار نظر منطقی و صادقانه خود را ارائه کنند. به این ترتیب، موفق می‌شوند ضمن انجام مطلوب وظیفه خود، از نظرات یکایک اعضای هیأت مدیره آگاهی یابند و از موضع گیریه‌ها و تصمیم‌گیریهای مدیریتی شرکت تعاونی کاملاً مطلع شوند.

۶- دلسوزی

بازرسان شرکتهای تعاونی نسبت به امور تعاونی خود، احساس تعلق فراوان دارند. آنان تعاونی را جزء جدا نشدنی «زندگی تعاونی» خویش تلقی می‌کنند. از این رو با دلسوزی کامل مسئولیت محوله را

در هر تعاونی نظارت و بررسی امور به عهده بازرسان است، بنابراین بازرسان در واقع بازوی بغش تعاونی برای گسترش و توسعه تعاونی‌ها نیز محسوب خواهند شد. به این دلیل سازمانهای مسئول بخش تعاون می‌بایست در زمینه آموزش و توجیه وظایف، بازرسان را حمایت کنند.

انجام خواهند داد. در این راستا، بازرسان هر گونه اشتباه و خسارتی را که در جریان امور تعاونی ملاحظه می‌کنند، مانعی برای رشد و توسعه تعاونی به حساب می‌آورند و آن را عاملی در جهت ایجاد اختلال در زندگی تعاونی خود و مولکین خویش تلقی می‌کنند. در واقع، بازرسان موفق برای جلوگیری از هدر رفتن منابع خود و سایر اعضا و نیز نهضت تعاونی، دلسوزانه در صحنه‌های تعاونی حاضر می‌شوند و به دلیل احساس تعلقی که دارند، همواره عزم خود را جزم کرده‌اند تا به آنها خدمت کنند.

۷- رعایت قوانین و مقررات

بازرسان شرکتهای تعاونی در مراحل مختلف انجام امور بازرسی باید موضع‌گیریهای قانون مدارانه داشته باشند. این امر منوط به آگاهی نسبتاً دقیق و کافی از قوانین و مقررات مربوطه خواهد بود. بنابراین، بازرسان ناچارند بر مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعملها احاطه و تسلط کافی داشته باشند.

مجموعه قوانین و مقرراتی که هر بازرس تعاونی جهت موفقیت و انجام صحیح وظایف خود باید از آنها آگاهی مطلوبی داشته باشند به شرح ذیل خواهد بود:

الف - اساسنامه شرکت تعاونی:

شرکتهای تعاونی برای همه امور و فعالیتها دارای قوانین و مقررات ویژه خود می‌باشند. مقررات و قوانین مربوطه به نحوه تشکیل تعاونی، برنامه ریزی، سازماندهی

فعالیتها، ساختار و تشکیلات، تأمین سرمایه، خصوصیات عضویت و ... از جمله مواردی است که بازرسان موفق دقیقاً از آنها آگاهی دارند.

ب - قانون بخش تعاونی:

موفق اصول و مواد قانون بخش تعاونی کشور را مطالعه نموده‌اند و از آنها در حد تسلط آگاهی دارند. به همین دلیل قادر خواهند بود در فرآیند کنترل و نظارت امور شرکت تعاونی متبوع خود، تصمیم‌گیری، قانونمند و منطقی به عمل آورند.

آگاهی از فرآیند تشکیل تعاونی‌ها و نیز آشنایی دقیق از اصول، وظایف و مفاهیم متعددی مسانند هیأت مؤسس، مجامع عمومی، اساسنامه، سرمایه، وزارت تعاون، انواع تعاونی‌ها، اتحادیه‌های تعاونی، اتاق تعاون، ارکان تعاونی‌ها و ... برای وسعت بینش و قضاوت و نظارت مؤثر بر امور با عنایت به قانون تعاون کشور بسیار الزامی است.

ج - مقررات و دستورالعملها:

است که هر شرکت تعاونی موظف به اجرای برخی مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهایی است که غالباً آنها نشأت گرفته از اصول نهضت تعاونی و قانون بخش تعاونی و نیز اساسنامه تعاونی است. اما این مقررات و دستورالعملها در واقع تبیین‌کننده و راهکارهای اجرایی می‌باشند و باید شرکتهای تعاونی در فرآیند امور جاری خود آنها را دقیقاً به کار گیرند. این مقررات عمدتاً از سوی سازمانهای مسئول، اتحادیه‌ها و به ویژه وزارت تعاون تنظیم و ابلاغ می‌شوند.

بازرسان موفق برای نظارت و کنترل مطلوب و منطقی امور از این مقررات و دستورالعملها استفاده می‌کنند. بنابراین هر بازرسی باید اطلاعات خود را در این زمینه‌ها در حد تسلط تقویت کند و آن را همواره به هنگام و روز آمد سازد.

۸- اعتماد به نفس

برخی بازرسان شرکتهای تعاونی با وجود داشتن اطلاعات نسبتاً کامل در زمینه مسئولیت خود، به دلیل نداشتن اعتماد به نفس کافی در ایفای نقش خویش چندان

در خود پرورش داده باشد که تعاون یک خدمت صادقانه و منصفانه برای همه توده‌های مردم است و به این دلیل خود نیز یک تعاونگر و پیرو علاقمند نهضت تعاونی باشد. در این صورت دیدگاه، پندار و کردار خویش را در جریان انجام وظایف مسئولیت بازرسی با الهام از رهنمودهای نهضت تعاونی و حفظ منافع اعضاء انجام خواهد داد.

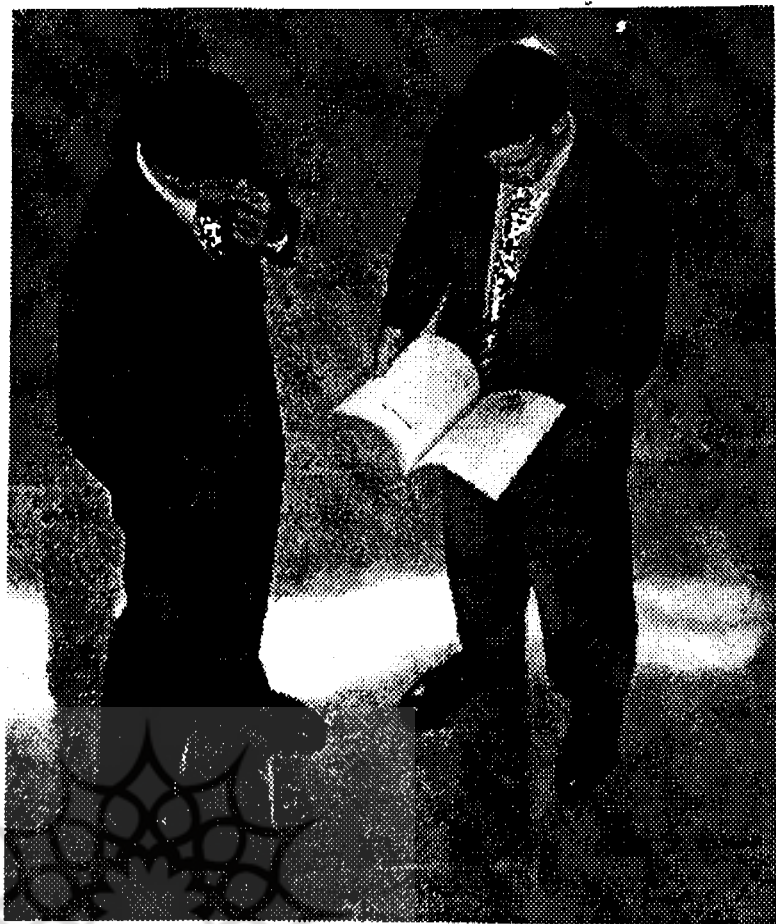
۱۱- وفاداری به اساسنامه

اساسنامه در واقع سند یا مدرکی است که باید‌ها و بنیادهای فعالیتهای یک شرکت تعاونی را از آغاز تا پایان روشن ساخته است. مواردی مانند، نام شرکت تعاونی، هدف، موضوع، حوزه عملیات، مرکز عملیات، مدت، نشانی، میزان سرمایه، ارکان، مقررات مالی، انحلال و تصفیه و ... در آن کاملاً مشخص گردیده است. حال چنانچه یک بازرس به اساسنامه شرکت تعاونی که مسئولیت بازرسی آن را به عهده گرفته است، وفادار نباشد و نسبت به اجرای دقیق و صحیح آن احساس مسئولیت نکند، قادر نخواهد بود وظیفه خویش را به درستی انجام دهد. بنابراین بازرسان موفق شرکتهای تعاونی همواره در جریان انجام فعالیتهای مربوط به مسئولیتی که پذیرفته‌اند، اصول و مواد اساسنامه تعاونی زیربط را دقیقاً مورد توجه و عنایت خویش قرار می‌دهند.

ماهیت وظیفه بازرسان

به موجب قانون بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران، بازرسان شرکتهای تعاونی بر پایه یک فرآیند مشخص، انتخاب می‌شوند و وظایفی را عهده دار خواهند شد. به موجب این قانون، مجمع عمومی هر شرکت تعاونی، بازرس یا بازرسانی را برای مدت یک سال مالی انتخاب می‌کنند تا وظایف ذیل را از سوی خود به آنان تفویض کنند:

۱- نظارت مستمر بر انطباق نحوه اداره امور تعاونی و عملیات و معاملات انجام شده با اساسنامه، قوانین و مقررات و دستور العملهای مربوطه.



قوانین مالیاتی و حقوق کار و بیمه آگاهی نسبتاً کافی (در حدود قوانین حاکم بر فعالیتهای تعاونی‌ها) داشته باشند. آنها برای انجام موفقیت‌آمیز و بررسی میزان صحت دفاتر و هزینه‌های مالیاتی و نیز وضعیت حقوق و دستمزد و بیمه کارکنان و ... ناچارند از اطلاعات لازم برخوردار باشند. در این صورت خواهند توانست در این گونه موارد اظهار نظر کارشناسانه داشته باشند و در حفظ حقوق تعاونی، اعضاء و کارکنان مؤثر واقع شوند و از کجرویها ممانعت به عمل آورند.

۱۰- نگرش صحیح

بازرسان شرکتهای تعاونی قبل از هر چیز باید در زمره افرادی باشند که تعاون و خدمات آن را دقیقاً و قلباً باور کرده باشند و به آن با نگرشی مثبت بنگرند. بدیهی است اگر یک بازرس با وجود داشتن اطلاعات کافی نسبت به فلسفه تعاون شک کند و آن را نپذیرفته باشد، در کار خود موفق نخواهد بود. یک بازرس تعاونی باید این تصور را

موفق نیستند. این گروه از بازرسان معمولاً از سوی اعضاء به عنوان بازرس محافظه کار و بی تفاوت، ناآگاه به وظیفه و فاقد احساس مسئولیت مورد اعتراض واقع می‌شوند. در واقع این بازرسان نقش خود را باور نکرده‌اند و انجام وظایف مربوط به خود را نوعی مخاطره (ریسک) تلقی می‌کنند و از این رو، عموماً تبدیل به بازرسان محافظه کار و خنثی می‌شوند.

با این وصف بازرسان تعاونی‌ها باید به این امر آگاه باشند که گر چه مسئولیت حساس و پر مخاطره‌ای را تقبل کرده‌اند، اما اگر انجام این مسئولیت را با دانش کافی، منطقی و استدلال و نیز روابط عمومی مؤثر توأم و ممزوج سازند، یقیناً با موفقیت مواجه خواهند شد و برای ایفای نقش بازرسی نیاز به ریسک، شک و تردید نخواهند داشت.

۹- قوانین حقوقی و مالی

بازرسان شرکتهای تعاونی می‌بایست بنا به ضرورت مسئولیتی که پذیرفته‌اند از

وجود عنصر صداقت در فرآیند مسئولیت یکی از نکات و شایستگیهای مهم است که مورد توجه و رعایت بازرسان موفق قرار می‌گیرد. بازرسان موفق معتقدند که باید بدون هر گونه کج اندیشی و غرض ورزی نظارت بر امور تعاونی را مستمر آویگیری کنند. هیچ یک از مسائل و ناهنجاریها را که بر خلاف منافع اعضای تعاونی است، ندیده بگیرند و نظارت مثبت و مفید را از نظر دور نسازند و بالاخره به نحوی صادقانه عملکردهای مثبت و یا منفی هیأت مدیره، کارکنان و حتی اعضاء را به آنان یاد آور شوند.

سوی اعضاء پشتیبانی و حمایت نمی‌شوند، یقیناً چشمهای خود را خواهند بست و این قصور و تخلفها را نادیده خواهند انگاشت. این وضعیت بدترین حالتی است که ممکن است در یک شرکت تعاونی اتفاق بیفتد. دلیل آن که در برخی از تعاونیها، بازرسان چندان فعال نیستند و یا نسبت به انجام وظایف خود کاملاً بی تفاوت می‌باشند، ممکن است همین نکته باشد.

از عمده عواملی که موجب می‌گردد هیأت مدیره یک شرکت تعاونی به سوی استبداد و خود کامگی سوق پیدا کند آن است که برخی افراد آن تلاش می‌کنند روند فعالیتها را در جهت تحقق مقاصد و منافع خود سوق دهند و برای تسهیل این کار، بازرسان را منفعل و از صحنه خارج می‌کنند. حال چنان چه اعضاء هم بی تفاوت بوده و از بازرسان حمایت لازم را به عمل نیاورند، این گروه از افراد هیأت مدیره به خواسته خویش نائل خواهند شد و تعاونی را به ورطه استبداد و شکست هدایت خواهند کرد.

با این وصف، بر همه اعضاء هر شرکت تعاونی لازم می‌آید که بازرسان را ناظر بر امور تعاونی و حافظ منافع خود بدانند و برای موفقیت آنان در انجام این مسئولیت، خود را حامی و پشتیبان وی بدانند. هیأت مدیره هر تعاونی نیز باید از جمله افرادی باشند که از بازرسان تعاونی حمایت کنند. زیرا اگر این افراد طرفدار واقعی نهضت تعاون، شرکت تعاونی و اعضاء آن هستند، باید آگاه باشند که بر پایه قوانین تعاون و مقررات شرکتهای تعاونی و اساسنامه تعاونی متبوع خود، اعضاء بازرسان را برای نظارت بر فعالیت آنان و حسن اداره امور تعاونی انتخاب کرده‌اند، بنابراین بازرسان دارای حقوق قانونی و مشروع هستند تا ناظر بر امور و فعالیتهای آنان باشند.

همه افراد هیأت مدیره باید از تفرقه و گروه گرایی و نیز مخالفتهای احساسی و غیر عقلانی با بازرسان پرهیز کنند. آنها باید بدانند اگر چه ممکن است موفق شوند بازرسان را از گردونه فعالیتها به هر شکل یا دلیلی خارج کنند و ظاهراً خیال خود را

تحلیل و بررسی کنند، به نتایج منطقی دست یابند و از طریق استبدلال و منطق، نتایج بررسی‌های خویش را اظهار کرده و از آنها دفاع کنند.

ب - ماهیت مدیریتی: وظایف بازرسان شرکتهای تعاونی در جنبه‌هایی مانند: نظارت مستمر بر امور، شرکت در جلسات هیأت مدیره، فعالیتهای نظارتی و ... دارای ماهیتی مدیریتی است. بازرسان برای انجام این گونه امور باید از هنر، دانش و مهارتهای مدیریت مانند: برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، نظارت، ارزشیابی و ... برخوردار باشند تا بتوانند برنامه‌ها و فعالیتها و تصمیم‌گیری‌های هیأت مدیره، مدیر عامل و مؤسسين تعاونیها را به شیوه‌ای نقادانه و معقولانه مورد عنایت و توجه قرار دهند. سپس با اطلاعاتی که از قوانین و مقررات دارند، مقایسه کنند. انجام صحیح این فرآیند آنان را قادر خواهد ساخت تا موفق شوند بر پایه وظیفه خود برنامه‌ها و فعالیتهای تعاونی مطبوع خویش را با اصول و قوانین تعاون سازگار و منطبق سازند.

حمایت از سازمان

بازرسان شرکتهای تعاونی از جمله افرادی هستند که به دلیل مقبولیت از سوی اعضاء برای این سمت انتخاب می‌شوند. بنابراین به منظور برخورداری از اعتماد به نفس و برداشتن گامهای استوار در اجرای وظایف خود نیاز به پشتیبانی و حمایت دارند و بازرسان برای برخورد قانونی با هرگونه، اشتباه کاری، تخلف و قصوری که مشاهده خواهند کرد، چنانچه احساس کنند نقطه اتکای مطمئنی ندارند و احتمالاً از

- رسیدگی به حسابها، دفاتر، اسناد، صورتهای مالی از قبیل ترازنامه و حسابهای عملکرد و سود و زیان، بودجه پیشنهادی و گزارشات هیأت مدیره به مجمع عمومی.

- رسیدگی به شکایت اعضاء و ارائه گزارش به مجمع عمومی و مراجع ذیربط.

- تذکر کتبی تخلفات موجود در نحوه اداره امور تعاونی به هیأت مدیره و مدیر عامل و تقاضای رفع نقص.

و ...

بنابراین بازرسان به موجب قانون، نماینده اعضاء هر شرکت تعاونی هستند که باید بر اداره امور تعاونی متبوع خویش نظارت داشته باشند. در واقع اعضاء هر تعاونی تعدادی از اعضاء را تحت عنوان هیأت مدیره به منظور تفویض اختیارات خود به آنها انتخاب می‌کنند و بازرسان را نیز به منظور نظارت بر اختیارات تفویض شده به هیأت مدیره انتخاب می‌کنند.

با توجه به قانون بخش تعاونی، ماهیت وظایف بازرسان دارای دو جنبه است:

الف - مساهمت کارشناسی: وظایف

بازرسان شرکتهای تعاونی در جنبه‌هایی مانند: رسیدگی به حسابها، دفاتر، اسناد، صورتهای مالی و ... دارای ماهیتی کارشناسانه است. بازرسان برای انجام این گونه امور باید از دانش، مهارت و دیدگاه کارشناسانه برخوردار باشند تا بتوانند با نگاهی تیزبین، جستجو گرانه، نقادانه و منطقی بسرآیند انجام امور تعاونی و فعالیتهای هیأت مدیره را نظارت و داوری کنند. بر این اساس، قادر خواهند بود مشاهدات و بررسی‌های خود را عمیقاً

آسوده گردانند، اما نتایج منفی و عواقب نامطلوب این اقدام، دامن خود آنان را خواهد گرفت. زیرا به جای بازرسان، به تدریج اعضای تعاونی وظایف بازرسی را به طور غیر رسمی در دست خواهند گرفت و حتی ممکن است در صورت عدم کسب نتیجه از اعتراضات خود، در پایان کار دست به شورش زنند و به مقامات قانونی شکایت کنند. در چنین وضعیتی یقیناً شخصیت و اعتبار هیأت مدیره در نزد مردم و جامعه زیر سؤال رفته و حتی امکان دارد به شرایط و خیمی منجر شود.

هیأت مدیره باید از بازرسان و نظارت در دخالت‌های قانونی آنان استقبال کنند. زیرا بازرسان ضریب اطمینان و درستی فرآیند مدیریت و فعالیتهای هیأت مدیره را افزایش داده و موجب می‌شوند که افراد هیأت مدیره از کژیها و اشتباهات در امان بمانند. این امر موجب توسعه و گسترش شخصیت، احترام و شأن آنان در نزد اعضا و مردم منطقه خواهد شد. با این وصف، علاوه بر اعضا هیأت مدیره نیز باید از بازرسان تا مادامی که در چارچوب قانون فعالیت می‌کنند، حمایتها و پشتیبانی‌های لازم را به عمل آورند.

سازمانهای مسئول بخش تعاون نیز باید آگاه باشند که بخشی از فرآیند گسترش و توسعه تعاونی‌ها از طریق تنظیم و منطبق ساختن امور این سازمانها بر اصول و قواعد نهضت تعاونی و قوانین و مقررات شرکتهای تعاونی صورت خواهد پذیرفت. بدیهی است که اگر تعاونی‌ها از اصول و قواعد پیش بینی شده عدول کنند با ضعف عملکرد و حتی شکست مواجه خواهند شد. این امر موجب می‌گردد از منزلت مردمی آنها کاسته شود و در صورت پیشرفت و تشدید، مردم از گرایش به تعاونی‌ها اجتناب کرده و روی گردان خواهند شد.

از آن جا که در هر تعاونی نظارت و بررسی امور به عهده بازرسان است، بنابراین بازرسان در واقع بازوی بخش تعاونی برای گسترش و توسعه تعاونی‌ها

بازرسان شرکتهای تعاونی می‌بایست بنا به ضرورت مسئولیتی که پذیرفته‌اند از قوانین مالیاتی و حقوق کار و بیمه آگاهی نسبتاً کافی (در حدود قوانین حاکم بر فعالیتهای تعاونی‌ها) داشته باشند. آنها برای انجام موفقیت آمیز و بررسی میزان صحت دفاتر و هزینه‌های مالیاتی و نیز وضعیت حقوق و دستمزد و بیمه کارکنان و ... ناچارند از اطلاعات لازم برخوردار باشند.

نیز محسوب خواهند شد. به این دلیل سازمانهای مسئول بخش تعاون می‌بایست در زمینه آموزش و توجیه وظایف، بازرسان را حمایت کنند. تهیه نشریه‌های خودآموز، تنظیم و چاپ دستورالعملهای بازرسی، کلاسهای توجیهی، آموزش و ملاقات فردی یا گروهی، گروههای آموزشی و ... از جمله راهکارهای آموزشی مناسب برای بازرسان تعاونی‌ها می‌باشد که می‌توان به نحو مقتضی از آنها استفاده نمود.

کارکردهای بازرسان

بازرسان شرکتهای تعاونی باید به این امر توجه داشته باشند که اعضا آنان را صرفاً براساس سوابق اجتماعی و فعالیتهای خیرخواهانه، شخصیت مطلوب و مؤثر، صداقت، امانت داری، توانایی احقاق حق و ... به عنوان نمایندگان خود انتخاب کرده‌اند تا اختیارات خود را در زمینه نظارت بر کار هیأت مدیره و امور تعاونی به آنها واگذار و تفویض کنند. بنابراین نباید امر به بازرسان مشتبه شود و خود را یک تاز عرصه شرکت تعاونی تصور کنند و به این ترتیب، هرگز درست نیست که خارج از وظایف و محدوده مسئولیتهای خود گام بردارند و در هر امری یا فعالیتی به نحو نابجا و غیر کنترل شده دخالت کنند و یا آن که خود را حاکم بی‌چون و چرا و ناظر بر همه امور بدانند. بازرسان مؤثر و موفق

افرادی هستند که از فروتنی و خضوع، قوانین و مقررات، نظم و انضباط، وظیفه شناسی، احساس مسئولیت، پیشنهاد و انتقاد سازنده، احقاق حقوق اعضا، امانت داری، حفظ شخصیت و حرمت تعاونگران و ... غافل نمی‌شوند. آنان این عوامل و عناصر پسندیده و مؤثر در بازرسی مطلوب شرکتهای تعاونی را در فرآیند وظایف خویش دقیقاً مورد توجه قرار می‌دهند و بر اساس آنها به نظارت و دفاع از حقوق اعضا می‌پردازند.

به طور کلی بازرسان شرکتهای تعاونی برای اجرای صحیح وظایف خویش باید نکات عمده ذیل را دقیقاً مورد توجه قرار دهند:

۱- قانونگرایی

از شاخص‌ترین وظایف بازرسان نظارت دقیق بر فعالیتهای شرکت تعاونی زیربند بر پایه قوانین، اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی است. از آنجا که هر بازرس در واقع کار قضاوت بر نحوه اجرای امور را به عهده دارد، می‌بایست کوشش کند از قضاوت عجولانه و بر پایه سلیقه شخصی پرهیز کند و ملاک و معیار را تنها قوانین، اساسنامه، دستورالعملها و مصوبات مجمع عمومی بداند.

۲- تأمین نیاز اعضا

بازرسان باید کوشش کنند جریان فعالیتهای شرکت تعاونی را در راستای تأمین نیازهای واقعی اعضا ارزیابی کنند. بدیهی است فلسفه وجودی شرکتهای تعاونی تأمین نیازهای اعضا آن می‌باشد. اگر هر تعاونی از این موضوع غافل شود، دیگر ماهیت تعاونی به خود نخواهد گرفت. پس یک وظیفه اساسی بازرسان آن است که تلاش کنند فرآیند امور تعاونی در جهت تأمین نیازهای اصلی و واقعی اعضا هدایت شود.

۳- جلوگیری از لغزشها

بازرسان شرکتهای تعاونی باید یکی از مهم‌ترین وظایف خود را پیشگیری از لغزشها و اشتباهات احتمالی هیأت مدیره بدانند. طبیعتاً در هر سازمان یا گروهی، اشتباهات، لغزشها و تخلفاتی صورت

می‌گیرد. اما، بازرسان به این منظور انتخاب شده‌اند که از هر گونه ناهنجاریهای مالی، حقوقی و قانونی جلوگیری کنند. بنابراین باید با نگاهی تیزبین، واقع بینانه و قانون مدارانه امور و فعالیتها را تحلیل و بررسی کنند و لغزشها و تخلفات احتمالی را در بدو امر به مدیران و اعضاء اطلاع داده تا از تشدید و پیشروی آن جلوگیری به عمل آورند.

۴- آگاهی از تصمیمات

بازرسان شرکتهای تعاونی برای اجرای بهتر و دقیق‌تر وظایف خود می‌بایست از وضعیت برنامه‌ها، فعالیتها و فرآیند تصمیم‌گیری مدیران، آگاهی کامل داشته باشند. بدیهی است چنانچه از تصمیمات مطلع باشند، خواهند توانست با شناخت، آگاهی و آمادگی بهتری به نظارت امور بپردازند. به این ترتیب آنان باید شرکت فعال و مستمر در جلسات هیأت مدیره را یکی از وظایف خویش تلقی کرده و این امر را در برنامه فعالیتهاى خود منظور کنند.

۵- مطالعه صورتحساب

گاهی بازرسان شرکتهای تعاونی به هر دلیل که تصور شود نمی‌توانند در برخی جلسات هیأت مدیره شرکت کنند. در چنین وضعیتی می‌بایست لااقل تصمیمات و صورت جلسات هیأت مدیره را به طور مستمر مطالعه کنند تا با آگاهی از اطلاعات مربوطه و تصمیمات اخذ شده، فرآیند نظارت و کنترل امور را بهتر و دقیق‌تر انجام دهند.

۶- ارائه انتقاد و پیشنهاد منطقی

بازرسان شرکت تعاونی ضمن رعایت اخلاق و آداب اجتماعی، نباید روحیه محافظه کارانه داشته باشند. آنان باید به نحوی اصولی و منطقی و دلسوزانه درباره فعالیتها یا تصمیمات اخذ شده که به نفع اعضاء تعاونی نیستند یا با اصول و مقررات مغایر باشند، تذکر دهند. آنان باید مطمئن باشند اعضاء هیأت مدیره همانند سایر انسانها بر پایه استدلال و منطق پیشنهادات و انتقادات را خواهند پذیرفت. ضمن آن که در این صورت است که اعضاء تعاونی و نهادهای قانونی و مسئول نیز

همواره حامی و پشتیبان بازرسان خواهند بود.

۷- تأمین منافع اعضاء

بازرسان شرکتهای تعاونی تبعیت امور از مقررات و تأمین صلاح و صرفه اعضاء را نباید با هیچ امتیاز، منفعت و یا هر گونه مصلحت‌گرایی عوض کنند. آنان هرگز نباید از ضوابط و مقررات عدول کنند و عدم رعایت آنها را از سوی هیأت مدیره با دیده اغماض بنگرند. بازرسان باید به این امر آگاه باشند که اعضاء آنها را برای حفظ و تأمین خواسته‌ها و منافع خود انتخاب کرده‌اند، پس باید تلاش خود را جهت تحقق آن به نحو مناسب به کار گیرند.

۸- بررسی حسابها و دفاتر

بازرسان حافظ منافع اعضاء و در واقع موکلین خود خواهند بود. از این رو می‌بایست امور مالی و حسابهای تعاونی زیربط را همواره کنترل و بررسی نمایند و در صورت لزوم هزینه‌های بی مورد را به هیأت مدیره گوشزد کنند و از اعمال هزینه‌های گزاف که عوایدی را نصیب اعضاء نخواهند ساخت، جلوگیری به عمل آورند.

۹- اطلاع رسانی به اعضاء

بازرسان در واقع پل ارتباطی بین اعضاء و مدیران شرکت تعاونی می‌باشند. پس یکی از وظایف آنها اطلاع رسانی نتایج بازرسی‌های خود از امور تعاونی و فعالیتهاى هیأت مدیره به اعضاء خواهد بود. اعضاء بر پایه اطلاعات اخذ شده از سوی بازرسان قادر خواهند شد در مجامع اظهار نظر، پیشنهاد و انتقادات منطقی و آگاهانه ارائه کنند و مدیران تعاونی را برای تأمین خواسته‌های منطقی خود متقاعد سازند.

۱۰- رسیدگی به شکایات اعضاء

به موجب اساسنامه شرکتهای تعاونی یکی از وظایف اساسی بازرسان رسیدگی به شکایات و درخواستهای اعضاء در فاصله بین تشکیل دو مجمع عمومی است. از این رو، بازرسان باید با گوش شنوا و روی خوش به استقبال شکایات اعضاء بروند و آنها را تا کسب نتیجه پیگیری کنند.

بدیهی است بازرسان هر شرکت تعاونی باید بدانند شکایاتی را که مورد رسیدگی قرار می‌دهند، می‌بایست در چارچوب قوانین و مقررات، اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی باشد.

یکی از راهکارهای رسیدگی به شکایات اعضاء در صورتی که در چارچوب مقررات مزبور نباشد، آموزش و ملاقات است. بازرسان از این راه فرد یا افراد شاکی را قانع کرده و متقاعد می‌سازند که شکایت آنها بی مورد است.

۱۱- بررسی گزارشات مالی

بازرسان شرکتهای تعاونی باید آگاه باشند که تراز نامه سالانه و عملکرد مالی شرکت تعاونی زیربط را که مدیران تعاونی برای ارائه گزارش مالی به مجمع عمومی آماده کرده‌اند. قبل از تشکیل مجمع به نحوی دقیق مطالعه و مورد رسیدگی قرار دهند. در این صورت برای گزارش بررسی‌های خود در مجمع عمومی آمادگی لازم را خواهند داشت و هر گونه انتقاد و پیشنهادی در زمینه مزبور دارند به نحوی منطقی به اطلاع اعضاء خواهند رساند و درباره صورت حساب دوره عملکرد و حسابهای سود و زیان و تراز نامه و ... نارسائیهای احتمالی را گوشزد کرده و از فعالیتهاى مالی صادقانه آنها در حضور اعضاء قدر دانی به عمل می‌آورند.

۱۲- ارائه گزارش مالی

بر طبق مقررات، تصویب گزارش مالی ارائه شده از سوی هیأت مدیره در مجمع عمومی بدون استماع گزارش بازرسان، جنبه قانونی نخواهد داشت. در غیر این صورت تصویب مزبور از درجه اعتبار ساقط است. متأسفانه در برخی از مجامع عمومی این امر از سوی بازرسان، مدیران یا اعضاء مورد غفلت قرار می‌گیرد و برای گزارش بازرسان اهمیت لازم را قایل نمی‌شوند. بنابراین بازرسان تعاونی‌ها باید در این زمینه حساسیت لازم را نشان دهند و با آگاهی و تسلط کامل هیأت مدیره و اعضاء را توجیه کنند.

۱۳- حضور در صحنه فعالیتها

بازرسان می‌بایست از این امر آگاه

باشند که یکی از وظایف آنها بررسی کیفیت و نحوه اجرای وظایف از سوی مدیر عامل، حسابدار، فروشندگان، انبار دار و ... است. برای این کار آنان باید با حضور مستقیم و غیر مستقیم خود در جریان فعالیتهای تعاونی از نزدیک کار این کارکنان را مشاهده و بررسی کنند. در واقع شرکت فعال بازرسان در صحنه فعالیتهای تعاونی یک الزام اساسی است.

گرچه نظارت بر کار کارکنان وظیفه اصلی هیأت مدیره است ولی چون معمولاً این مورد گاهی از سوی آنها نادیده گرفته شده و یا به فراموشی سپرده می شود، بنابراین بازرسان می توانند بر کار کارکنان نظارت کرده و موارد ضعف و قوت هر یک را مستقیماً به هیأت مدیره تذکر دهند.

۱۴- دعوت تشکیل مجمع عمومی

بازرسان در صورت مشاهده هر گونه تخلف، اشتباه یا تغییر غیر عادی که اختلال جدی را در روند رو به گسترش شرکت تعاونی متبوع خود موجب شوند، می بایست سریعاً جهت رسیدگی به مورد اتفاق افتاده پیشنهاد تشکیل جلسه مجمع عمومی را نموده تا در این مجمع مسأله پیش آمده را مطرح کرده و با همکاری اعضاء راه حل لازم را بررسی و انتخاب کنند.

۱۵- برخورد یکسان با نقاط ضعف و قوت

بازرسان باید در فرآیند بازرسی امور دو نکته مهم ذیل را مورد توجه جدی قرار دهند:

الف - صرفاً به دنبال نقاط ضعف، اشتباهات، تخلفات و ... نباشند، بلکه ضروری است به موازات آن نقاط مثبت و قوت، فعالیتهای صادقانه و ارزشمند، نوآوری و دیدگاههای مثبت و مؤثر هیأت مدیره، کارکنان و حتی اعضاء را مورد بررسی و توجه قرار دهند و موجبات تشویق افراد را در جلسات هیأت مدیره یا مجمع عمومی فراهم سازند. در واقع بازرسان که مسئول نظارت و قضاوت امور هستند باید جنبه های ضعف و قوت را با هم مورد نظر قرار دهند.

ب - هر بازرس تعاونی باید این نکته با



اهمیت را نیز هرگز فراموش نکند که گرچه یک تخلف، اشتباه، قصور و کوتاهی آسان است. اما اثبات و استدلال آن به مراتب بسیار مشکل تر خواهد بود. چنان چه در مجامع عمومی و یا جلسات هیأت مدیره مشکلی را که مشاهده کرده، مطرح می سازد باید با استدلال و منطقی از آن دفاع کند و گرته موجب بی اعتباری وی در نزد مردم و اعضاء خواهد شد. حتی ممکن است او را از این مسئولیت عزل کنند. در برخی موارد نیز احتمال دارد ادعاهای وی به نوعی هتک حرمت تلقی شده و کار به مراحل قانونی پیچیده منجر شود.

بدیهی است عدم رعایت دو نکته فوق نه تنها به نفع بازرسان نیست، بلکه ممکن است موجب ظهور برخی درگیریها و اختلافات، از بین رفتن یا کاهش شأن تعاونی در بین مردم و فراهم شدن بستری برای شکست یا حتی انحلال تعاونی شود.

۱۶- توجه به هزینه های جاری

بازرسان می بایست درباره هزینه های جاری حساسیت بیشتری نشان دهند.

هزینه های پرسنلی مربوط به کارکنان، مانند: حقوق، دستمزد، اضافه کار، فوق العاده مأموریت و ... باید بر پایه مقررات و نیز مصوبات مجمع عمومی باشد. پرداخت بیش از آن که با بودجه مصوب همخوانی ندارد، یا موجب ایجاد توقعات غیر منطقی بعدی می شود، موجب بر هم زدن اوضاع تعاونی در آینده خواهد شد. بنابراین بازرسان باید این گونه امور را بررسی کنند و هر گونه تخلف یا زیاده روی را به هیأت مدیره تذکر دهند. همچنین به کارگیری کارکنان جدید باید از جنبه های دستمزد، تخصص، تحصیلات، صلاحیت اخلاقی و ... تحت کنترل و بررسی بازرسان قرار گیرد و به آن اهمیت دهند.

۱۷- جامع نگری

بازرسان باید به شیوه ای جامع به مسائل بنگرند. هر گونه مسأله ای را که در جریان امور شرکت تعاونی مشاهده می کنند، باید به عنوان رخدادی که با سایر اجزاء، عناصر و رویدادهای شرکت تعاونی در ارتباط می باشد و با یکدیگر رابطه علت و معلولی دارند، تلقی کنند. در واقع شرکت تعاونی را به مثابه یک سیستم (نظام) که تشکیل شده از اجزاء و عناصر به هم پیوسته بدانند و هر نارسایی یا مشکلی را به طور مجرد بررسی نکنند.

۱۸- توجه به وضعیت اجناس

شرکتهای تعاونی در هر دوره مالی نسبت به فعالیتهایی مانند: موجودی گیری، انبار گردانی و ... اقدام می کنند تا بتوانند با مشخص کردن کالاها و محصولات موجود در تعاونی، میزان سرمایه را تعیین کنند و بتوانند گزارش مالی دقیق را تدوین نمایند. بازرسان وظیفه دارند تا در کلیه مراحل مزبور نظارت و بازرسی لازم را به عمل آورند تا از وضعیت کالا و محصولات و اجناس از ابعاد کمیت و بیلان و نیز کیفیت نگهداری اطلاعات لازم را کسب کنند. همچنین قادر شوند درباره گزارش مالی، تراز و بیلان ارائه شده از سوی هیأت مدیره اظهار نظر دقیق و منطقی داشته باشند.

داشته باشد. در بخش احکام، قرآن کریم پس از پرداختن به احوال شخصی، معاملات، عبادات و ... به احکام اجتماعی و احکام کلی پرداخته است که با مطالعه آن می‌توان راه بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع کنونی را حل نمود زیرا طبق آیه ۱۶ نحل می‌فرماید:

و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء»

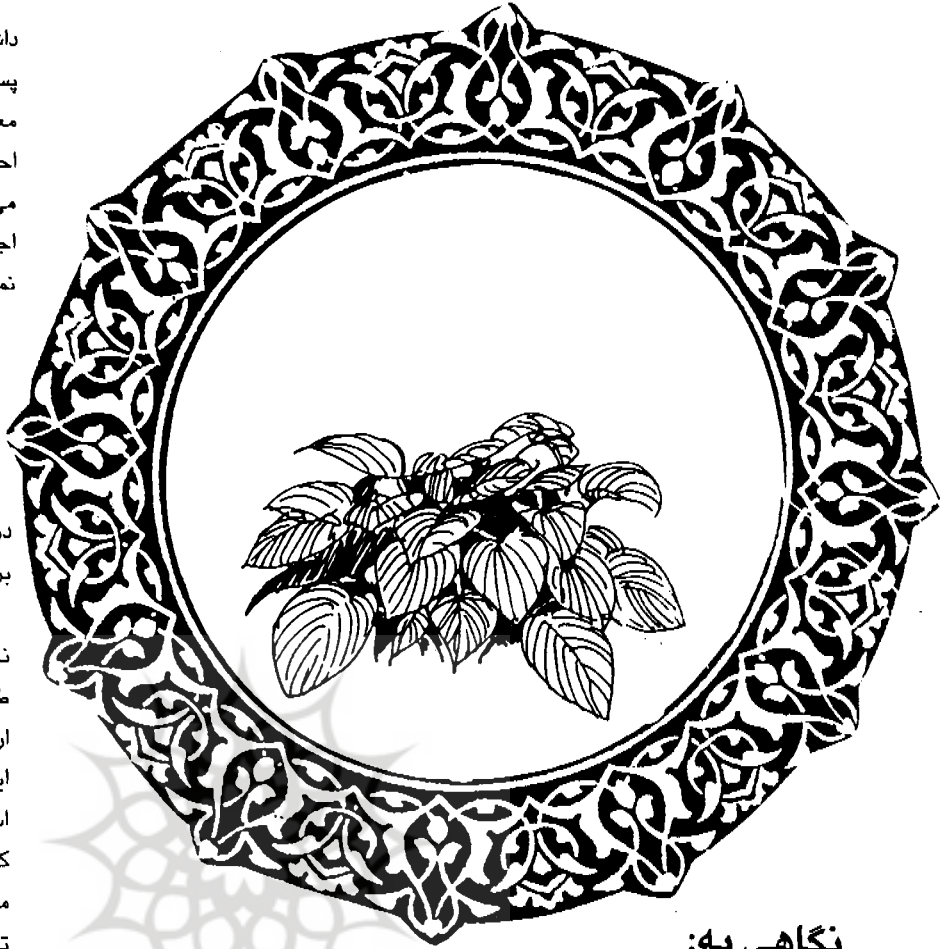
و نازل کردیم کتاب را بر تو تا هر چیز را بیان کند

لذا در این راستا بنا داریم امر مشارکت در راستای اهداف قرآن مورد غور و بررسی قرار دهیم:

۲- انسان مدنی الطبع است به همین دلیل ناگزیر از قبول حمایت اجتماعی است یعنی طبیعتاً برنامه زندگی انسان‌ها بر اصل ارتباط و وابستگی مبتنی شده است و لازمه این ارتباط به کار گرفتن همه استعدادها و استقرار نظام تابع و متبوع است البته آن چه که در نظر ما به صورت حاکمیت و محکومیت تجلی پیدا می‌کنند در حقیقت تعاون و همکاری است. تنها تعاون در ابراز عمل نیک متجلی می‌گردد و در قرآن کریم خداوند به تعاون در راه نیکوکاری و پرهیزکاری امر کرده است و از همدستان شدن در راه گناهکاری و عدوان نهی فرموده است.

«و تعاونوا على البر والتقوى و لا تعاونوا على الاثم والعدوان» (۳ مائده)

ملاحظه می‌گردد تعاون نیز یکی از اصول اولیه مشارکت است و اگر تعاون در جهت خیر و نیکوکاری باشد با خصلت و طبیعت انسانی سازگاری دارد. چنانچه مختصات جلب مشارکت و یا عوامل جلب مشارکت را در صفحه‌ای ترسیم کنیم با تعاون و همفکری می‌توان به اوج خود می‌رسد که توأم با تعاون و همفکری باشد. از آنجائیکه ریشه تعاون از عون به معنی یاری و یا خوبی و احسان می‌باشد خداوند نیز بزرگترین احسان کننده و خوبی کننده است زیرا می‌فرماید:



نگاهی به:

دیدگاه‌های قرآن کریم

درباره مشارکت

● سعید دلیر

۱- قرآن کریم که از طرف خداوند در طی ۲۳ سال بر قلب تابناک و شریف حضرت محمد خاتم النبیین نازل گردیده است برای تبلیغ احکام و وعظ مردم در جهان، شفا و رحمت مؤمنان، آگاه کردن ستمکاران، اجرای قسط و عدالت اجتماعی، دادن بشارت به نیکوکاران، ترساندن بدکاران به خسران دنیوی و عقوبت اخروی و ... بوده است تا راه سعادت را برای همه روشن نماید و اقوام مستعد را به زیور علم و حکمت آراسته گرداند. از همه مهم‌تر قرآن کتابی است که به همه حوائج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان جوابگو می‌باشد. هر جامعه‌ای که به آن عمل کند پیرو نظام استوار می‌شود و می‌تواند در پرتو آن نظام نیل به مقاصد عالیه را با اطمینان خاطر پیش بینی کند و با اجرای سیاست‌های پیش بینی شده بر دیگر جوامع سیادت و برتری

۱- قرآن کریم که از طرف خداوند در طی ۲۳ سال بر قلب تابناک و شریف حضرت محمد خاتم النبیین نازل گردیده است برای تبلیغ احکام و وعظ مردم در جهان، شفا و رحمت مؤمنان، آگاه کردن ستمکاران، اجرای قسط و عدالت اجتماعی، دادن بشارت به نیکوکاران، ترساندن بدکاران به خسران دنیوی و عقوبت اخروی و ... بوده است تا راه سعادت را برای همه روشن نماید و

و احسن كما حسن الله اليك

«۷۷ قصص»

ملاحظه می‌شود در نظام مشارکتی جنبه‌های شرعی همکاری و تعاون به جنبه‌های مقرراتی و قانونی آن تفوق دارد. ۲- در نظام مشارکتی از اشتباهات به جا مانده از مشارکت به عنوان تجربه استفاده می‌کنند وقتی اشتباهات حادث می‌شود مقصر دانستن را کنار می‌گذارد و از اشتباه پند می‌گیرند کما این که به موجب آیه صدو شصتم از سوره انعام می‌فرماید:

من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون «جزای انسان ده برابر ولی کیفر سیئه از حد معادل آن تجاوز نمی‌کند». ملاحظه می‌شود این نظام الهی شایسته‌ترین نظامی است که باید در جامعه حکمفرما شود بدین معنی نظام‌های مشارکتی بیشتر در مقام تشویق صالحان برآیند و پاداش را به کیفر مقدم دارند و از کیفر به عنوان یک عامل پیشگیری از بدبیا استفاده نمایند. اجرای این امر باعث رشد و اعتلای سازمان و تشکیلات جوامع بشری می‌گردد. اصولاً سازمان و تشکیلات به امور باید به طوری نظارت داشته باشد که بدی حادث نگردد و راههای بروز بدی، گناه و اشتباه به نحو مقتضی باید سد گردد.

۴- در نظام مشارکتی در جامعه اسلامی تلاش انسان در سایه «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (۱۰۲ آل عمران) می‌باشد. ۵- خداوند در آیه ۲۹ سوره بقره می‌فرماید:

هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعاً آنچه در زمین است برای شما آفریده شده است. یعنی همه مواهب برای استفاده از این منابع خدادادی است و صرفاً بشر در سایه مشارکت می‌تواند از این منابع و امکانات خدادادی استفاده نماید. و یا می‌فرماید:

يا ايها الذين امنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم و اشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون ای مؤمنان از طیبیاتی که به شما روزی داده‌ایم بخورید و خدای یکتا را سپاسگزار

باشید اگر تنها او را می‌پرستید. «۱۷۲ بقره»

و نیز می‌فرماید:

وكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً و اتقوا الله الذي انتم به مؤمنون «مانده»

و یا (و هو الذي سخر لبحر ليا كلوا آمنه لهما طيباً) و یا (الله الذي سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بامر و لتبتغوا من فضله لعلكم تشكرون) «۱۲ جائیه»

و سخر لكم و ما في السموات و ما في الارض جميعاً منه ان في ذالك لايات لقوم يتفكرون.

آسمانها و آنچه که در زمین است جمعاً در اختیار بشر است باید از آن بهره بگیرند که آیات بیشماری در قرآن کریم وجود دارد می‌فرماید که آسمانها و زمین و دریاها را در اختیار ابناء بشر قرار گرفته تا از مواهب آن بهره برداری نمایند ابناء بشر بدانند از همه این مواهب بهره و نصیبی دارند زیرا می‌فرمایند:

لا تنس نصيبك من الدنيا (نصیب خود را از دنیا فراموش نکن) در سایه مشارکت دسترسی به این مواهب امکان‌پذیر خواهد بود.

همان طوری که متذکر گردید اگر ابناء بشر متوجه هدف از خلقت خود در این جهان نباشد طراحی امر مشارکت با معذوراتی مواجه است. یعنی طبق آیات قرآنی باید بدانیم که در این جهان سهم و بهره‌ای داریم. جهان کنونی را برای خود باید به صورت بهشتی در آوریم از آن چه مطابق میل و رغبت ماست استفاده نماییم (یسنلونک ماذا اهل لهم قل اهل لكم الطيبات، از زیور آلات استفاده نماییم) (تستخر چون حلیه تلبسونها) «۱۲ فاطر» از مواهب زمین، دریا،

آبها باید استفاده نماییم زیرا خداوند آنها را در تسخیر ابناء بشر قرار داده است. اگر انسان دستورات خداوند را اجرا نماید، اجتماعی باشد و برای اجتماع کار کند در حقیقت نفع اجتماعی را به نفع شخصی ترجیح دهد، به احکام الهی عمل کند تا روزی فراوان داشته باشد، در عمران و آبادانی تلاش نماید، در احیاء مزارع و احیاء نسل همت گمارد، برای ریشه کن کردن فساد

اقدام نماید، آنچه روی زمین حلال و طیب است استفاده نماید، از امکانات زمین و منابع آن بهره برداری داشته باشد و از امکانات دریا استفاده داشته باشد و ... رسیدن به آنها در سایه تعاون و همفکری و مشارکت امکان‌پذیر است و اگر همه آحاد هدفمند به سوی اهداف فوق حرکت نمایند جائی برای منکر باقی نمی‌ماند جالب این که انجام امر به معروف و نهی از منکر در آیین مقدس اسلام صرفاً یک کار جمعی است و تحقق آن در سایه مشارکت امکان‌پذیر است زیرا در کلیه آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر همواره انجام این فرضیه به صورت جمع آورده شده است و در سایه تعاون و همفکری و مشارکت و یکپارچگی است که مسلمانان می‌توانند توفیق اجرای این مسئولیت مشترک را داشته باشند.

آیات ۱۱۰، ۱۰۴ و ۱۱۴ آل عمران و ۴۱ حج همین مسئله را تأیید می‌کنند.

براساس آیه هفتاد از سوره بنی اسرائیل که حاکی از کرامت نوع انسانی است این نوع عالی در زمین خلافت الهی یافته و فرزندان آدم صفاً الهی معرفت یافته است و در بر و بحر حرکت می‌کند و از طیبات رزق مادی و معنوی دارد بر بسیاری از آفریدگان برتری و تفصیل دارد.

(و لقد کرما بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر رزقناهم من الطيبات و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً) «۷۰ بنی اسرائیل» و به بهترین صورت خلق گردیده است (و لقد خلقنا انسان فی احسن التقویم) «سوره والتین» و دارای حکمت است. (یؤتی الحکمه من یشا و من یؤتی الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً) «۲۶۹ بقره»

خود باوری در انسان زمینه را برای انجام کارهای مشارکتی جلب می‌نماید اگر انسان نتواند در سایه مشارکت از این مواهب استفاده نماید دچار فقر و تنگدستی می‌گردد و هر جا که فقر باشد شیطان هم در آنان حضور دارد طبیعی است مفسد فردی و اجتماعی هم حضور دارند. (الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء و الله یعدکم مغفرة منه و فضلاً و الله واسع علیم) «۲۶۸ بقره» برای این

که دولتها برای مقابله با فسادهای اجتماعی و فردی درگیر نباشند در سایه استفاده از این مواهب می‌بایستی زمینه‌های فقر را در جامعه از بین برد.

فقر و مشارکت با هم سازگاری ندارند و باید گفت که نسبت عکس به هم دارند.

۶- در قرآن کریم از بهشت موعود توصیف شده است گرچه در نظر اول وصف بهشت مبین اجر اخروی اعمال نیک ماست ولی از نظر دوم جنت از آن جهت است که ما در این جهان برای خود بهشتی به وجود آوریم.

در فراوانی ارزاق بکوشیم، وسایل آسایش جسمانی و آسایش خاطر برای همه فراهم سازیم و با ایمنی و دوستی در کنار هم زندگی کنیم. انجام این کار جز عمل به احکام الهی و در سایه مشارکت امکان پذیر نخواهد بود.

۷- در نظام مشارکتی رقابت جای خود را به همکاری می‌دهد ولی اسلام بالاتر از این، به موضوع نگریسته است زیرا می‌فرماید: یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (آیه ۹ حشر) آنچه را که دوست دارند ایثار می‌کنند در این صورت بخل، حسد، آن، طمع که مادر بسیاری از مفاسد اجتماعی است از بین می‌رود لذا در سازمانهای مشارکتی برای اعتدای اهداف سازمان لازم است کارگزاران زمینه‌های رشد ایثار را فراهم آورند. این آیه اجتماعی فکر کردن، تعاونی فکر کردن و مصداق کامل امر به معروف می‌باشد و لو اگر تنگ دست باشیم دیگران را به خود ترجیح دهیم در این صورت مفاسد اجتماعی به پایین‌ترین حد خود تنزل پیدا خواهد کرد. اگر سعادت خواه همگان باشیم و تنها برای رفاه خویش تلاش نداشته باشیم ... زمینه‌های رشد نظام مشارکتی برای انجام امور بیشتر فراهم می‌گردد.

۸- در نظام مشارکتی مجموعه انسانها، باید دست به دست هم بدهند اعم از انسانهای خوب و یا بد، زشت، زیبا، دارا، ندار ... زیرا طبق قانون اسلام می‌توان

افرادی که بنحوی دچار مشکلات اجتماعی می‌باشند در مسیر جریان صحیح قرار داد و از آنها انسانهای پاک ساخت. چنانچه در شرع مقدس برای تطهیر اشیا نجس آنها را از بین نمی‌بریم بلکه به آب کر داخل می‌نمائیم و یا به منبع جاری پیوند می‌دهیم تا آنها را پاک سازیم. جلب انسانها به امر مشارکت، قرار دادن آنان در جریان صحیح یکی از همین روشهاست و اصل ۱۹ قانون اساسی ج ۱۱ هم بر این امر تأکید دارد مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند و بر اساس اصل ۲۰ این قانون مورد حمایت قانون قرار دارند و به موجب اصل ۲۷ اصل بر برائت خواهد بود.

۹- همان طوری که در نظام مشارکتی هر کس نسبت به اعمال خود مسئول است و مسئولیتی هم بابت اعمال دیگران به عهده اوست مصداق کامل آیه (واتقوا الله الذی تسألون به والارجام) «آیه ۱ نساء». در این آیه شریف انسانها از نفس واحد معرفی و با مسئولیت مشترک می‌باشند.

زیرا تساوی بر وزن تفاعل مشعر بر باز خواست از یکدیگر می‌باشد و همه در مقابل هم مسئول می‌باشند و مسئولیت مانند نظام و تشکیلات متمرکز در اختیار گروه خاصی نیست و مسئولیت متوجه همه می‌باشد و مشترک خواهد بود.

۱۰- در نظام مشارکتی همه اقدامات برای تحصیل رضا و اجرای اوامر الهی انجام می‌پذیرد.

قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی «۲۶ سبأ»

۱۱- برای تحکیم نظام مشارکتی باید از تسهیلات استفاده بنماییم نه با تضییعات زیرا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: (یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر) «۱۸۵ بقره» خداوند برای شما آسانی می‌خواهد نه سختی و عسرت.

۱۲- در نظام مشارکتی نباید در قالب رسیدن به اهداف و موهبت‌هایی که خداوند معین فرموده است اعمال یکدیگر را باطل کنیم. (لا تبطلوا اعمالکم) «۲۲ محمد»

همان طوری که عنوان گردید در نظام مشارکتی به پیروی از احکام عالیه اسلام از اشتباهات صرفنظر نکرده بلکه از آن به عنوان یک عامل سودمند پند می‌گیریم تا دیگر دچار اشتباه نشویم و در این صورت اشتباهات به حداقل شکل ممکن خود خواهد رسید اگر مدیری می‌رود و به جای آن مدیری می‌آید مدیر جدید اعمال مدیر قبلی را تخطئه نمی‌کند بلکه او را تأیید و اقدامات مفید او را تأیید و از اشتباهات آن به عنوان ارزشهای سومند در جهت اصلاح امور استفاده خواهد نمود.

و در جای دیگر می‌فرماید:
یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین «۲۰۸ بقره»

ای مؤمنان همگی «در سلم و صلح و صفا در آید و با هم به مسالمت و با سلامت نفس زندگی کنید و از گامهای شیطان پیروی نکنید زیرا شیطان آشکارا دشمن شماست و نظام مشارکتی در صورتی اقدامات آن قرین موفقیت خواهد بود که سلم و صلح و صفا در آن حاکم باشد»

دین مبین ما اسلام است و ما به افتخار مسلم نایل گردیده‌ایم در حدیث نبوی مسلم کسی را معرفی می‌کنند که مردم از دست و زبان او به سلامت باشند یعنی از مسلمانان نباید بدون حق به هیچ فردی از افراد آدمی آزار وارد آید.

۱۲- همان طوری که در نظام مشارکتی داشتن اطلاعات و دسترسی به منابع آن از ضروریات می‌باشد در اسلام تأکیدات زیادی به داشتن علم و آگاهی گردیده است. اولین آیه‌ای که به پیامبر گرامی ما نازل گردید فرمود: (الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم) در اولین آیه سه مرتبه به کلمه علم تأکید گردیده است و در آیه نهم سوره زمر، می‌فرماید: آیا آنهایی که می‌دانند و نمی‌دانند با هم مساوی هستند دانستن و آگاهی داشتن بستر مشارکت را هر چه بیشتر هموار می‌کند. به همین دلیل است که در نظام مشارکتی خود مورد آموزش قرار

مجله / شماره ۹۹ / آذر ۹۸ / ۲۰

اگر انسان دستورات خداوند را اجرا نماید، اجتماعی باشد و برای اجتماع کار کند در حقیقت نفع اجتماعی را به نفع شخصی ترجیح دهد، به احکام الهی عمل کند تا روزی فراوان داشته باشد، در عمران و آبادانی تلاش نماید، در احیاء مزارع و احیاء نسل همت گمارد، برای ریشه کن کردن فساد اقدام نماید، آنچه روی زمین حلال و طیب است استفاده نماید، از امکانات زمین و منابع آن بهره برداری داشته باشد و از امکانات دریا استفاده داشته باشد و... رسیدن به آنها در سایه تعاون و همفکری و مشارکت امکان پذیر است.

می‌گیریم به موجب مسئولیتی که نسبت به دیگران داریم آموزش می‌دهیم.

بنیانگذاران نظام مشارکتی آموزش اعضا به یکدیگر را به عنوان یک اصل قرار داده‌اند در صورتی که در آیه ۱۲۲ سوره توبه می‌فرمایند: (فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم یحذرون) «چرا از هر گروه عده‌ای به مراکز علمی اعزام نمی‌شوند تا فقه دینی بیاموزند و به جانب قوم خود بازگردند و آنان را انداز کنند تا قوم وابسته به آنها از ارتکاب که متضمن خطرهایی بزرگ برای فرد و اجتماع است بر حذر شوند»

و به حکم آیه ۶۰ از سوره انفال ما مکلف هستیم خود را مجهز به همه قوای مادی و معنوی بنماییم همان طوری که فردی به مراکز علمی اعزام می‌شود و از امکانات جامعه خود بهره ور می‌شود به اجتماع خود دین مسلم دارد که آنچه آموخته است اجتماع خود را مورد آموزش قرار دهد در این صورت فرد و اجتماع به تکامل می‌رسد و در قرآن کریم به رفع رذایل و پرورش فضایل (تزکیه) تأکید شده است و شان تعلیم آن اندازه اهمیت دارد که ذات احدیت قرآن را به موجب نخستین آیه از سوره الرحمن خود بر عهده گرفته است. بنابراین نخستین معلم خداست و در درجه دوم پیامبران. آنکس که کار معلمی انجام می‌دهد کار خدا را انجام می‌دهد کار خدا و پیغمبر گونه است. البته تنها فرا گرفتن اصول دین به نحو استدلالی و شناختن اجمالی فروع و مبانی اخلاقی اسلام بر همگان واجب عینی است و یاد گرفتن باقی علوم واجب کفایی می‌باشد.

۱۲- عالی‌ترین صورت نظام مشارکتی در اسلام وجود دارد زیرا همه مسلمانان از مساوات کامل بر خوردار بودند کما این که «ابن ام مکتوم» صحابی نابینا به حضور پیامبر گرامی مشرف شد چون حضرتش با بزرگان قریش گفتگو داشته و به او دیر توجه شد گویا یکی از صحابه از مزاحمت ابن ام مکتوم و شروع وی به سخن گفتن روی در هم کشید و ابن ام مکتوم تأخیر در توجه را کم اعتنائی پنداشت و آزرده خاطر گردید. درباره این حادثه که خللی جزئی به مساوات اسلام وارد می‌آورد آیه «عبس و تولى» به رسول اکرم نازل گردید. با توجه به تعالیم عالی در نظام مشارکتی فرصت دادن به کلیه اجزاء و اخیراً جامعه مشارکتی مطمح نظر است.

۱۵- در نظام‌های مشارکتی اعضا و آحاد زیر مجموعه آن از منازعات فی مابین برای جلوگیری از حذف نیروهای خود ممانعت به عمل می‌آورند زیرا طبق آیه ۴۶ انفال می‌فرماید:

واطیعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وذهب ربکم (اطاعت کنید خدا و رسولش را و جدال نکنید با هم زیرا نیروی شما از بین می‌رود)

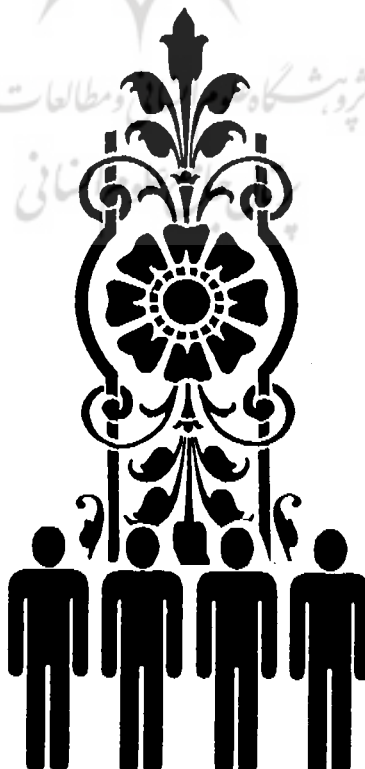
۱۶- همان طوری که فرآیندهای مدیریت در بافت مشارکتی از رگه‌های حیاتی هستند و از عوامل قدرتمند تعیین فرهنگ سازمان محسوب می‌شوند که تعیین کننده راهبردها، برنامه‌ها، اهداف و تصمیم‌ها می‌باشند.

چنانچه برای دست یافتن به عوامل فوق به صورت متمرکز و استبدادی عمل گردد از مشکلات امر مشارکت خواهد بود ولیکن چنانچه به شیوه مشارکتی عمل شود مدیریت‌ها دارای ویژگی خاصی می‌شوند که پیامبر گرامی ما الگوی آن بودند.

الف - مدیران و رهبران برای این که مشروعیت خود را از دست ندهند نباید خود را به مطامع مالی آلوده نمایند. کما این که در سوره «محمد» آیه سی و ششم یکی از خصایص پیغمبر گرامی ما که رهبر مسلمانان جهان است بی طمعی او به اموال مسلمین معرفی شده است.

و لا یستلکم اموالکم (آیه ۲۶ محمد) تا مادامی که بعضی از مدیران تن به مال اندوزی و جمع آوری ثروت ندهند مردم با میل و رغبت در برنامه‌های مشارکتی آنان خود را سهیم می‌نمایند.

ب - مدیران سازمان در مقابل اعضای سازمان و تشکیلات خود از خشونت و



سخت دل بودن باید اجتناب کنند تا از پیرامون آنها پراکنده نشوند و در کارها با آنها مشورت نمایند. کما این که در آیه ۱۵۹ از سوره آل عمران می‌فرمایند:

فَمَا رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا انْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

گرچه پیامبر گرامی چه از جهت خصایص روحی و چه از جهت اتصال وی با مقام احدیت قوه عاقله‌اش در نهایت کمال است و هم رأی و حکم صادر از او صواب و مصلحت کامل را در بر دارد لکن از نظر تألیف قلوب و به منظور ایجاد مسئولیت در افراد مسلمان از جانب خداوند مأمور شده است بایاران خویش در کارها مشورت نماید. این روش نبوی ارشادی برای عموم مدیران است. زیرا مدیر هر قدر وسعت اطلاع داشته باشد بر همه جهات یک واقعه احاطه کامل ندارد و نیازمند به استفاده از اطلاعات دیگران است. به علاوه کسانی که نسبت به موضوعی اظهار نظر می‌کنند و در اتخاذ تصمیمی رأی می‌دهند نتیجه آن را تراویده فکر خود می‌شناسند لذا برای انقیاد آن آماده‌اند و نسبت به اجرای تصمیم اتخاذ شده و به نحو غیر مستقیم مسئولیتی به عهده می‌گیرند.

۱۷- در سوره والعصر (ان الانسان لفی خسر) در پایان آیه بیست و هشتم از سوره نساء (خلق الانسان ضعيفاً) و در آیه سی و پنجم از سوره انبیاء (خلق الانسان من عجل) خلقت انسان در شتاب زندگی است و به موجب آیه نوزدهم تا بیست و دوم از سوره معراج:

ان الانسان خلق هلوعاً اذا مسه الشر جزوعاً و اذا مسه الخير منوعاً (۲۲) نوع انسان در خلقت کم ظرفیت است چون با بدی و سختی رو به رو می‌شود بی تاب است چون خیری به او برسد مانع بهره‌وری دیگران از آن خیر می‌شود و در آیه بیست و نهم در سوره حجر (كلا ان الانسان ليطغى) (۷) ان راه استغنی) انسان طغیانگر است. مخصوصاً در موقعی که بی نیاز می‌شود و خود را بی

نیاز از مدد الهی یا مستغنی از امداد یا معاونت دیگران پندارد. همان طوری که ملاحظه می‌شود که در این بخش از قرآن کریم از انسان تعریف نشده است زیرا انسان در کلیه آیات فوق به صورت مفرد آمده است. وقتی انسان در جمع قرار می‌گیرد و به صورت بنی آدم «اسم جمع» در می‌آید و به صورت نوع عالی موجودات جلوه گر و در زمین خلافت الهی یافته و فرزندان آدم صفتی الهی شده است. آیه ۷۲ از سوره بنی اسرائیل به این امر اشاره دارد.

ولقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر. (انسانها در مشارکت و همدلی کرامت پیدا می‌کنند)

۱۸- همان طوری که مدیران در نظام مشارکتی به زیر مجموعه و یا به افراد فرو دست خود امکان اظهار نظر و مسئولیت می‌دهند آن طرف هم افراد فرو دست نسبت به آنها تکالیفی دارند که می‌بایستی برای حفظ حرمت و بقای تشکیلات از آن فروگذار ننمایند همان طوری که عنوان گردید مدیران با الگو قرار دادن مدیریت و رهبری پیامبر گرامی رهروان و افراد فرو دست را ملزم به رعایت خود می‌کنند.

کما این که در آیه شصت و سوم سوره نور مسأوی داشتن حضرتش با دیگران منع گردیده است اگر مؤمنان را به اجتماع بخواهند هیچ یک از آنان را روا نیست بی‌اذن او مجمع را ترک کند و پیامبر مخیر است که به درخواست کنندگان رخصت خروج

بدهند یا آنان را به بقای در مجمع موظف سازند و در آیه نود و نهم از سوره بقره و آیتین دوم و سوم از سوره حجرات کیفیت مخاطبه و محاوره با پیغمبر اکرم معین گردیده و از نحوه سلوک و تکلمی که احتمال اهانتی در آن باشد نهی به عمل آمده است لذا در جامعه مشارکتی که کلیه عوامل به صورت کارگزار مطرح می‌باشند ملزم به رعایت این مسائل در مقابل مدیران خود خواهند بود زیرا طبق آیه چهل و ششم از

سوره انفال در فرمانبرداری از خدا و پیغمبر منازعات فی مابین برداشته می‌شود و رفع منازعات موجب وحدت کلمه و تقویت جامعه مشارکتی خواهد بود و تنازع مایه ضعف و از میان رفتن نیروی اجتماعی است.

۱۹- نظارت در جامعه و نظام مشارکتی یک تکلیف شرعی است زیرا، دین مبین اسلام به جمعیت و اجتماع بسیار اهمیت داده است با تشریح نماز جمعه و ادای حج در روز معین به تألیف قلوب بین مسلمانان اهمیت این امر روشن می‌گردد «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» (۱۰۳ آل عمران) این اشتراک است و علاوه بر این چنانچه در طوره فاتحه دقت کنیم در می‌یابیم عبادت خود را به صورت جمعی به درگاه خداوند عرضه می‌داریم و استعانت او را برای جمع می‌خواهیم و هدایت همه مسلمانان را به صراط مستقیم از خدای یگانه مسألت داریم با وجود این که در دین مبین اسلام به اجتماع و جمعیت بسیار اهمیت داده است و حتی همان طور که قبلاً عنوان گردید در آیات متعددی که به امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد به صورت جمع آورده شده است که حکایت از این دارد که انجام این تکالیف و نظارت آن در این مهم به وسیله نهاد یا سازمانهای اجتماعی صورت بپذیرد علیرغم این تأکیدات نظارت فردی نیز از دیدگاه ذات مقدس احدیت مکتوم نمانده است.

کما این که طبق آیه ۴۲ از سوره آل عمران خداوند تبارک تعالی حضرت مریم سلام الله علیها که به زنان عالم برتری یافته هنگامی که حضرت زکریا برای کفالت و نگهبانی او انتخاب می‌شود ملاحظه می‌نماید و همه روزه از انواع اقسام اطعمه و اشربه در مقابل حضرت مریم قرار داده شده است با این که حضرت زکریا خود نیز از فرستادگان خداوند تبارک و تعالی بود و حضرت مریم هم به آن صفت نیکو متصف گردیده بود مع هذا حضرت زکریا از حضرت مریم سؤال می‌کنند اینها از کجا آمده است

ایشان می‌فرمایند از جانب پروردگار من است که به هر کس که بخواهد روزی به حساب می‌دهد (سوره آل عمران) از مفاد این آیه مستفاد می‌گردد فردی که تحت کفالت و مراقبت و سرپرستی شخصی قرار دارد او تکلیف دارد نظارت خود را اعمال نماید. درست است که در نظام مشارکتی افراد فرودست به عنوان کارگزار هستند ولی کماکان نظارت افراد فرادست یا مدیران کماکان بر افراد فرو دست و زیر مجموعه خود به قوت خود باقی است. نظارت برای دوام و بسطای سازمان ضروری است. ملاحظه می‌فرمایید علاوه بر نظارت اجتماعی، امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند و نظارت فردی هم مطمح نظر بوده است و حضرت زکریا پیغمبر بوده و علاوه بر حضرت مریم سرپرستی افرادی دیگر را نیز به عهده داشته است. لذا سرپرستان افراد و جوامع مسئول اعمال کسانی هستند که تحت مراقبت و سرپرستی آنان قرار دارند حق دارند سؤال نمایند «اَنی لک هذا» طبیعی است هر قدر این مراقبت‌ها افزایش پیدا کند وظیفه نیروی انتظامی در برخورد با جرائم کمتر می‌شود.

۲۰. کار در نظام مشارکتی: در شرع مقدس اسلام به کار و تلاش عنایت خاص گردیده است و از آن به عنوان ارزش در جهت انطباق با احکام الهی تلقی می‌شود. متأسفانه در جامعه ما به جامعیت آن توجه نمی‌گردد در آیه ۱۰ سوره جمعه که خوشبختانه این آیه را از زبان ائمه جمعه هر هفته می‌شنویم می‌فرمایند:

«فَاذْ قَبِيتِ الصَّلٰوةَ فَاَنْشُرُوا فِی الْاَرْضِ وَاتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ» هنگامی که نماز جمعه تمام شد برای کسب و کار روی زمین پراکنده شوید و از فضل و کرم خداوند روزی طلب کنید.

ملاحظه می‌گردد با این کلام قرآنی تعطیلی روز جمعه هم زیر سؤال می‌رود و به همین دلیل در جامعه اسلامی کار به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود و چنانچه افراد به دنبال کسب روزی حلال بروند

زمینه کار برای آنها فراهم می‌گردد.

۲۱. با این که هدف از خلقت ما پرستش خداوند تبارک و تعالی است، انجام عمل نیک از ابتناء بشر مورد انتظار است. چنانچه برنامه ریزان اجتماع ابتناء بشر را در مسیر خوبی و نیکی که امری ذاتی است هدایت نمایند، بسیاری از مفسدات اجتماعی به حداقل می‌رسد و در جامعه و نظام مشارکتی چنانچه مجموعه به ایثار، خوبی کردن سوق داده شوند جایی برای ایجاد زمینه انحرافات باقی نمی‌ماند و می‌فرماید:

«الذی خلق الموت و الحیوة لیلئکم ایکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور» (۲ ملک) به موجب این آیه میوه درخت زندگانی انسانها خوبی کردن است و تکامل انسانها با احسن عملاً می‌باشد. لذا نظام مشارکتی در جامعه اسلامی با اخلاق اسلامی رونق پیدا می‌کنند. زیرا مجموعه نسبت به یکدیگر ایثار دارند، عمل نیک سر لوحه اعمال آنها است و برای رشد و تعالی این نظام از حرف لغو اعراض می‌کند «۴ مؤمنون» تزکیه نفس و تزکیه مال را همواره مراعات می‌نمایند «۵ مؤمنون» آنان کسانی هستند که همه گونه امانت‌ها و پیمانهای خود را رعایت می‌کنند «۹ مؤمنون» با فروتنی روی زمین راه می‌روند، دچار عجب و تکبر و غرور نمی‌شوند، چون نادانان با ایشان از طریق

جهل گفتگو کنند در پاسخ آنان سلام گویند. ... به دروغ گواهی نمی‌دهند، چون بر لغو بگذرند بزرگوارانه می‌گذرند. ملاحظه می‌گردد با داشتن این آیات کریمه مدینه فاضله و اتوپیای نظام مشارکتی در بطن دین کامل ما نهفته است. چنانچه ما بر آن عمل کنیم مدیران فرادست و فرو دست کلیه هم خود را معطوف به آن نمایند سیادت و برتری اخلاقی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما برای جهانیان محفوظ خواهد ماند. و طبق آیه ۱۸۹ از سوره بقره:

«و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام» (مالهای خود را در میان خود به باطل و بر خلاف حق نخورید.

و یعلمون ما تفعلون «۱۲ انقطار» و در نظام

مشارکتی باید بدانند چه کاری انجام می‌دهند و در نظام مشارکتی برای آدمی جز نتیجه سعی و تلاش خودش چیزی نیست و ثمر کوشش او ولو با فاصله طولانی زمان دیده خواهد شد. و آن لیس للانسان الا اما سعی (۴۱) و آن سعیه سوف یری (۴۲) ثم یجزئه الجزا الا وفی (۳۲ سوره نجم) بر اساس (لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة و ان الله لسمیع علیم) «۲۲ انفال» هلاک و بقای نظام مشارکتی از تبعیت از بینة و انحراف از بینة است. مراد از بینة معروف روشن و مستدل است که داننده آن را با یقین قبول کرده می‌تواند برای دیگران اثبات کند که دانشمندان امروزی به معرفت علمی و معرفت فلسفی تعبیر می‌کنند نقطه اوج مشارکت در این نهفته است: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم «۵۹ نساء» اطاعت کنید از خدا و رسولش و صاحبان امر از خودتان و مردم در نظام مشارکتی که پیرو کسب علم و دانش و اطلاعات می‌باشند از ظن و گمان دوری می‌جویند به دیگران گمان بد نمی‌زنند و بدون دلیل روشن تهمت بر کسی روا نمی‌دارند.

یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان البعض الظن اثم (۱۲ حجرات) ظن و گمان برای کشف حقیقت مفید فایده نیست زیرا ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً (۲۸ نجم) و از هر چیزی که بر آن علم و آگاهی ندارد پیروی نمی‌کند.

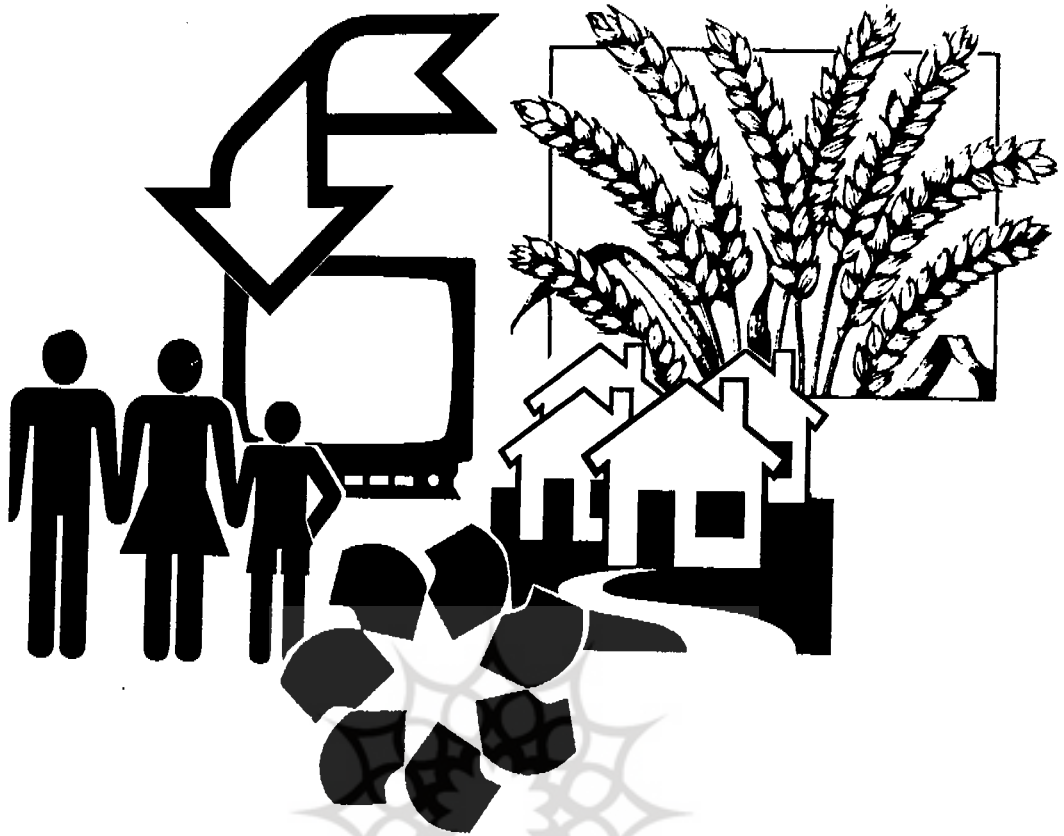
و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مستولاً

(۲۶ بنی اسرائیل)

چشم و گوش همه دستگاه ادراکی ما را تشکیل می‌دهند که مسئولند و شرافت و افتخار مسلمانان در این معنی نهفته است که وظیفه مراقبت همه مردم را عهده دارند و پیغمبر مراقب امت مسلمانان است.

و کذالک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً

■ منبع: کتاب احکام قرآن - دکتر خزائی



رابطه دولت و تعاونی‌ها

دولتهای متبوع باید تعاونی‌ها را در تدوین برنامه‌های اقتصادی ملی و دیگر اقدامات اقتصادی عمومی که احتمالاً بر فعالیتهای آنها تأثیر می‌گذارد و منطبق با مشخصه‌های اصلی آنها می‌باشد» مشارکت دهند. این کار مستلزم ترویج «دانشی جامع از اصول، روشها، امکانات و محدودیتهای تعاونی‌ها در سطح فراگیر در بین مردم...» است.

رساله جامع علوم انسانی

● د. س. اج مدیر منطقه‌ای سازمان بین‌المللی کار - دهلی نو
○ مترجم: مرجانه سلطانی

یکی از عرصه‌هایی که در طول بیست سال اخیر، عمیق‌ترین تحولات را به خود دیده، چارچوب و مقررات حاکم بر روابط قوه مجریه به عنوان مسئول اداره اقتصادی هر کشور و مؤسسات تعاونی یا شبه تعاونی است که در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها تأثیر گذارند و یا سودای آن را در سر می‌پرورانند.
متون گوناگون حقوق و مقررات مصوب در این خصوص که قابل دسترسی برای

همه است، هر چند تنها منبع موجود نیست، اما خود گویای تحولات ایجاد شده می‌باشد. نحوه کاربرد این متون نیز، عامل تعیین کننده بر تأثیر گذاری آنها می‌باشد. باید به خاطر سپرد که این متون نه تنها مستقیماً یا بی واسطه به تعاونی‌ها مربوط می‌شوند، بلکه برای بسیاری از جنبه‌های عملکرد تعاونی‌ها نیز قابل استناد به قوانین و مقررات عمومی است. با این وجود به عنوان اولین گام، می‌توان با بررسی قوانین حاکم بر تعاونی‌ها، نحوه مسئولیت پذیری تعاونی‌ها و ارتباط آن را با شرایط مؤثر بر تأسیس و عملکرد تعاونی‌ها، ترسیم نمود. نخستین اقدام «سازمان بین‌المللی کار»

(ILO) برای ایجاد بانک اطلاعات با هدف گرد آوری و پردازش کلیه اطلاعات موجود از قوانین، مقررات و آمار تعاونی‌ها، با احتساب تنها متون مربوط به تعاونی‌ها (و صرفنظر از متون اصلی آموزش تعاون در سطوح مدارس و دانشگاه در برخی از کشورها و همچنین متون مهمی که سرمنشأ تفویض مسئولیت از وزارتخانه‌های ناظر بر کار تعاونی‌ها یا تغییرات عمیق در ساختار نهضت تعاون در سطح ملی بوده‌اند) در فاصله سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که:

- قانون تعاون برای اولین بار در ۱۷ کشور (۱۲ کشور آسیایی، خاورمیانه و

اقیانوسیه و ۴ کشور آمریکایی) ارائه شد،*
- قوانین عمومی تعاون در ۸۰ کشور دنیا
به طور کامل تغییر نمود که از این میان ۲۳
کشور آفریقایی، ۱۸ کشور در امریکا، ۱۶
کشور در آسیا، خاورمیانه و اقیانوسیه، و
۱۲ کشور اروپایی بودند. حتی این قانون
نیز بار دیگر در ۱۰ کشور آفریقایی، ۶
کشور آسیایی، ۲ کشور آمریکایی و یک
کشور اروپایی تغییر کرد، و سومین دوره
تغییر قانون تعاون در یک کشور از آفریقا و
۲ کشور از آسیا روی داد.

- قوانین حاکم بر تعاونی‌های کشاورزی
به تنهایی در ۲ کشور اروپایی و یک کشور
آمریکایی متحول شد.

- همچنین اصلاحات کمابیش مهمی در
قوانین تعاونی ۲۰ کشور دیگر رخ داد (۷
کشور از آمریکا، ۶ کشور از آفریقا، ۶
کشور از آسیا و یک کشور اروپایی).

- تنها قوانین تعاون ۲۶ کشور (۱۱ کشور
از قاره آمریکا، ۱۰ کشور از قاره اروپا، ۱۰
کشور از آسیا و ۵ کشور از آفریقا) دست
نخورده باقی ماند، یا تغییرات چشمگیری
در قوانین آنها ایجاد نشد که این تاریخ در
برخی کشورها به قرن گذشته و پیش از
سال ۱۹۶۰ باز می‌گردد.

- در این بین تنها دو «قانون جدید»
می‌توان یافت که به محور تعاونی‌ها منجر
شد یا قابلیت انجام این کار را داشت. در یکی
از این کشورها، به دنبال تصویب قانون
جدید، تعاونی‌ها شخصیت حقیقی و حقوقی
خود را از دست دادند، در کشور دیگر، پیش
بینی برخی مفاد قانونی، ضربه مهلکی بر
شرایط لازم بر اجرای اصول تعاون، وارد
نمود.

بنابراین در سال گذشته، هر چند به
صورت نامحسوس شاهد تحولات اساسی
در روابط بین تعاونی-... بیش از دو سوم
کشورهای جهان و دولت‌های آنها بوده‌ایم.
اما این روند پایان نگرفته و هم اکنون پیش
نویس «آیین‌نامه‌های تعاونی» به شکل
قوانین عمومی، احکام یا مقررات در حداقل
۵۲ کشور (۲۲ کشور در آمریکا، ۱۹ کشور

در آفریقا، ۹ کشور در آسیا و ۲ کشور در
اروپا) در دست مطالعه و بررسی است که
۲۲ کشور از آن میان، طی بیست سال
گذشته هیچ گونه تغییری در قوانین تعاونی
خود ایجاد ننموده است. در صورت
تصویب این پیش نویس‌ها به صورت قانون
تنها ۲۷ کشور جهان از سال ۱۹۶۰ به این
سو، تغییر عمده‌ای در شرایط لازم بر
تأسیس و نحوه فعالیت تعاونی‌ها پیش
بینی نکرده‌اند.

بررسی متون معتبر موجود (قطع نظر از
شرایط اجرای آنها) و پیش نویس قوانین
نشان می‌دهد که قوه مجریه کشورها در
فصل تعاونی‌ها از پنج نگرش متفاوت
برخوردارند که قوه مقننه نیز در هنگام
تصویب متون عمومی تعاونی‌ها،
نگرشهایی مشابه با دولت اتخاذ می‌کند. این
نگرش‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱) ایجاد ساختارهای دولتی و هدایت، مشاوره و در برخی موارد و فعالیت‌های خاص است. نظارت مؤثر بر عملکرد تعاونگران و نمایندگان منتخب آنان ضرورت دارد.

(۱) نگرش منفی: هر گاه مقررات مخالف
با تعاونی‌ها تصویب شود یا اقدامات
تبعیض آمیز علیه آنها، خواه به شکل
سرکوب تعاونی‌ها، غیر عملی نمودن
تأسیس تعاونی‌های جدید در مراحل و
سطوح مختلف، یا حتی به صورت ایجاد
موانع و مشکلات در فعالیت روزانه آنها
انجام شود.

(۲) نگرش ممتنع: هر گاه عملی به نفع
یا بر ضد تعاونی‌ها انجام نگردد، و موانع یا
تسهیلاتی در راه پیشرفت آنها ایجاد نشود
و نقش برجسته تعاونی‌ها در جهت مصالح
طبقات محروم جامعه، یا حتی ویژگی

خاص آنها به دست فراموشی سپرده شود.
(۳) نگرش موافق: هر گاه به نحوی از
انحاء، متون قانونی مصوب و بیانیه‌های
رسمی، شخصیت خاص تعاونی‌ها و نقش
آنها را در بهبود شرایط زندگی و توسعه
ملی به رسمیت شناخته، اما اقدامی برای
فائق آمدن بر مشکلات (غیر فطری) ناشی از
شرایط خارج از کنترل صورت نگیرد که
خود موانع غیر قابل عبور را برای توسعه و
تعالی بیشتر تعاونی‌ها موجب شود.

(۴) نگرش پدر سالارانه: هر گاه به
دلایل گوناگون، مقامات دولتی، حتی به نیت
خیر، تعاونی‌ها را عاجز از اداره امور جاری
تلقی نموده و بر آنها مسلط گردند، رأساً به
تأسیس و اداره تعاونی‌ها اقدام کنند،
کارکنان دولتی را برای گردش کار
تعاونی‌ها بسیج کنند، مزیتها، امتیازها و
منابع را به نهادهایی اختصاص دهند که در
واقع آنها را تعاونی‌های «خود» می‌نامند.

(۵) نگرش حقیقتاً مثبت: همان گونه که
در «پیشنهاد شماره ۱۷۷» ارائه شده از
سوی کنفرانس سازمان بین المللی کار در
سال ۱۹۶۶ تصریح شده است، هر گاه دولت،
با احترام به استقلال و آزادی عمل
تعاونی‌ها، نه تنها حق موجودیت، بلکه
ویژگی خاص تعاونی‌ها را به رسمیت
بشناسد و مشارکت تعاونی‌ها را در
مدیریت اقتصاد ملی در حوزه‌هایی که
اختیار و آرای دولت محدود است، پذیرفته
و حتی خواهان این گونه تشریک مساعی
باشد.

نگرش اخیر، مقامات و مراجع دولتی را
به جایی فراتر از تصویب قوانین و مقررات
خاص رهنمون می‌شود که به دلیل قابل
اجرا بودن در کلیه تعاونی‌ها، امکان
«عملکرد حداقل مشابه با سایر مؤسسات
اقتصادی» برای تعاونی‌ها و حذف «مفاد
قوانین و مقررات (عمومی) بیش از اندازه
محدوده کننده توسعه (تعاونی‌ها) را فراهم
می‌کند.

با این نگرش، دولت‌ها «سیاستی را تدوین
و اجرا می‌کنند» که «بدون اثر سوء بر

استقلال آنها، در برنامه‌های توسعه‌ای لحاظ شده، (و) در صورت نیاز مجدداً بررسی و تغییر خواهد کرد.

دولت‌های متبوع باید تعاونی‌ها را در تدوین برنامه‌های اقتصادی ملی و دیگر اقدامات اقتصادی عمومی که احتمالاً بر فعالیت‌های آنها تأثیر می‌گذارد و منطبق با مشخصه‌های اصلی آنها می‌باشد، مشارکت دهند. این کار مستلزم ترویج «دانشی جامع از اصول، روشها، امکانات و محدودیت‌های تعاونی‌ها در سطح فراگیر در بین مردم ...» است. علاوه بر این، ایجاد ساختارهای دولتی قادر به هدایت، مشاوره و در برخی موارد و فعالیت‌های خاص است. نظارت مؤثر بر عملکرد تعاونگران و نمایندگان منتخب آنان ضرورت دارد. در نهایت و تا آن جا که در حد توان و قدرت دولت و سازگار با نیازهای ضروری توسعه ملی و استعدادهای واقعی تعاونی‌هاست، این نگرش مقامات مسئول را وادار خواهد نمود تا به موازات سایر مؤسسات، کمک‌های اقتصادی و مالی را بدون ایجاد الزام «هر گونه تعهد مغایر با استعداد یا منافع تعاونی‌ها» در اختیار تعاونی‌ها قرار دهند، بدین شکل روشن است که در صورت نیاز، دولت، کمک‌هایی را در اختیار بخش‌ها با فعالیت‌های خاص اقتصادی، بدون ایجاد تعهدی خاص، قرار خواهد داد و این کمک‌ها ضرورتاً «به منظور تشویق و نه به عنوان جایگزینی برای ابتکار عمل و تلاش اعضای تعاونی‌ها طراحی می‌شوند».

عوامل بسیاری در اتخاذ هر یک از نگرش‌های پیش گفته از سوی دولت و دستگاه قانون‌گذاری دخیل می‌باشند. بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل آن است که تعاونگران به رغم تاریخ طولانی خود، همچنان در مقایسه با جمعیت اکثر کشورها در اقلیت مانده‌اند. بر اساس آمار منتشره از سوی «اتحادیه بین‌المللی تعاون» به مناسبت «روز بین‌المللی تعاون» که از مجموع گزارشات سال ۱۹۹۷ رقم به دست آمده کل تعداد اعضای اتحادیه ۷۶۰ میلیون

نفر می‌باشد. هر چند در حقیقت این اطلاعات را با حساب احتمالات در نظر می‌گیریم، اما این رقم نشان می‌دهد که ۲۸۰ میلیون نفر و به عبارتی سه چهارم کل اعضا، در ۱۲ کشور جهان زندگی می‌کنند که، به جز چند مورد استثناء، نقش تعاونگران در اقتصاد ملی این کشورها هنوز با تعداد آنان متناسب نبوده و در برخی موارد ناچیز است.

در این شرایط، نگرش دولت نسبت به تعاونی‌ها، صرفاً نتیجه موقتی سازش بین فشارهای گوناگونی است که دولت به واسطه وظایف خاص خود، متحمل می‌شود در صورتی که نگرش دولت بر اساس حق انتخاب آن در سطوح مختلف و رغبت نهضت تعاون در هر کشور برای مشارکت در توسعه با حفظ اصل آزادی عمل تعاونی‌ها نیز امری متغیر می‌باشد. اما تمایل این گونه را باید به وضوح ابراز نمود و نشان داد. در غیر این صورت، گسترش تعاونی‌ها زیر سلطه دولت هدایت و رهبری می‌شود که در اکثر کشورها نیز تصدیگری فزاینده‌ای در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی در حال شکل‌گیری است. اما این شکل «گسترش تعاون» الزاماً «توسعه تعاون» نیست، چرا که برخی از دولت‌ها اساساً به تعاونی‌ها به عنوان ابزار سیاست‌های خود برای اجرای مسئولیت‌های دولت می‌نگرند.

این نگرش به ویژه در مسائلی چون پس انداز و اعتبار تحقق می‌یابد. در این بخش، صرفنظر از میزان علاقه و وابستگی دولت‌ها به اصول و روش‌های تعاون، نگرانی دولت مضاعف و نقش آن دوگانه خواهد بود. از یک سو، دولت به واسطه مسئولیت خود در ایجاد نظم عمومی، باید مراقب باشد تا هر یک از مؤسسات در قبال سپرده‌های مردم پاسخگو بوده و تمهیداتی برای حفظ آن سپرده‌ها بیندیشند. از سوی دیگر یکی از وظایف اصلی دولت «ایجاد نقدینگی» است. بنابراین دولت باید از نزدیک بر عملکرد شخصیت‌های حقوقی خصوصی که کارشان با پول و مسائل آن ارتباط دارد، مراقبت کنند. در اینجا هدف تمایز گذاشتن بین

تعاونی‌های پس انداز و اعتبار نیست، بلکه می‌خواهیم بین مؤسسات پولی غیر بانکی که کارشان پس انداز و فقط اعطاء اعتبارات در حد محدودیت‌هاست با مؤسسات بانکی مستقیماً فعال در امر «ایجاد نقدینگی» از طریق تنزیل حوالجات کوتاه مدت تبدیل ارز یا به جریان انداختن حوالجات بانکی میان بلند مدت تمایز قائل شویم.

در مورد حفظ پس اندازهای افراد، کاملاً طبیعی است اگر دولت، محدودیت‌های خاصی را در مورد تعاونی‌ها اعمال کند به ویژه تعاونی‌های تأمین‌کننده و پرداخت‌کننده وام از منابع مستقیم. اما هرگاه صرفاً تعاونی‌های پس انداز مطرح باشند، مقررات چندان وسیع نیست، همچون تعیین حداقل تعداد اعضا یا حتی حداقل میزان سرمایه در گردش تعاونی‌ها پیش از شروع کار، یا در برخی موارد، عدم صدور مجوز تشکیل تعاونی، برای مثال رد تأیید آن یا ممنوعیت عضویت یک نفر در چندین تعاونی، مگر آن که قوه مجریه نگرشی منفی نسبت به آن تعاونی‌ها داشته باشد.

از سوی دیگر، دولت می‌تواند به صورت کاملاً قانونی، شرایط احراز مدیران منتخب یا منصوب شده و (یا کارکنان تعاونی‌ها)، و تعهدات گوناگونی را که عمل به آنها بر این افراد لازم است، مشخص نماید و همچنین می‌تواند مقررات خاصی را برای سرمایه‌گذاری مبالغ جمع شده و بازرسی ادواری عملکرد تعاونی و ایجاد بخش‌های پس انداز در تعاونی‌ها وضع نماید.

در دراز مدت عدم توجه یا موافقت اصولی دولت با این تعاونی نوع اول چندان تفاوتی به حال تعاونی نمی‌کند. اما مسئله زمانی جدی و خطر ساز می‌شود که دولت، نگرشی منفی و یا پدیر مآبانه، بخصوص نسبت به تعاونی‌های چند منظوره از جمله پس انداز در پیش گیرد، چرا که از سپرده‌های برخی اعضا می‌توان در خارج از سیستم نظارتی، به شکلی نامطمئن و خطر ساز بهره برداری کرد.

بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح نمود که آیا برای نهضت تعاونی، حتی اگر

در آغاز راه خود باشد، نهایتاً با صرفه خواهد بود اگر دولت نگرشی کاملاً شفاف و مثبت نسبت به تعاونی‌هایی در پیش گیرد که تنها هدف و فعالیت آنها امر پس انداز است و به همان اعتبار که عقل معاش، و پس انداز تلاشی فردی برای حمایت از کمک‌های متقابل است، این عبارت که «نیاز»، «ما در اختیار است»، نیز در مورد تعاون صدق می‌کند. به علاوه هدف این نوع تعاونی، معمولاً در وهله اول، آزاد نمودن اعضاء تعاونی از دین به دیگران و اغلب به ربا خواران و وام دهندگان است. در مرحله بعد، هدف مرتفع نمودن نیازهای اساسی اعضاء و به عبارتی تأمین کالاهای مصرفی روزانه است سپس، ارائه کالاهای مصرفی قسطی در صورت رونق گرفتن وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها است. در موارد بسیار نادر تعاونی به اعضاء کمک می‌کند تا قدرت

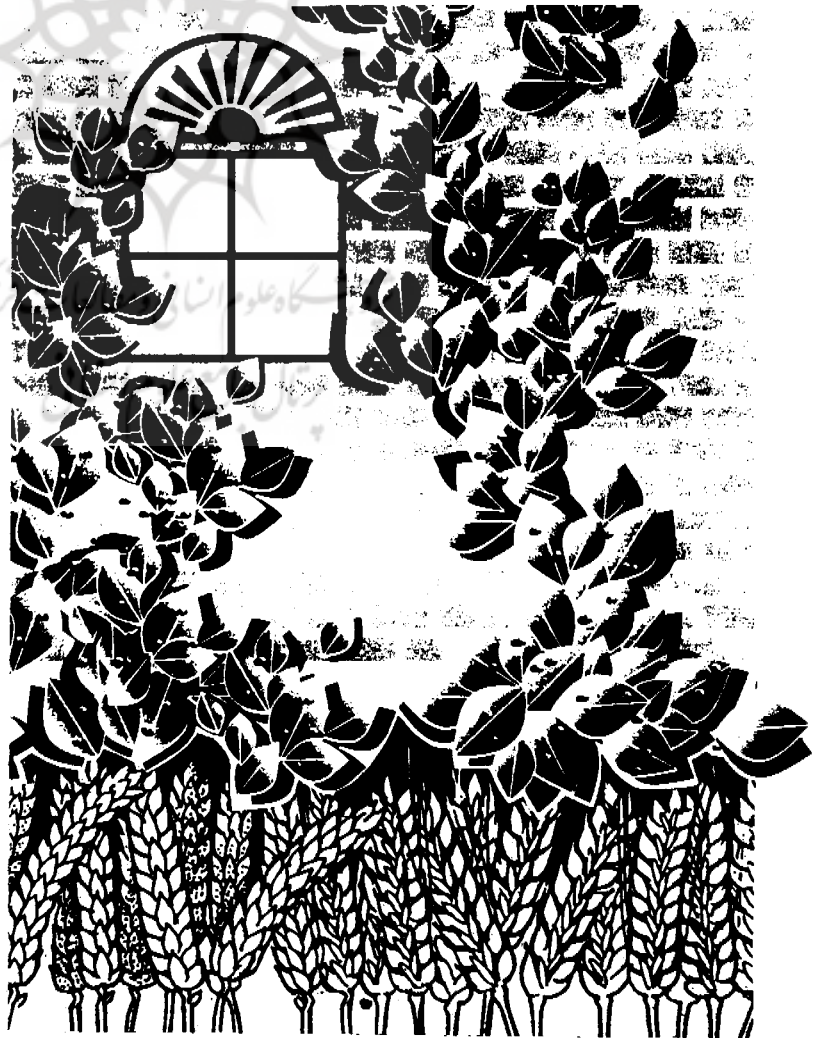
تولید خود را به عنوان یک کارآفرین، کشاورز، صنعتگر، ماهیگیر یا مغازه دار افزایش دهد. در نهایت، نقش آنان، اساساً تأخیری بر ماهیت کالاهای مصرفی در سطح کشور ندارد، گرچه گاه بر کمیت میزان ارزش بهره پول وام دهندگان اثر می‌گذارد.

نگرش مثبت دستگاههای دولتی نسبت به تعاونی‌ها تنها زمانی از اهمیت و اعتبار اقتصادی برخوردار خواهد بود که تلاش آنان در جهت بهره‌گیری بهینه و ضرورتاً برای اهداف مولد مصروف شود. اما در این گونه برخوردها، احتمال دارد نقش تعاونی‌ها در تأمین ضروریات زندگی محروم‌ترین قشر، دیر یا زود به از خود بیگانگی افراد منجر شود. در اینجا یک بار دیگر به خطر نگرش پدر سالارانه بر تعاونی‌ها اشاره می‌کنیم. از آنجا که در

مقابل دخالت دستگاههای دولتی، نمی‌توان هیچ‌اما و اگری مطرح کرد، و در مورد نرخ بهره (که با هدف آموزشی بودن تعاون و حتی با مفهوم خدمات اقتصادی تعاون به لحاظ اصل سود اندک در تعاون مغایرت دارد) یا وثیقه‌های سپرده و نیز درصد موفقیت در تعاونی‌ها تضمین شده است، از اینرو نگرش مثبت مقامات به تعاونی‌ها در نهایت به تأمین نوعی خدمات آموزشی محلی محدود خواهد شد که در نوع خود یکی از وظایف اصلی دولت در قبال همه افراد و نه فقط اعضاء در تعاونی‌ها و یکی از شرایط لازم برای توسعه همه جانبه ملی به شمار می‌رود. بنابراین نمی‌توان مطمئن بود که نهضت تعاون در یک کشور، از «امتیازی» این چنین که به اعضاء آن داده شده، و گاه به زیان دیگر هموطنان تمام می‌شود، و به ویژه از آموزش اعضاء تعاونی‌ها توسط گروههایی بسیار متبحر اما ناآشنا به تعاون، در دراز مدت سود ببرد. بارها بر این نکته تأکید شده است که یکی از علتهای ضعف برخی تعاونی‌ها، و حتی ناتوانی کل بخش تعاون، از آموزش تعاون سرچشمه می‌گیرد و ضرورتاً برای اعضاء آینده تعاونی‌ها قبل از آغاز فعالیتهای مشترک آن پیش بینی نشده است، اما تأکید بر این نکته دیگر چندان ضرورتی ندارد.

تاریخچه تعاونی‌های پس انداز در برخی از کشورها نشان می‌دهد که مروجان این گونه تعاونی‌ها، حتی بدون داشتن ارتباط با دستگاههای دولتی، اغلب نگرش مساعد آنها را ترجیح داده‌اند. حتی می‌توان نمونه‌های بسیاری از تعاونی‌های پس انداز را در آفریقا و به خصوص جزایر کارئیب یافت که حتی بدون «ثبت رسمی کشور» تأسیس شده‌اند، اما با این وجود رضایت کامل اعضاء خود را تأمین می‌کنند.

هر چند وقتی مسئله تعاونی‌های پس انداز و اعتبار (یا تعاونی‌های اعتبار) مطرح باشد دیگر پذیرش یک چنین جایگاهی مورد نظر نیست، چرا که نظارت دقیق بر برخی از



امور این تعاونی‌ها، صرفاً وظیفه دستگاه‌های دولتی است. برای مثال، دولت نمی‌تواند مؤسسات وام‌دهنده نرخهای بهره غیر قانونی یا مؤسساتی که حداقل سود را در اختیار سپرده‌گذاران خود نمی‌گذارند به کل و یا بخشی از پس‌اندازهای آنان که دیگر حداکثر سود طبق روال معمول تعاونی‌های پس‌انداز تعلق نمی‌گیرد، بی‌تفاوت بوده و با اجازه به ادامه کار این مؤسسات در سیستم اقتصادی کشور، خطرات مترتب بر فعالیت آنها را برای مردم بخرد. بنابراین در پاره‌ای موارد برای جلوگیری از سوء استفاده لازم، منطقی است قوانینی برای پرداخت وام یا اخراج اعضا یا تعلیق کار مدیران، علل انحلال شرکت و نگهداری از سوابق تعاونی وضع شود. تهیه فهرست دقیق اختیارات معمول و قابل قبول دستگاه‌های دولتی در قبال تعاونی‌ها بدون مشکل قابل طرح، ممکن است. در این فهرست، حسابرسی منظم در درجه نخست قرار خواهد گرفت. اما مشکلات بر خاسته از ارتباط بین دولت و تعاونی‌های پس‌انداز و اعتبار (یا صرفاً اعتبار) متفاوت بوده و بستگی دارد به این که تعاونی‌ها:

- تنها از منابع خود (سرمایه، پس‌اندازها) یا از سپرده‌هایی که خود آنها دریافت کرده‌اند، وام پرداخت می‌کنند.
- به نحوی از انحاء به یکدیگر پیوسته و کل یا بخشی از منابع خود را برای پرداخت وام بدون بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری افراد خارج از گروه تعاونی، یک‌کاسه کرده‌اند.
- در الحاق به سایر مراکز، از سرمایه عملیات اعتباری خود که صرفاً از بخش تعاون تأمین شده است، بدون این که ضرورتاً یک مؤسسه بانکی محسوب شوند استفاده کنند.
- به عنوان تعاونی یا مؤسسات بانکی عمومی عمل کنند.
- علاوه بر عملیات پس‌انداز و پرداخت اعتبار، فعالیت‌های دیگری نیز داشته باشند.

اما زمانی که چند مقوله فرعی از این

دست تعاونی‌های پس‌انداز و اعتبار (یا صرفاً اعتبار) در قالب یک نهضت ملی واحد معرفی می‌شود، وضعیت حتی از قبل نیز پیچیده‌تر خواهد شد.

در این صورت، نگرش دستگاه‌های دولتی نسبت به این تعاونی‌ها باید بر اساس سه معیار مشخص و به طور همزمان ارائه شود:

- اهمیتی که قوانین و مقررات ملی در خصوص آیین‌نامه‌های تعاونی‌ها و اتحادیه‌های خصوصی قائل می‌باشند و بر همین اساس منشور و قرار داد واقعی بین اعضا و سازمان مشخص و تنظیم می‌شود.
- ویژگی‌های هر مقوله فرعی در متون گوناگون حقوقی و قانونی مد نظر قرار می‌گیرد.
- شکل نظارت اعمال شده بر تعاونی‌ها و میزان و یعدم هماهنگی بین تعاونی‌ها و دستگاه‌های دولتی در صورت نیاز، بررسی شده، مورد مطالعه قرار گرفته یا نحوه عملکرد این مؤسسات اصلاح خواهد شد.

در واقع با بخش‌های یکسان باید به گونه‌ای بسیار متفاوت برخورد نمود. بنابراین هیچ دلیلی بر اساس «قانون دولتی» یا «سیاست مالی» وجود ندارد که اعضا تعاونی اعتبار را، ملزم کند که با مدیران منتخب خود مشاوره کرده باشند و به دلیل عدم توانایی در تعیین حداکثر وام پرداختی به هر یک از اعضا، آنها را تبرئه نماید. این یکی از موارد دموکراسی بدون واسطه، بخصوص برای جلوگیری از سوء استفاده اشخاص صاحب نام و با نفوذ از منابع تعاونی و به نفع شخصی است، هر چند آموزش قبلی اعضا تعاونی و احتمال نظارت آنان را نیز باید در نظر گرفت.

نظارت صحیح باید در قانون و مقررات پیش‌بینی شود، اما این اکیداً به معنای نادیده گرفتن آزادی عمل افراد نیست. این که مقررات ویژه‌ای همچون حداکثر میزان وام را می‌توان در آیین‌نامه یا قوانین مالی تعاونی لحاظ نمود، پیامد چندان مهمی

نخواهد داشت، مشروط بر آن که این گونه مقررات از خارج از سیستم تعاونی تحمیل نشده باشند. همین اصل در مورد وامها، وثیقه‌های ارائه شده توسط وام‌گیرندگانی که در واقع خود اعضا و سپرده‌گذار تعاونی هستند، در مورد توزیع سود لازم الاجرا می‌باشد.

اما از سویی کاملاً طبیعی است که آزادی عمل قانونی و آزادی عمل در فعالیت‌های روزانه باید تا حدودی در مورد دوم محدود شود. در این مورد، دستگاه‌های دولتی قانوناً می‌توانند درخواست کنند که تشکل گروه‌های داوطلب باید سیاست‌های خود را برای مثال با پذیرش اعضا جدید، اعطاء وام، تخصیص منابع و حتی معرفی هیأت مرکزی متشکل از هیأت‌های تعاونی‌های کوچک هماهنگ کنند چرا که منابع تعاونی‌ها و کاربرد آنها در یک سطح قرار ندارند. بر همین منوال، دولت قانوناً می‌تواند مقرراتی را بر بخش‌های پس‌انداز، اعتبار تعاونی‌های چند منظوره که، ماهیت یکسان و همانندی دارند به شرط اعمال یک سیاست «ارتباطی» بین بخش‌های گوناگون، مقرر نماید. از طرف دیگر، عملکرد دولت در این سطح پدرسالارانه یا منفی است چنانچه به بهانه گستردگی عملکرد این گروه‌ها (عملکرد جاری یا آتی) بخواهد نمایندگان خود را به شوراهای و مجامع تعاونی‌ها یا «اتحادیه‌های» تعاونی تحمیل کرده یا حق انحلال این هیأت‌ها یا تعلیق و اخراج اعضا قانوناً منتخب آنان را بدون توجیه قابل قبول، بر خود محفوظ بداند.

اما اگر دولت محدودیت‌هایی را بر تعاونی‌هایی اعمال کند که بخشی از سرمایه خود را در خارج از بخش تعاون به کار می‌گیرند، حال آن که هنوز عضوی از سیستم بانکی کشور محسوب نمی‌شوند، نمی‌توان چنین دولتی را به جرم رفتار پدرسالارانه یا مخالفت متهم نمود، این محدودیت‌ها شاید آزادی تعاونی را در تخصیص عواید محدود کند، شاید مستلزم حداقل سرمایه باشد و حتی شاید مقررات

نگرش مثبت دستگاه‌های دولتی نسبت به تعاونی‌ها تنها زمانی از اهمیت و اعتبار اقتصادی برخوردار خواهد بود که تلاش آنان در جهت بهره‌گیری بهینه و ضرورتاً برای اهداف مولد مصروف شود. اما در این گونه برخوردها، احتمال دارد نقش تعاونی‌ها در تأمین ضروریات زندگی محروم‌ترین قشر، دیر یا زود به از خود بیگانگی افراد منجر شود.

سختی را بر شرایط پرداخت وام اعمال کند. در این مورد، سیاست اقتصادی و پولی دولت، مستقیماً به منابعی مربوط می‌شود که منشأ خارج از تعاونی دارد (و به عبارتی قوانین خاص خود را داشته و از آزادی عمل برخوردار است) چرا که باز پرداخت این منابع پولی باید برای افرادی که در خارج از سیستم تعاونی تأمین کننده چنین پولهایی بوده‌اند، تضمین شده باشد. این جا است که این مقررات به دلیل پیش بینی اختیار تصمیم‌گیری برای نمایندگان تعاونی، علاوه بر اختیارات عادی نظارتی آنان، قابل قبول می‌گردد.

علاوه بر این، لازم به ذکر است که اعمال این گونه اختیارات نظارتی، جدا از آن چه در متون قانونی نوشته شده، به روشنی نگرش نمایندگان دستگاه‌های دولتی را نسبت به تعاونی‌ها نشان می‌دهد. این نظارت که در بسیاری موارد به قیومیت تبدیل می‌شود، به طور اجتناب‌ناپذیر مشکل آفرین خواهد بود. در تعداد زیادی از کشورها چنین نظارتی، مستقیماً بدون در نظر گرفتن نوع فعالیت تعاونی‌ها، از سوی یک وزارتخانه یا مرجعی با شأن و اعتبار لازم برای کنترل تعاونی‌ها اعمال می‌شود. اما در کشورهای مختلف، علاوه بر وزارت تعاون، وزارتخانه‌های کشاورزی، اقتصاد، توسعه روستایی، کار، امور اجتماعی، بودجه، تجارت و صنعت، برنامه، عمران و غیره نیز وجود دارد. در برخی کشورها، هر وزارتخانه، تا حدی که به حوزه فعالیت‌های خود مربوط می‌شود، در مورد تعاونی‌ها مسئولیت دارد.

نمی‌توان اثبات کرد که راه حل اول که

اغلب مطلوب و مقبول نهضت‌های تعاون می‌افتد (به خصوص کشورهایی که وزارت تعاون، یا وزارتخانه‌ای به نام «تعاون» دارند)، بهترین راه حل برای نهضت تعاون یا یکی از راه‌هایی باشد که به احتمال قوی عده بسیاری از نمایندگان و دستگاه‌های دولتی را واقعاً به تعاونی‌ها علاقمند سازد. در واقع آثار بیشماری نیز بر این راه حل مترتب است. واضح است که تعاونی‌ها به عنوان مؤسساتی که در تمام یا تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌کنند، باید وابسته و مرتبط با وزارتخانه‌ای باشند که از نظر فنی و علمی بسیاری مسائل دیگر کارآمد باشد، حتی تعاونی‌های پس انداز و اعتبار می‌توانند با وزارتخانه‌های کشاورزی، صنایع، شیلات یا حمل و نقل در ارتباط باشند، و در همان حال از وزارتخانه‌های بودجه و اقتصاد غافل نشوند. اما کارشناسان این وزارتخانه‌ها، به این بهانه که امور مربوط به تعاونی‌ها از جمله وظایف وزارتخانه دیگر است، تمایلی به پاسخ صریح به خواسته‌های تعاونی‌ها نشان نمی‌دهند. کارکنان وزارتخانه دیگر نیز که کار به آنان ارجاع می‌شود، به دلیل عدم اشراف کامل به کلیه مشکلات موجود در تمامی زمینه‌ها و عدم آگاهی از کلیه راه‌های ممکن برای این مشکلات، با اولین وزارتخانه‌ها تماس می‌گیرند بدون آن که از دریافت پاسخی متفاوت با آن چه به تعاونی‌ها داده شده است، مطمئن باشند. در واقع، این گونه مشکلات را گاه می‌توان در سطح غیر سازمانی یا از طریق تماس‌های شخصی مرتفع نمود، حال آن که طرح مشکل در ساختار اداری، متضمن ائتلاف

وقت و انرژی است.

راه حل دوم نیاز به بررسی دقیق دارد. وجود افرادی که در هر بخش دولتی با حقوق و مشکلات تعاون آشنا بوده و بنابراین حل این مشکلات در سریع‌ترین زمان ممکن در توان آنها بوده و بتوانند اقدامات و تصمیمات مؤثر را در حیطه اختیار و صلاحیت خود مشخص کنند، قطعاً به نفع تعاون خواهد بود.

بدون تردید، نمایندگان دستگاه‌های دولتی در ابعاد مختلف در مقام نظارت و هدایت و مشاوره تعاونی‌ها، مفیدتر خواهند بود و از آن جا که نظارت و مشاوره آنان نمی‌تواند به تمامی جنبه‌های فعالیت تعاونی‌ها مرتبط باشد، بیشتر مایلند به آزادی عمل آنان احترام گذارده شود.

از این بعد می‌توان نگرش دستگاه‌های دولتی را نه یک برخورد پدرسالارانه، بلکه نشانه‌ای کاملاً مثبت تلقی کرد، اگر در هر دستگاه، ساختارهای «پذیرش، مشاوره و حسابرسی» برای تعاونی‌ها با هماهنگی آنها به وجود آید، و مهم‌تر از هر چیز آن است که دستگاه‌ها برنامه آموزش تعاون برای همه نمایندگان دستگاه‌های دولتی مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با تعاونی‌ها یا هر پرونده مربوط به تعاونی‌ها را در دست اجرا داشته باشند. در تعدادی از کشورهای اروپایی و شمال و جنوب آمریکا، نمونه دیگری از این گونه نگرش‌های مثبت به شکل ارائه مؤسسات خدمات مشاوره‌ای به چشم می‌خورد که در دستگاه‌های دولتی و پیش از اجرای هر اقدام مهم دیگری، تشکیل شده‌اند.

تاریخچه تعاونی‌های پس انداز و اعتبار نشان می‌دهد که زمان مناسب برای تبادل دیدگاه‌ها که پیش درآمد تنظیم روش‌ها و برنامه‌های تعاونی است، هنگامی فرا می‌رسد که تعاونی‌ها به دلایل گوناگون و معمولاً به دلیل سپرده‌های ناکافی از طرف اعضاء تعاونی و عدم برنامه ریزی صحیح، دست به استفاده از سرمایه‌های با منشأ دولتی می‌زنند، هر چند هنوز بانک محسوب

نمی‌شوند، وانگهی این گونه وام گرفتن، به سرعت، استقلال مالی تعاونی را زایل می‌سازد تا جایی که دیگر قادر به تأمین خواستها و انتظارات روز افزون اعضا برای وام و سرانجام ادامه کار بدون سرمایه دولتی نخواهد بود. عبور از این مرحله برای تعاونی‌ها بسیار دشوار است، بدین صورت که خطرهای نگرش پدر سالارانه دولت به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد و احتمال سرنگونی کل سیستم تعاونی‌های پس انداز و اعتبار، همچون چندمین مورد که در گذشته اتفاق افتاده وجود دارد. بنابراین تعاونی‌های پس انداز و اعتبار که تا پیش از این مرحله، در ارتباط با سایر تعاونی‌ها، جویای خدمات مشاوره‌ای دستگاه‌های دولتی بودند (هر چند این دستگاه‌ها به دلیل اختیارات عریض و طویل خود، شرکای همسنگی برای تعاونی‌ها نیستند) باید این دستگاه‌ها را به اتخاذ نگرشی حقیقتاً مثبت، نه تنها نسبت به بخش پس انداز و اعتبار بلکه سرمایه‌گذاری در کل نهضت تعاون متقاعد سازند. اما با شروع این مرحله، دیگر دولت نمی‌تواند بی تفاوت یا حتی از نظر اصول موافق باشد، و مهم آن است که بدانیم، دولت نقش یک ناظر یا پدر سالار را نیز ایفا می‌کند.

با بررسی متون مربوط به تعاونی‌های پس انداز و اعتبار و تحقیقی در تاریخچه این تعاونی‌ها در سر تا سر جهان، به این نتیجه می‌رسیم که روابط این تعاونی‌ها با دولت زمانی با سرعت بیشتری به چنین مرحله «خطرناک» می‌رسد که این تعاونی‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم و کل یا بخشی از آنها تبدیل به مؤسسات بانکی می‌شوند، بروز این حالت بستگی به آن دارد که تعاونی‌های پس انداز و اعتبار خود به چنین جایگاهی دست یابند، یا خود مؤسسات دیگری با اختیار نظارت بر آنها ایجاد کنند (که این مورد بسیار نادر است)، یا مؤسساتی که در آغاز وابسته به آنها بوده‌اند، اکنون عدم وابستگی خود را اعلام

کنند. در صورت وقوع این حالات دیگر این مقررات تعاونی نیست که اساساً و ضرورتاً بر مؤسسات جدید حاکم خواهد بود، بلکه قوانین، و مقررات از آن مؤسسات بانکداری و اعتبار خواهد بود. همین حالت نیز زمانی صادق است که این تعاونی‌ها به عنوان نمایندگی‌ها یا شعب مؤسسات غیر تعاونی بانکی عمل کنند.

هر گاه تعاونی‌های پس انداز و اعتبار به این مرحله از استقلال مالی در مقابل دستگاه‌های دولتی دست یابند، یا زمانی که به مؤسسات بانکی تبدیل شوند، آن گاه با مشکل اصلی که ریشه همه مشکلات است، روبرو می‌شوند و آن ایجاد توازن بین سیاست پولی دولت از یک سو و ارائه خدمات به شکل سابق خود، نه تنها به تک اعضا تعاونی‌ها، بلکه به کل نهضت تعاون است. تعاونی‌ها در اینجا باید به طور همزمان کیفیت و ماهیت ویژه خدمات تعاونی و همچنین اصل مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری را حفظ کنند. یک بانک اساساً به دلیل پرداخت وام به تعاونی‌ها یا جمع آوری منابع پولی از تعاونگران، نه یک بانک محسوب می‌شود و نه یک بانک خواهد ماند. همان گونه که یک تعاونی زمانی که از اختیارات وسیع خود برای تحمیل منویاتی غیر از اهداف، مفاهیم و روشهای تعاونی به اعضا بهره می‌گیرد، یک تعاونی به شمار نخواهد رفت. بلکه زمانی تعاونی خواهد ماند که همچون هر تشکل تعاونی دیگر (اتحادیه یا فدراسیون)، خود را تنها در خدمت تعاونگران بداند، و اگر بدون داشتن ادعای سیاست شخصی، به عنوان واسطه بین دستگاه‌های دولتی و تعاونگران عمل نماید، حتی اگر مطلقاً در جایگاه یک تعاونی قرار نگیرد، به دلیل منبعت شدن از نهضت تعاون حکم داور بین دو طرف را نخواهد داشت بلکه به دلیل مدیریت و نظارت کارکنان فنی بر آنها که ارتباط ساده‌تر و بیشتری در سطوح مختلف با نمایندگان دستگاه‌های دولتی دارند، این تعاونی می‌تواند و باید بتواند یکی از نقاط و

ابزارهای انطباق و هماهنگی بین دولت و تعاونی‌ها باشد.

پیشرفت‌هایی که طی بیست سال گذشته در کشورهای چون برزیل، فرانسه، هند و نیجریه روی داد و در چند مورد ساختار تعاونی‌های پس انداز و اعتبار به تدریج با سرمایه مؤسسات مالی دولتی «محکم» شد، گویا موانعی است که در این زنجیره به این شکل به وجود آمد. تشکیلات دست نیافتنی که تعاونی‌های آرژانتین به اجبار عهده دار شده بودند، نمونه بارزی است از این که گاه نهضت تعاون بار مسئولیت بیشتری در قبال امور ملی بر عهده می‌گیرد و خط و خطوط کار را برای فائق آمدن بر مشکلات غیر منتظره مشخص می‌کند، باید در مورد تغییرات احتمالی در روابط خود با دستگاه‌های دولتی نیز بی نهایت دقیق و اندیشناک باشد.

امروزه دیگر اکثر تعاونی‌های پس انداز و اعتبار باید بر پژوهش و ترسیم برنامه‌های خود متمرکز شوند، به ویژه آنکه نابسامانی روز افزون گریبانگیر اقتصاد جهانی شده است. آیا سازمان یونیسف در گزارش سال ۱۹۷۹ خود از مرگ حداقل ۱۲ میلیون کودک زیر یک سال از گرسنگی و سوء تغذیه در جهان سوم خبر نداد؟ ... و اما در همان سال، عملیات پولی، مبالغ نجومی را نصیب افراد می‌کند که در مورد کمبودها و پولهای کلان و مواد اولیه فکر و ابتکار عمل به خرج داده‌اند (مجله لومند، ۲۰ آوریل ۱۹۸۰، صفحه ۴۱)

امروزه تعاونگران و به خصوص افرادی که هدفشان جمع آوری و استفاده بهینه از منابع، نخست برای محروم‌ترین اقشار جامعه و سپس انسانی‌تر نمودن ابعاد توسعه است، نباید انتظار تحقق این اهداف را داشته باشند، مگر آن که در مشاوره با دستگاه‌های دولتی، اهداف جدید و روشهای نو را برای کاهش شکافهای عمیق شایع در روزگار کنونی در پیش رو را بگذرانند. جوانانی که آینده نهضت تعاون در دست آنان است هرگز به یک «طرح تعاونی» با

12: Demand pull

۱۲- همان مأخذ صفحه ۳۵۷.

14: Cost _ push inflation

15: Price _ wage sprial

گویی و صدور احکام عام و جهانشمول گرفتار آمده است و عوامل مشخصی را در تبیین تورم مورد شناسایی قرار نمی‌دهد.

● پی نوشت‌ها:

■ منابع:

- ۱- کتابی، احمد. (۱۳۶۷) تورم، ماهیت علل، آثار و راههای مقابله با آن، تهران، انتشارات افیال.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷.
- ۳- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. (اردیبهشت ۱۳۶۶) نظری اجمالی به جنبه‌های اقتصادی تورم. اردیبهشت ۱۳۶۶.
- ۴- مهدی پور، اکبر. تورم به زبان ساده. سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان.
- ۵- حکیمی پور، نادر (۱۳۷۷) چشم اندازی بر عناصر و تبعات توسعه. مجله پویان سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شماره ۱۰ و ۱۱.
- ۶- قبادی، فرخ، و فریبرز رئیس دانا. (۱۳۶۸). پول و تورم. تهران: انتشار پیشبرد چاپ اول.
- ۷- ذبیح زاده، احمد (۱۳۷۰). جزوه درسی پول، ارز و بانکداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷). گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۶، مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی و انتشارات. جلد اول.
- ۹- ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. عوامل ساختاری در تورم ایران. مهر ۱۳۶۶ شماره ۱۲.

1: Rate of inflation

2: Holesale price index

3: Consomers price index

۴- رئیس دانا، فریبرز و قبادی، فرخ، پول و تورم. انتشارات پیشبرد، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۴.

۵- ضریب اهمیت برای گروههای مختلف (۱) خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و دخانیات (۲) پوشاک (۳) مسکن، سوخت و روشنایی (۴) اثاث و کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه (۵) حمل و نقل و ارتباطات (۶) درمان و بهداشت (۷) تفریح، تحصیل و مطالعه (۸) کالاها و خدمات متفرقه در سال ۷۷ به ترتیب برابر با ۳۷/۳۲، ۱۱/۴، ۲۵/۱۸، ۷/۱۶، ۷/۹۳، ۳/۹۴، ۲/۰۲، ۵/۳ درصد بوده است.

6: Greeping inflation

7: Galloping inflation

8: Runaway inflatio

۹- رئیس دانا، فریبرز و قبادی، فرخ، پول و تورم انتشارات پیشبرد، تهران (۱۳۶۸). چاپ اول صفحه ۱۹.

۱۰- همان مأخذ، ص ۲۴.

۱۱- همان مأخذ - صفحه ۳۴۹.

بقیه از صفحه ۵۰

بقیه از صفحه ۱۱

بسیاری از کشورها نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در زمینه‌های سیاسی هم فعال هستند. از کشورهای توسعه یافته به خصوص در بخش کشاورزی و اعتباری اتحادیه اعتباری تعاونی‌های کانادا و نیز تعاونی‌های مصرف سوئد می‌توان نام برد که بسیار قدرتمند هستند و ...

□ آقای شارما اگر عزم ملی برای توسعه تعاونی‌ها وجود نداشته باشد در این شرایط تعاونی‌ها چگونه خود را حفظ کنند و یا دیگر چه انگیزه‌های برای توسعه وجود خواهد داشت؟

○ ببینید اگر دولت می‌خواهد سهم خود را در توسعه بالا ببرد ناچار باید از روش تعاونی استفاده نماید، بنابراین تناقضی آشکار خواهد بود که مثلاً تعاون در قانون اساسی کشوری به عنوان یک بخش قید شده باشد ولی دولت‌مردان بنای برنامه ریزی را بر بهره‌گیری از این شیوه برای برنامه‌های توسعه نگذارند. این را شما باید برای دولت خودتان تشریح کنید ...

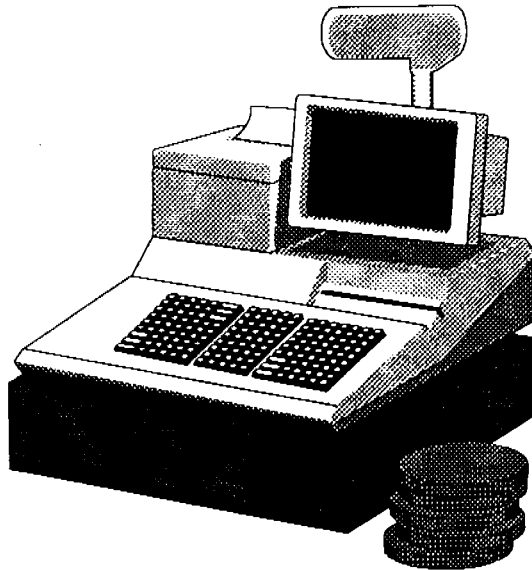
بسیاری از رشته‌ها و زمینه‌ها فعالیت دارد. در هند هم همین طور است، ۶۵ درصد نیازهای اعتباری روستائیان در هند توسط تعاونی‌ها تأمین می‌شود. واقعیت این است که تعاونی‌های کشاورزی کاری کرده‌اند که ما نه تنها غلات را وارد نمی‌کنیم بلکه هم اکنون در حال صادرات آن هستیم و این در حالی است که کشور هند کشوری پر جمعیت است. همچنین تعاونی‌ها در هندوستان ۶۵ درصد نیشکر و ۲۵ درصد کود شیمیایی را تولید می‌کنند و در زمینه خرده فروشی کالاها مصرفی ۲۵ درصد نقش دارند.

در بسیاری از ایالت‌های کشور هند، از جمله بمبئی و ... تعدادی از احزاب توسط تعاونی‌ها حمایت می‌شوند. از ۵۳۷ عضو پارلمان هند نزدیک به ۲۰۰ نفر از اعضای آن از بخش تعاون هستند. تعاونی‌ها در

نرخ بهره سالانه بیش از ۲۰ درصد قانع نخواهند شد و از این رو بر تعاونگران است که «تحقیق کنند، چون محققان، جویندگان و تعاونگران باید بجویند، و به این دلیل که آنان که می‌جویند، باید بیشتر تحقیق کنند».

پی نوشت‌ها:

- * این مقاله توسط رلوئیس، سازمان بین المللی کار ژنو تهیه شده است.
- * در حالی که اکثر کشورهای تازه استقلال یافته آفریقا و جزایر کارائیب، قوانین تعاون خود را از سال ۱۹۶۰ تغییر داده‌اند، اما آنها «اولین قوانین تعاون» عمومی نیستند که در این کشورها قابل اجرا بوده‌اند، بلکه مستعمره نیشبان انگلیس، فرانسه، بلژیک، ایتالیا و پرتغال نیز قوانین زاد بوم خود را که تا حدودی با هدفی مشابه تصویب شده بود، با خود به همراه آوردند.



در دانشکده مدیریت بازرگانی چه چیزهایی یاد نگرفتیم!

بخش دیگران باشد تا به او و شرایطی که به موجب هر فعالیت به وجود می‌آید، به طرز شایسته‌ای پاسخ دهند. البته این نکات تمامی آن چه باید درباره مدیریت گفت، نیست اما اینک با تمام اعتقاد آن را باور دارم و به آن عمل می‌کنم. با این حال، روزی که دانشکده را ترک می‌کردم، چنین تصویری در ذهن نداشتم. آن روزها چنین می‌پنداشتم که مهارت تجزیه و تحلیل امور و مسائل، همراه با ابزار و وسائلی همچون آمار و ارقام، ماشین و عمل حسابداری و پژوهش عملیات^(۲) مهمترین عوامل و ارکان توفیق مدیر محسوب می‌شود. البته ممکن است نگرش مکانیکی من چنین ذهنیتی را برایم ایجاد کرده باشد، چرا که در دوره دبیرستان بیش از هر چیز به مکانیک علاقمند بودم، اما در هر صورت نمی‌توانم عامل اساسی این نگرش را تمایل به مکانیک بدانم.

آن روزها تصور می‌کردم که پس از ورود به محیط کار از تمامی توانم برای استفاده از این ابزار استفاده خواهم کرد و در مدتی کوتاه به کارمند و سپس مدیری سرشناس تبدیل خواهم شد. به خودم

علمی رشته خود واقف باشد، عنوان یاد شده را موجه خواهیم دانست.

اما آن چه را در دانشکده مدیریت یاد نگرفتم، چهار درس اساسی است که به طوری که خواهید دید، هر کدام با تعدادی درس جانبی نیز همراه است. این درسهای اساسی بدین شرح است:

درس شماره یک: جنبه انسانی مدیریت

کاش در نخستین روزها یک نفر به من می‌گفت که مدیریت جنبه‌های قابل ملاحظه‌ای دارد، که واقعیت ظاهر شدن در نقش مدیر با آن چه از لفظ آن بر می‌آید چقدر فاصله دارد، که این هنر و علم را نمی‌توان به تنهایی به انجام رساند، بلکه باید با همکاری و همراهی دیگران مدیریت کرد. البته در دروس دانشکده و سخنان استادان اشاراتی دیده و شنیده بودم، اما یکاش یا کسی دقیقاً و صریحاً این نکات را برایم می‌شکافت، یا خودم به آن چه می‌دیدم و می‌شنیدم با دیدی بازتر و عمیق‌تر نگاه می‌کردم.

مدیریت عبارت است از این که انسان تمامی قوای خود را بکار گیرد تا بتواند کارها را به انجام برساند. او باید الهام

- نویسنده: لوئیز ای. پلت^(۱)
- مدیر شرکت هیولت - پاکارد^(۲)
- ترجمه: دکتر غلامعلی سرمد

در نگاه اول ممکن است عنوان این نوشته، عجیب به نظر برسد، چرا که مهم‌ترین هدف هر کس از رفتن به دانشگاه یادگیری است. بنابراین، کسی که چهار سال در دوره کارشناسی یک رشته تحصیل می‌کند، قاعدتاً باید مطلب قابل ملاحظه‌ای یاد گرفته باشد که با آن چه که پیش از ورود به دانشگاه نمی‌دانسته، قابل مقایسه نباشد.

با این همه، اگر بپذیریم که: (۱) دانشگاه برای هر کس امکاناتی فراهم می‌سازد تا مطالب مشخص را یاد بگیرد، (۲) در دانشگاه عمدتاً راه و رسم یادگیری به دانشجویان آموزش داده می‌شود نه بیش از آن، (۳) در دانشگاه معمولاً نکات نظری (تئوری)^(۳) را آموزش می‌دهند و در اغلب رشته‌ها، از جمله رشته‌های مدیریتی به کار عملی نمی‌پردازند، و (۴) علم مرتباً رو به گسترش است و فارغ التحصیل «دیروز» نمی‌باید و نمی‌تواند «امروز» هم به رموز

می‌گفتم که هر یک از این ابزار و امکانات بسیار با ارزش است و باید از آن در سایه همین ارزش استفاده کرد. در عین حال، نمی‌گفتم که پیدا کردن راهی برای ترغیب کار گروهی و ایجاد انگیزه در افراد برای نیل به هر یک از اهداف سازمان (که هدف مشترک کارکنان محسوب می‌شود) - به همین اندازه و حتی بیش از آن ارزشمند است. یعنی آن چه را امروز همکاران و اندیشمندان رشته‌های مدیریتی «نرم‌افزار مدیریت» می‌خوانند، و بدون شک با آن چه اصطلاحاً «سخت‌افزار مدیریت» خوانده می‌شود بسیار تفاوت دارد، نمی‌شناختم، یا لااقل آن را به این اندازه با اهمیت نمی‌دانستم.

البته در بعضی از کلاسهای دانشگاه روان‌شناسی مدیریت عرضه می‌شد، اما صادقانه اعتراف می‌کنم که تا حد امکان در این کلاسها شرکت نمی‌کردم، و اگر مشکل حضور و غیاب مطرح نمی‌بود، اصولاً به این کلاسها نمی‌رفتم. روزی در کلاس درس «سازمان و مدیریت» نشسته بودم و به موضوع بحث که رهبری و کار گروهی بود، گوش می‌دادم. اما چون حوصله شنیدن این بحث‌ها را تا پایان کلاس نداشتم، ترجیح دادم به اتاق مجاور بروم و پای صحبت استاد پژوهش عملیات بنشینم. اما روزی که نخستین مسئولیت اجرایی به من محول شد، فهمیدم چه اشتباهاتی مرتکب شده‌ام و چه فرصتهای گرانبهایی را از دست داده‌ام. در دانشکده هیچ وقت به پست اجرایی فکر نمی‌کردم و یا چگونه باید از عهده آن بر آمد. این پست عبارت بود از رئیس اداره کساحداری، ولی در نخستین روز کارم فهمیدم مدرک کارشناسی من هیچ کمکی به من نمی‌کند. همه کارکنان اداره با تردید به من نگاه می‌کردند و من به این تردید دچار شدم که اصلاً مدرک دانشگاهی ندارم. البته سعی کردم این احساس را به صورت یک راز حفظ کنم، اما به هر صورت رازها پوشیده نمی‌ماند. تفاوت من با سایر کارکنان چنین تأثیری بر ما گذاشت که هر کدام به طریقی به مسائل نگاه کنیم.

قبل از آن در جایی مسئول بودم که سایرین مثل خودم بودند. اما در واحد کساحداری با عده‌ای متخصص فنی برق، تأسیسات و مانند آن مواجه شدم که هر کدام در کار خود تجربه‌های فراوان داشتند. هر چه به گذشته‌ام نگاه کردم، بین تجربه‌های خودم با این افراد مشابهتی ندیدم. با این حال، تفاوتی که با دیگران داشتم، موجب شد تا نکات تازه‌ای یاد بگیرم. در آن سمت برای نخستین بار پی بردم که مشکل‌ترین بخش مدیریت، «افرادی» هستند که باید زیر دست مدیر کار کنند.

خوشبختانه، مافوق من انسان شایسته‌ای بود که به شدت از من حمایت می‌کرد و با اشاره‌ها و سخنانش به درسهایی که خوانده یا نخوانده بودم، جهت می‌داد. او به من می‌گفت که صرفاً به کار کردن زیر دستان توجه نکنم، بلکه بیش از هر چیز به احساس یا احساسات آنها نسبت



مدیریت جاذبه‌های قابل ملاحظه‌ای دارد، که واقعیت ظاهر شدن در نقش مدیر با آن چه از لفظ آن بر می‌آید فاصله دارد، که این هنر و علم را نمی‌توان به تنهایی به انجام رساند، بلکه باید با همکاری و همراهی دیگران مدیریت کرد.

به چگونگی انجام کار بیندیشم. به جای آن که فقط به «صرف» روابط خود با دیگران فکر کنم، به علل این روابط و راههای توسعه و تقویت آن بیندیشم. به جای آن که «رئیس» و مافوق باشم، به زیر دستان نشان دهم که «در دسترس» آنها قرار دارم و می‌توانم دوست آنان باشم. به جای آن که در لباس «رسمی» ظاهر شوم و دلواپس‌کت و شلوار و کراواتم باشم، به انسانی تبدیل شوم که کار کردن برایش مهم است نه لباس. به جای آن که از زیر دستان فاصله بگیریم، در جهت جلب اعتماد آنان بکوشم و قبل از هر چیز خودم به آنها نزدیک شوم.

بیش از پیش به زیردستان گوش کنم، وقت زیادتری به آنان و گفته‌هایشان اختصاص دهم، در حد معقول به آنها اعتماد کنم و بپذیرم که هر یک از آنها می‌توانند چندین کار انجام دهد که از عهده من ساخته نیست. مجموع این ملاحظات، بسیار به من کمک کرد و به کمک آن توانستم طرحهای چندی تدوین کنم و برنامه‌های متعددی برای روزهای آینده تنظیم نمایم. خوشبختانه این تجربه نخستین من در پست مدیریتی بود و از آن «روابط انسانی» را به عنوان یک مسأله قابل ملاحظه یاد گرفتم: ارزش قابل شدن برای انسانها، اعم از فقیر و غنی و رئیس و مرئوس، بزرگترین درس عبرتی بود که از این شغل یاد گرفتم. این درس را همیشه به یاد داشته‌ام و هنوز هم سرمشق من در نظام کاری و حتی زندگی خارج از محیط کار است. نقشی که در سازمان دارم به برنامه‌های دقیق فنی و سیاسی منحصر نمی‌شود، بلکه پیدا کردن افراد مناسب برای اجرای این برنامه‌ها وظیفه‌ای سنگین‌تر است. به علاوه، کمک به زیر دستان در هنگام انجام کارها، ترویج روحیه کار گروهی و تعاون در میان زیر دستان، استقبال از اندیشه‌های سازنده زیر دستان بدون توجه به این که صاحب این اندیشه در چه مرتبه‌ای از سلسله مراتب اداری قرار دارد، بررسی چنین اندیشه‌هایی به تنهایی یا با همکاری افراد ماهر، و دادن بازخورد به صاحبان اندیشه‌ها به هر شیوه‌ای که

شایسته مدیریت و آنان باشد، دیگر ابعاد این یادگیری را تشکیل می‌دهد.

درس شماره ۲: ارزش تفکر

همه می‌دانیم دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم به سرعت تغییر می‌کند. البته همیشه در دنیا تغییر وجود داشته، زیرا نفس تغییر از عوامل اساسی ادامه حیات است. اما در دنیای امروز سرعت و تعداد تغییرات با آن چه سابقاً وجود داشته، تفاوت‌های اساسی و تعیین کننده دارد.

در هر سازمان یا واحد تولیدی، آنچه تهیه یا تولید می‌شود عمر مشخصی دارد که گاه حتی می‌توان طول عمر آن را پیش بینی کرد. در مؤسسات صنعتی، از جمله مؤسسه محل کار نویسنده، این مدت حدود یک سال است، یا به بیان دیگر هر یک از مصنوعات ما یک سال عمر می‌کند و سپس از صحنه خارج شده، جای خود را به مصنوع تازه‌ای که مدل همان سال است، می‌سپارد.

در واقع، مسأله تغییر بدان معنی است که هر چند ممکن است کارها آن قدرها خوب انجام نشود، اما بسیار تند انجام می‌شود. به همین دلیل، به تبعیت از آن چه که روزگاری داروین گفته بود (یعنی بقای شایسته‌ترین موجودات)^(۵) در تنازع با سایر موجودات، به ویژه با هموعان، عده‌ای این روحیه جدید را «بقای تندترین»^(۶) نام نهاده‌اند. و البته این اصل بسیار حائز اهمیت است، زیرا تأثیری در هر چیز و هر کار، مخصوصاً در تولیدات صنعتی دارد.

در چنین شرایطی لازم است انسان به سرعت و بدون از دست دادن فرصت، تصمیم بگیرد. یعنی هیچ وقت نباید انتظار داشت که می‌توان - و می‌بایست - بیشترین اطلاعات ممکن را برای اخذ تصمیم تهیه کرد. به بیان دیگر، اگر چه تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات امری جالب و اساسی است، اما مواقع متعددی سراغ داریم که مبنای تصمیم‌گیری ذوق و سلیقه، مهارت، تجربه و دانش اشخاصی است که مسئولیت اتخاذ تصمیم را بر عهده دارند. برای مثال، هنگامی که بر اساس برنامه ریزی‌های

مدیریت عبارت است از این که انسان تمامی قوای خود را بکار گیرد تا بتواند کارها را به انجام برساند. او باید الهام بخش دیگران باشد تا به او و شرایطی که به موجب هر فعالیت به وجود می‌آید، به طرز شایسته‌ای پاسخ دهد.

بسیار جزء به جزء (تفصیلی) رفتار می‌کنیم، و برای انجام هر کار در حدود ده گام مرحله به مرحله برنامه ریزی شده بر می‌داریم، هیچ کس نمی‌تواند، و نمی‌باید بگوید که اشتباه کرده‌ایم، زیرا با این روش تقریباً هیچ اشتباهی نخواهیم کرد. اما در هر صورت برای آن چه کشف و شهود خوانده می‌شود نیز باید جایی را در نظر گرفت. به نظر من، همه ما کم و بیش کشف و شهود یا آن چه را خودم «قضایات عملی» نامگذاری کرده‌ام داریم. با این حال تا جایی که خاطراتم یاری می‌کند و می‌توانم به کمک حافظه‌ام سوابق تحصیل در دانشکده را دنبال کنم، در درس مدیریتی ما از این پدیده سخنی به میان نمی‌آمد و به مدیران نکات دیگری توصیه می‌شد.

در واقع، دانشکده جای طرح این مطالب بود که در پست مدیریت: شرایط را به شیوه‌ای کاملاً نظام دار (سیستماتیک) بررسی و تجزیه و تحلیل کنید. برای هر تجزیه و تحلیل، اطلاعات هر چه زیادتر جمع آوری کنید. در صورت وجود عده‌ای متخصص در سازمان، در امور مربوط با آنان مشورت کنید. هر قدر هم مشاوران شما برجسته باشند، در نهایت براساس جمع بندی آرای آنان تصمیم بگیرید، زیرا مسئول نهایی اتخاذ تصمیم خود شما هستید و ... خلاصه آن چه به مدیران بالقوه یا آینده آموزش داده می‌شد، نکاتی از این قبیل نبود که مدیر حق دارد گاه و بیگاه به محاسبه‌های ذهنی خود پناه ببرد، و وقت مخصوصاً در تصمیم گیری‌های آنی، وقت را تلف نکند بلکه از همان شهود و اشراق یاد شده سود ببرد. به بیان دیگر حالا می‌فهم

که لازم بود در دانشکده مدیریت توانایی انسان برای تحلیل مسائل بدون تکیه بر اطلاعات آماری نیز به ما آموزش داده شود، زیرا تجربه هایم نشان می‌دهد که مرز تفاوت مدیران در توفیق یا عدم توفیق، استفاده از نیروی عقلانی در غیاب داده‌های آماری است.

به تعبیر دیگر، چنین می‌پندارم که کشف و شهود از تجربه‌های انسان ریشه می‌گیرد. منظور از کشف و شهود، مطالبی است که باید پس از مدتها کار کردن، آن هم کار سخت و طولانی، کسب شود. اما آنچه باید در آغاز، و پیش از کشف و شهود، و حتی قبل از تجربه کافی انجام شود، آن است که شخص قبول کند که در هر پدیده مدیریتی می‌توان نشانه‌هایی از این الهام شهودی را سراغ گرفت. در عین حال، باید دانست که این نشانه‌ها به نسبت نوع فعالیت یا پدیده، به انضمام شرایط مکانی و زمانی، کاملاً متفاوت است. اگر در دوران تحصیل در دانشکده چنین مطالبی به ما گفته بودند، یا ما را هدایت می‌کردند که با مطالعه و جستجو نمونه‌ها یا نشانه‌هایی از این اندیشه‌ها را پیدا کنیم، به احتمال زیاد در مدتی کوتاه پس از اشتغال به کار (و نه به قسمت سرمایه گذاری چندین سال به «قضایات عملی» می‌رسیدیم، یا به بیان ساده‌تر می‌توانستیم از توانایی بالقوه‌ام در کشف و شهود استفاده کنم.

درس شماره ۳: اهمیت انعطاف پذیری

امروزه در عصری زندگی می‌کنیم که در مقایسه با تمامی ادوار تاریخ حیات انسان، بسیار سریع دچار تغییر می‌شود و به همین دلیل بیش از هر زمان دیگری باید انتظار داشت که حوادث غیر منتظره اتفاق بیفتد. مثل معروفی است که می‌گویند: «در پی اتفاقات غیر منتظره باش تا بخت بزرگتری یارت شود.» شاید شما هم مانند من به تجربه دریافته باشید که در مواقعی «بخت» همان حادثه‌ای است که رخ می‌دهد بدون آن که شما انتظارش را داشته باشید. و باز شاید شما هم مواردی را به یاد داشته باشید که «بخت بزرگ» یار کسی می‌شود

که از غیر منتظره‌ها بیشترین استفاده را ببرد. به این ترتیب هر گاه کسی انعطاف یا آمادگی روبه رو شدن با غیر منتظره‌ها را داشته باشد، و نیز بتواند به صورتی معقول از این پیشامدها استفاده کند، انسان، کارمند، کارگر یا مدیر موفق‌تری خواهد بود. به تعبیر دیگر، آن چه در اینجا می‌خواهم تأکید کنم، برنامه ریزی برای استفاده از واقعه‌ها است، نه برنامه ریزی به تعبیری که در دروس مدیریتی به ما آموزش می‌دادند.

از آن چه در زندگی کاری برایم رخ داده، به این نتیجه رسیده‌ام که احتمالاً در پست مدیریت، به ویژه در مقام مدیر اجرایی، بیش از سایر مشاغل باید برای استفاده از موقعیت‌های پیش بینی شده آمادگی داشت، زیرا در این شغل (یا مشاغل) احتمال بروز چنین موقعیت‌هایی بیشتر است.

واقعیت این است که هنوز هم چنین حوادثی را بیش از تمامی اتفاقاتی که در دوران سرپرستی برایم رخ داده، تلاش برانگیز^(۷) می‌دانم. اوایل تصور می‌کردم یک انسان کارمند، یا مدیر باید ثبات رأی داشته باشد و اندیشه و عملش را تغییر ندهد. اما رو به رو شدن با تعدادی حادثه غیرمنتظره به من یاد داد که این باور، نصف واقعیت است. یعنی، به اینجا رسیدم که این سخن به یک تعبیر صحیح است و به تعبیر دیگر غلط صحیح است، زیرا تلون اندیشه و عمل برای همه ما، به ویژه برای مدیران، خطر دارد، ما نمی‌توانیم و نمی‌بایست بیدی باشیم که با هر بادی بلرزیم، یا شعله‌ای باشیم که هر نسیمی ما را به یک جهت براند. اما غلط است بدان سبب که نمی‌توان و نباید تصور کرد اندیشه و عمل امروز بهترین است و جز آن اندیشه و عملی وجود ندارد. تغییرات بسیار زیادی رخ می‌دهد که تقریباً هیچ نظارت یا کنترلی بر آن نداریم، ولی باید با آن کنار بیاییم. به این دلیل داشتن انعطاف یا آمادگی دیدار با غیر منتظره‌ها - یا حتی غیر ممکن‌ها - به ما می‌گوید که ثبات رأی تا کجا خوب است و از چه مرزی که گذشت نمی‌توان آن را معقول دانست.



کرد: گوش دادن به مربی، یادداشت برداری از سخنان مربی، مطالعه مستقل در خانه یا کتابخانه، کار عملی برای مطالبی که امکان انجام چنین کارهایی برای آن وجود دارد، از توصیه‌های مثبت برای یادگیری است. اما خط کشیدن زیر مطالب کتاب برای ایجاد تضادی بین حروف کتاب با رنگ خودکار یا مازیک، درس خواندن به صدای بلند، درس خواندن با دوستان، درس خواندن در خیابان و فضای باز، و درس خواندن در سکوت محض، نمونه‌هایی از توصیه‌های غلط برای یادگیری است.

ولی آنچه بعدها فهمیدم در دانشکده و دوره‌های پیش از دانشگاه به ما نگفته‌اند، «چه چیزی را خواندن» است. البته شرکت‌های انتشاراتی کتابهایشان را با برچسب‌هایی همچون «ویژه خردسالان»، «ویژه نوجوانان» و امثال آن مشخص می‌کردند. ولی در دانشکده مدیریت هیچوقت به ما نگفته‌اند که اگر کودک ابتدایی نوشته‌های چاپی «ویژه نوجوانان» را مطالعه کند، چه می‌شود؟ آن را نمی‌فهمد، از آن سوء تعبیر می‌کند، یا چنان دلزدگی از کتاب پیدا می‌کند که ممکن است تا پایان عمر کتاب نخواند؟

در واقع، آن چه به ما گفته می‌شد، «چرا خواندن» و «چه چیزی را خواندن» بود، که اولی زیر پوشش عبارات یا جملات کلی مثل «خسوب است»، «سودمند است»، «همه بزرگان چنین کرده‌اند» عرضه می‌شد، و دومی به تدرت مورد بحث قرار می‌گرفت. حال آن که امروزه، که چندین سال از عمر مدیریتم می‌گذرد، و دارم می‌فهمم که در دنیای پر از نوشته امروز چرا باید آثار خاصی را مطالعه کرد و به چه دلیل باید این مطالعه کردنها همیشگی باشد.

درس شماره ۴: یادگیری مادام‌العمر

به طوری که در مقدمه اشاره شد، در دانشکده راه و رسم یادگیری را به ما تذکر می‌دادند، کما این که پیش از آن در دبیرستان و دبستان نیز به این مهم پرداخته و حتی آن را آموزش داده بودند. یعنی تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کند، از نخستین روزهای شروع به تحصیل، گاه و بیگاه به ما می‌گفتند که باید در تمام عمر شاگرد باقی بمانیم و به یادگیری ادامه دهیم. حتی در روزهایی که به مدرسه نرفته بودم نیز به دلایل متعدد، از جمله برای تشویق ما به مدرسه، چنین حرف‌هایی به ما می‌گفتند.

همچنین، در سالهای پیش از تحصیل، در دوره‌های ابتدایی و متوسطه و نهایتاً در دانشگاه بارها و به شکلهای مختلف به ما گفته بودند که برای یادگیری بهتر چه باید

- 1: Lewis E.Platt (1993)
- 2: Hewlett _ Packard
- 3: Theory
- 4: Operational research
- 5: Survival of the fittest
- 6: Survival of the quickest
- 7: Challenging = چالشی

نشین هستند.

اگر چه شرایط اقلیمی استان یزد، توسعه بخش کشاورزی را در آن محدود کرده است، اما توسعه صنعت و معدن در یزد از رونقی ویژه برخوردار می‌باشد به طوری که در مقایسه با سایر استانها از لحاظ درصد اشتغال در واحدهای صنعتی دارای رتبه اول و از نظر سرمایه گذاری صنعتی رتبه دوم را دارد. به علاوه عبور راههای اصلی جاده‌ای و خط آهن، وجود امکانات بهداشتی و درمانی، توسعه دانشگاهها، پیشینه بازرگانی استان، بافت سنتی شهری و حفظ ابنیه تاریخی از فراهم بودن زمینه‌های بالقوه برای ایجاد اشتغال در بخش خدمات حکایت می‌کنند.

در استان یزد، بخش تعاونی تاکنون، با بهره‌گیری از توان مشارکتی بیش از ۱۲۷ هزار نفر عضو، ۱۲۴۰ واحد تعاونی را با سرمایه ثابتی حدود ۷۲ میلیارد ریال برای فعالیت در زمینه‌های مختلف تولیدی و خدماتی سازماندهی کرده است.

عملکرد سال ۷۷

اداره کل تعاون استان یزد، در سال ۱۳۷۷ با تشکیل ۱۲۰ شرکت تعاونی در زمینه‌های مختلف در مجموع ۱۲۰۰ فرصت شغلی در سطح استان ایجاد کرد.

برای تشکیل این تعاونی‌ها ۲۱۸۴ نفر عضو بالغ بر ۸/۳ میلیارد ریال سرمایه گذاری خود را رسماً به ثبت رساندند.

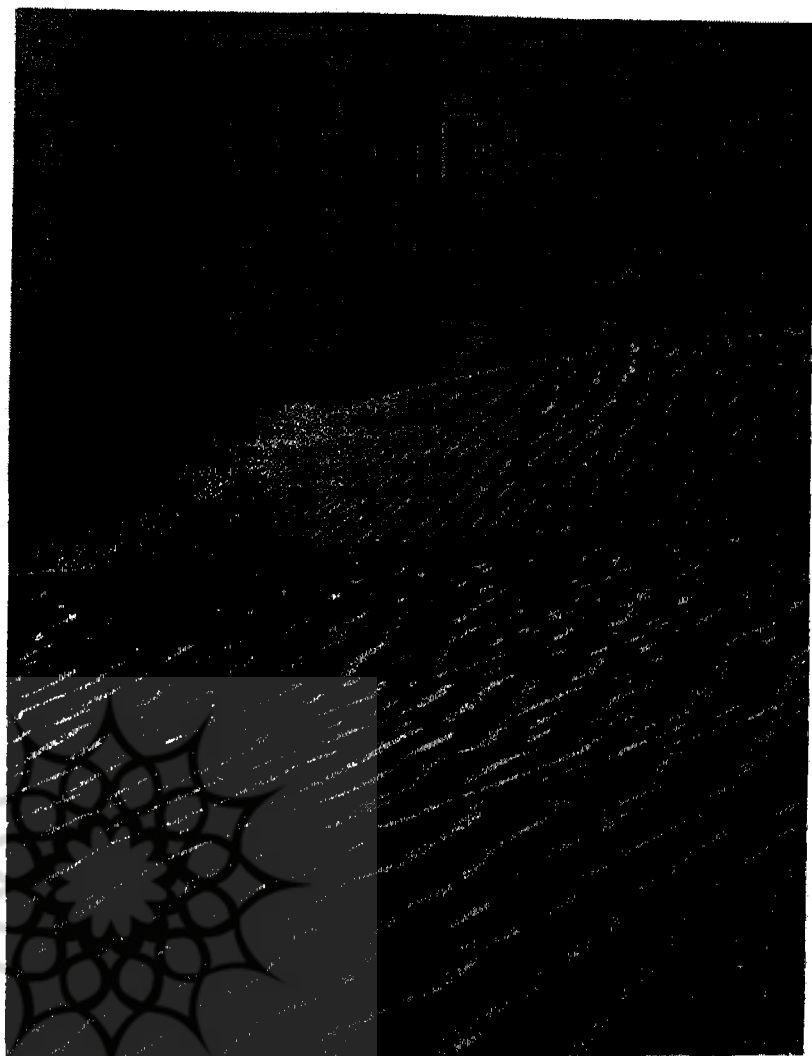
بر پایه اطلاعات آماری موجود، بیشترین حجم سرمایه گذاری در سال ۷۷، در بخش تعاونی‌های صنعتی به عمل آمده است که برای تشکیل ۲۶ تعاونی صنعتی از سوی ۲۶۹ نفر عضو آنها حدود ۲/۹ میلیارد ریال سرمایه گذاری صورت گرفته است.

در سال ۷۷، پرداخت افزون بر ۲۹/۱ میلیارد ریال تسهیلات اعتباری از محل تبصره ۲ بودجه کل کشور برای احداث و راه اندازی ۱۰۱ طرح تعاونی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و خود اشتغالی مورد تصویب کمیته‌های برنامه ریزی استان یزد و بانکهای عامل قرار گرفت.

پناه بردن به خنکای ژرفای زمین و حفر چاه و قنات برای التیام تشنگی خود و خاک، داستان مکرر نسلهای سخت کوش این خطه از ایران بوده است. این استان حدود ۱/۲ در صد از جمعیت کشور - افزون بر ۷۷۰ هزار نفر - را در خود جای داده است که ۷۵ درصد آنان شهر

اشاره

استان یزد، بر پهنه‌ای به وسعت ۷۳ هزار و ۵۵۹ کیلومتر مربع - حدود ۴/۴ درصد از کل کشور - با آب و هوای خشک و کویری در قسمت مرکزی فلات ایران واقع شده است.



اداره کل تعاون استان یزد؛

توسعه تعاون در حاشیه کویر

همچنین ۲۱ شرکت تعاونی کشاورزی و فرش دستباف استان بالغ بر ۱/۵ میلیارد ریال وام برای سرمایه در گردش دریافت کردند.

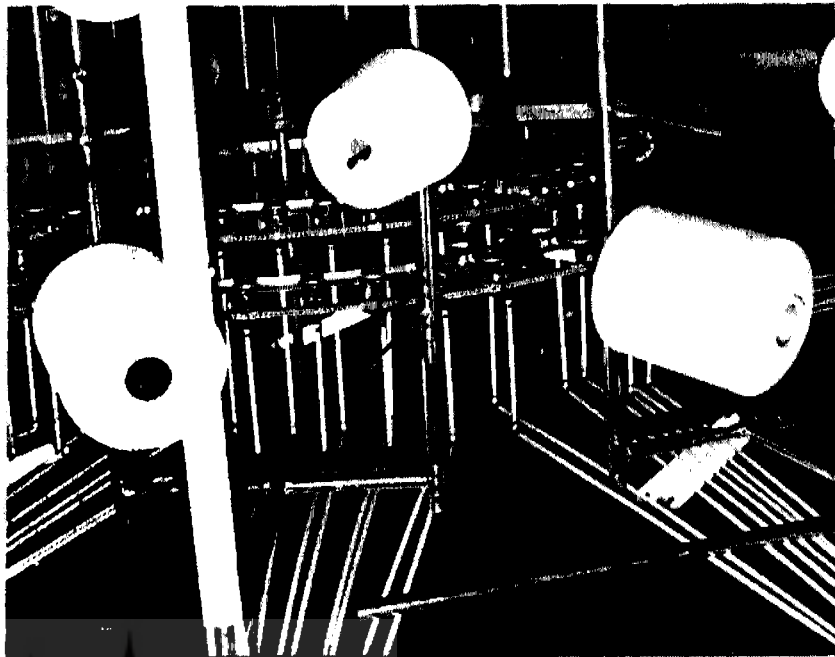
سال گذشته، از سوی اداره کل تعاون استان یزد، در مجموع ۳۰۸ دوره شامل: ۱۵۴ دوره تکدرس، پنج سمینار و گردهمایی و ۱۴۹ دوره آموزشی به مدت ۶۸۷۳ ساعت برای ۱۰ هزار و ۵۹۲ نفر برگزار گردید که نسبت به سال ۱۳۷۶، از نظر تعداد دوره‌ها ۲۷۱ درصد، از نظر ساعات آموزش ۸۴ درصد و از لحاظ تعداد نفرات آموزش گیرنده ۱۸۴ درصد رشد محقق شده است.

راهکارهای توسعه

صرف نظر از وجود قابلیت‌هایی چون سخت‌کوشی، کارآفرینی و همدلی در مردم استان یزد که خود از پایه‌های اصلی در شکل‌گیری مشارکت‌های مردمی است، موقعیت جغرافیایی استان یزد و قرار گرفتن آن در مرکز ایران و همسایگی با استان‌هایی چون فارس، کرمان، خراسان و اصفهان، عبور جاده سراسری تهران بندر عباس و راه آهن مشهد - بافق و بافق - بندرعباس از این استان که امکان دسترسی به آبهای خلیج فارس را برای آن فراهم می‌کند و نیز پایین بودن میزان رطوبت هوا که برای فعالیت در زمینه صنایع غذایی، یک مطلوبیت محسوب می‌شود، استان یزد را برای تجمع سرمایه‌ها از طریق مشارکت‌های مردمی در بخش تعاونی در طول برنامه سوم توسعه کشور مستعد ساخته است.

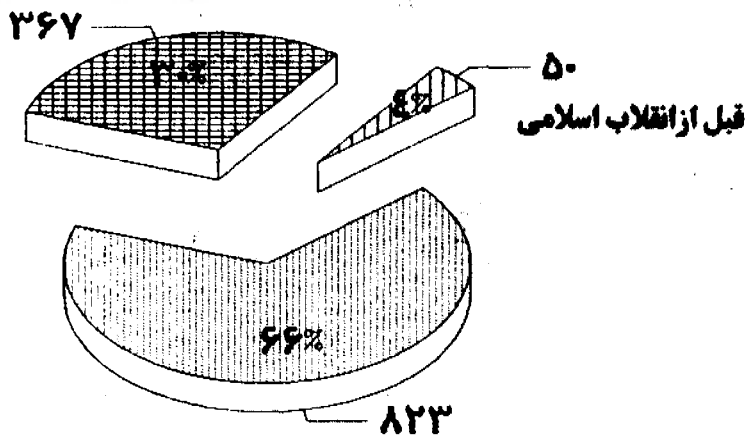
آقای محمد رضا حسینی، مدیر کل تعاون استان یزد، درباره مهم‌ترین راهکارهای توسعه بخش تعاونی در استان یزد، به فعال کردن هر چه بیشتر اتاق تعاون یزد یا تشکیل «انجمن مدیران تعاونی» با هدف استفاده از تجارب مدیران موفق تعاونی‌ها برای هدایت تعاونی‌های نوپا اشاره می‌کند و ساماندهی تعاونی‌های منطقه‌ای را از جمله شاخص‌ترین برنامه‌های بخش تعاون یزد در طول برنامه سوم مطرح می‌کند.

وی می‌گوید: تعاونی‌های منطقه‌ای می‌توانند توانمندی‌های دو یا چند استان را



وجود قابلیت‌هایی چون: سخت‌کوشی، کارآفرینی، همدلی و موقعیت جغرافیایی استان یزد و همسایگی با استان‌هایی چون فارس، کرمان، خراسان، اصفهان و عبور جاده راه آهن مشهد - بافق و بافق - بندر عباس که امکان دسترسی به آبهای خلیج فارس را فراهم می‌کند - استان یزد را برای تجمع سرمایه‌ها از طریق مشارکت‌های مردمی در بخش تعاونی در طول برنامه سوم کشور مستعد ساخته است.

بعد از انقلاب و قبل از تشکیل وزارت تعاون



پس از تشکیل وزارت تعاون تاکنون

تعداد تعاونی‌های تشکیل شده در استان یزد در سه مقطع زمانی متفاوت

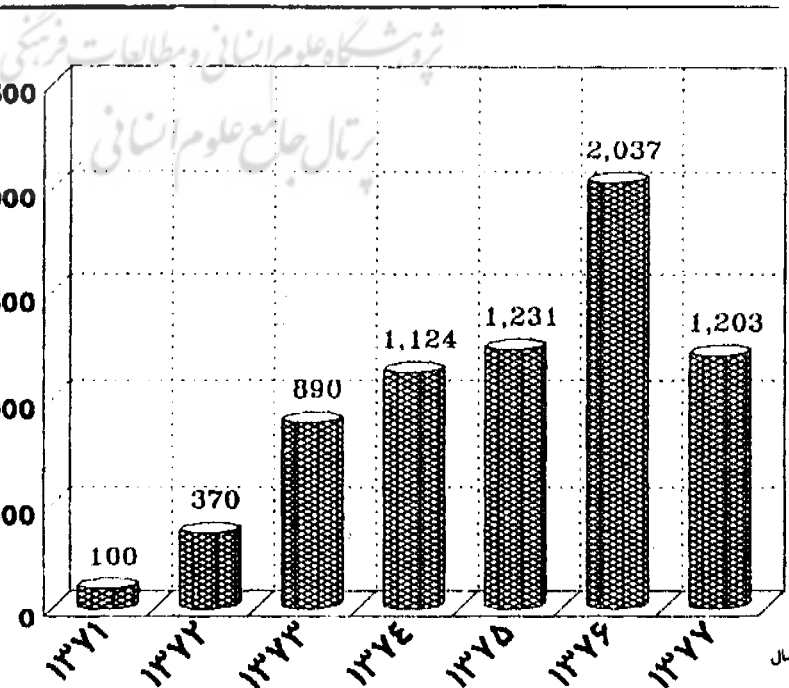
اگر چه شرایط اقلیمی استان یزد، توسعه بخش کشاورزی را در آن محدود کرده است، اما توسعه صنعت و معدن در یزد از رونقی ویژه برخوردار می باشد به طوری که در مقایسه با سایر استانها از لحاظ درصد اشتغال در واحدهای صنعتی دارای رتبه اول و از نظر سرمایه گذاری صنعتی رتبه دوم را دارد. به علاوه عبور راههای اصلی جاده ای و خط آهن، وجود امکانات بهداشتی و درمانی، توسعه دانشگاهها، پیشینه بازرگانی استان، بافت سنتی شهری و حفظ ابنیه تاریخی از فراهم بودن زمینه های بالقوه برای ایجاد اشتغال در بخش خدمات حکایت می کنند.

در قالب مشارکتهای تعاونی به کار گیرند. مثلاً نیروی انسانی کار آفرین استان یزد با امکانات آب و خاک استانهایی چون اصفهان و یا چهار محال و بختیاری تلفیق شده و طرحهای مشترک تولیدی راه اندازی شوند.

مدیر کل تعاون استان یزد، با اشاره به اهمیت بررسی مشکلات به طریق علمی، همکاری اداره کل تعاون یزد با دانشگاه یزد و تأسیس «مرکز آموزش و پژوهشگاه تحقیقات تعاون استان یزد» را به عنوان یکی از فعالیتهای شاخص آن اداره کل در طول برنامه سوم توسعه مورد تأکید قرار می دهد.

مهندس حسینی، اجرای طرح کارورزی فارغ التحصیلان دانشگاهی را از جمله راههای مؤثر در ایجاد اشتغال و ترویج فرهنگ تعاونی در جامعه می داند. او می گوید: بر اساس این طرح کلیه فارغ التحصیلان دانشگاهی که زمینه فعالیت آنها در شرکتهای تعاونی وجود دارد، برای یک دوره کارورزی یکساله به تعاونی های مربوط معرفی می شوند. این افراد با دریافت حداقل دستمزدهای مصوب وزارت کار که از طریق صندوق تعاون یا صندوق فرصتهای شغلی و کمک تعاونی ها اعتبار آن تأمین می شود، چگونگی فعالیت در تعاونی های تولیدی را آموزش می بینند و در پایان دوره مذکور یا در همان شرکت به کار گرفته می شوند و یا این که خودشان به تأسیس یک تعاونی جدید اقدام می کنند.

همچنین از تشکیل تعاونی های فراگیر در مناطق روستایی، ایجاد بازارچه های تعاون و تأکید بر طرحهای خود اشتغالی، به عنوان دیگر راهکارهای توسعه بخش تعاونی در استان یزد نام برده می شود.



اشتغالزایی تعاونی های استان یزد (۷۱ - ۷۷)

داروی مقوی بسیار مطلوب و اثر بخش است.

امروزه حتی ژله رویال را در بعضی از کشورها جایگزین ویتامین‌ها می‌کنند و به صورت داروهای مقوی و به صورت قرص و به صورت قرص و کپسول مورد استفاده قرار می‌دهند.

سایر محصولات زنبور عسل

۱- عسل

یکی از محصولات اساسی زنبور عسل نیز، عسل می‌باشد. ماده اولیه عسل شهد گلها است که زنبور عسل پس از جمع آوری آن در داخل کندو طی مراحل خاصی آن را تبدیل به عسل می‌کند.

برای تولید یک کیلو عسل، زنبور عسل مقدار ۸ کیلوگرم عسل مصرف می‌کند و این مقدار عسل برای پرواز مسافتی برابر با ۶ برابر محیط کره زمین کافی است. اگر یک زنبور عسل، نیم کیلو عسل را به تنهایی جمع آوری کند، باید پروازی معادل سه بار محیط کره زمین را طی کند.

انواع عسل

انواع عسل را می‌توان در سه گروه زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- عسل با منشأ گیاهی (مانند عسل کربنات، عسل آویشن، عسل گون و ...)
- ۲- انواع عسل با توجه به زمان برداشت (عسل بهار و عسل پاییزه)
- ۳- انواع عسل با توجه به نحوه عرضه بازار (عسل شهد و یا عسل شان که با موم همراه است).

مهم‌ترین ترکیبات عسل عبارتند از: رطوبت ۲۰-۱۸ درصد، انواع قند، انواع اسیدها، مواد معدنی، انزیمها، ویتامین‌های گروه B و C.

۲- موم

موم ماده‌ای است که به وسیله چهار جفت غده موم سازی که در زیر شکم زنبورهای کارگر قرار دارند، ترشح می‌شود. معمولاً زنبور عسل برای تولید یک کیلوگرم موم، به طور متوسط ۸/۵ کیلوگرم عسل مصرف می‌کنند. موم تازه ترشح شده

به رنگ گرده گل است. پرورش نوزادهای زنبور در داخل شانهای سفید و به مرور زمان موم به رنگ زرد، قهوه‌ای و ... در می‌آید. موم از نظر ترکیبات شامل: انواع اسیدهای چرب، هیدروکربنهای سنگین، الکل و استر است. موم در زنبورداری، پزشکی و دارو سازی، لوازم آرایشی، صنایع نساجی، چرم سازی، کاغذ سازی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- زهر زنبور عسل

نیش زدن و استفاده از زهر، قدرت دفاعی زنبور در مقابل عوامل بیگانه است که توسط زنبور کارگر انجام می‌شود. زهر زنبور عسل مایعی شفاف و تلخ است که بسیار اسیدی می‌باشد. زهر زنبور عسل ترکیبی از اسیدهای فسفریک، کلریدریک،

بقیه از صفحه ۱۶

سالارانه‌تری از حکمروایی جهانی.

حاکمیت جهانی

بیا در نظر گرفتن مجموع گروه‌های محروم و کنار مانده و دیگر گروه‌های همانند آنها، به نظر می‌رسد که کمتر از ۱۰ درصد جمعیت جهان به طور کامل در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت کامل دارند. برای گروه عظیمی از مردمان، مشارکت واقعی به مبارزهای طولانی و پیوسته نیاز دارد.

موانع و سدها

مشارکت همانند گیاهی است که به آسانی در محیط انسانی رشد نمی‌کند. گروه‌های ذینفع نیرومند که با حرص و آز شخصی، بر انگیزته می‌شوند در راه قدرت سیاسی و اقتصادی مردم موانع بیشتری پدید می‌آورند. این سدها از این قرارند:

- نظامهای قانونی و حقوقی؛
- محدودیتهای دیوانسالاری؛
- ارزشها و سنتهای اجتماعی؛
- توزیع نادرست داراییها.

مأخذ: مجله مدیریت دولتی - شماره ۲۳ - بهار ۱۳۷۸